ژوندون

اطلاعات کلیدی

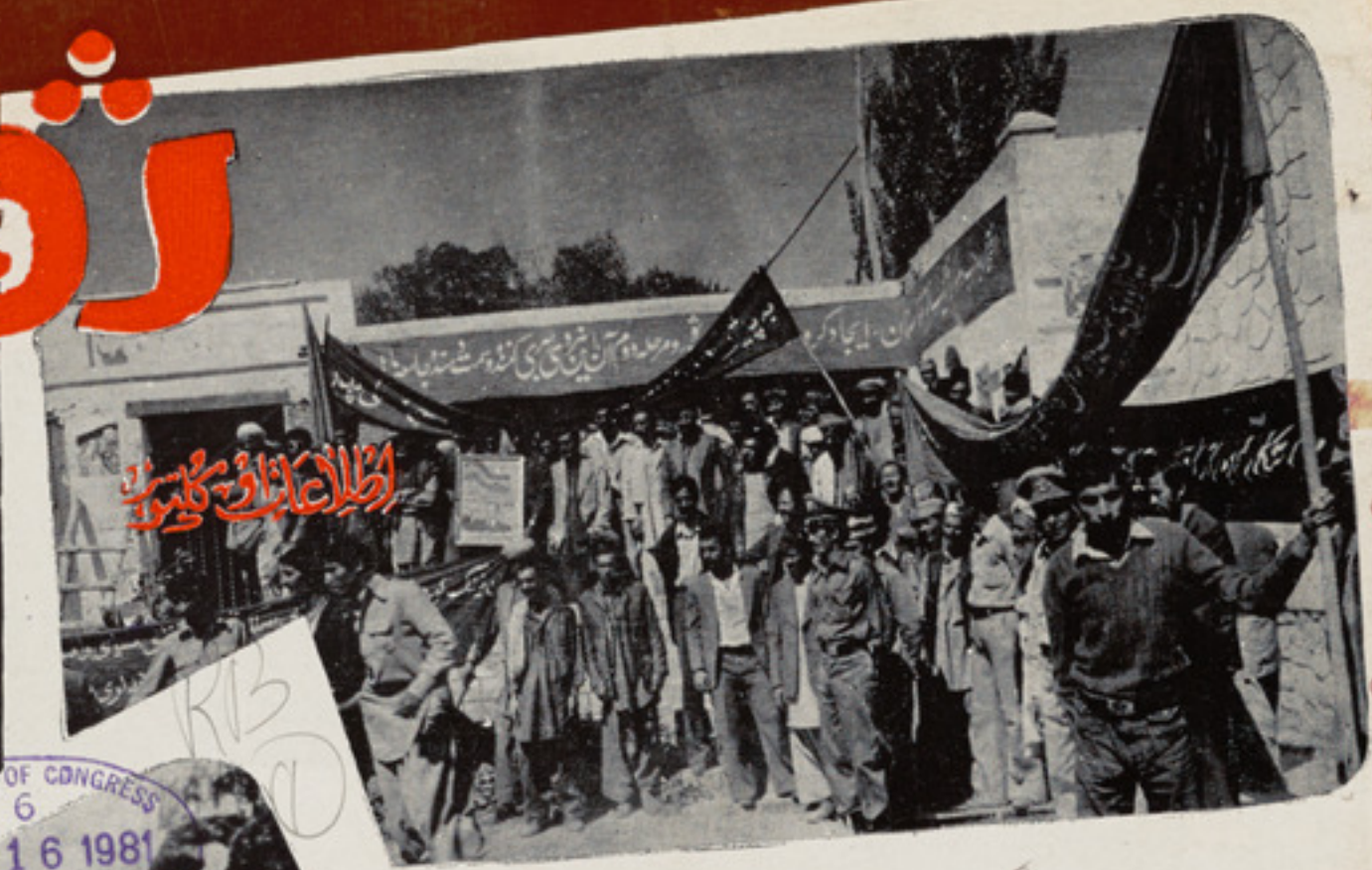

LIBRARY OF CONGRESS
6
NOV 16 1981
CONT. COPY
ORDER DIVISION

شنبه ٤میزان ۱۳٦۰
۲٦ سپتامبر ۱۹۸۱

نمایی از نخستین جلسه عادی سال ۶۰

اختصار وقایع مهم

دافغا نستان دخلك‌دموکراتیك گوند دمرکزی کمیتی عمومی منشی‌اودافغا نستان ددموکراتیك جمهوریت دانقلابی شورا رئیس ببرك کارمل دسنبلی په ۲۵ نیته مازیگر د افغانستان دخلك دمو کراتیك گوند دمر کزی کمیتی داقتصادی خانگی دگوندی مسئولینو ددوهم سیمیناربرخه‌وال دانقلابی شورا دمقر گلخانی په مانی کی ومنل له هغوی‌سره‌یی‌په یوه‌پوره دمو کراتیکه فضا کی خبری وکړی .

• • •

دافغانستان دخلك دموکراتیك گوند دمرکزی کمیتی دعمومی منشی اود افغا نستان د دمو- کراتیك جمهوریت‌دانقلابی شورا درئیسه‌هیات دصدر ببرك کارمل‌په مشری دسنبلی‌په۳۰نیته له غرمی وروسته دافغا نستان د دمو کراتیك جمهوریت دانقلابی شورا رئیسه هیا ت د انقلابی شورا په مقر کی غونډه وکړه .

• • •

دافغا نستان دخلك‌دموکراتیك‌گوند دمرکزی کمیتی عمومی منشی او دافغا نستان د دمو - کراتیك جمهوریت دانقلابی شورا رئیس‌ببرك کارمل دسنبلی په۲۳نیته‌مازیگر دخارندوی‌هغه قهرمان افسران، ساتنمنان او سر تیری پداسی حال کی چی دکورنیو چارو وزیر سید محمد گلاب زوی‌اودکورنیو چارو دوزارت دسیاسی چارو لوی رئیس ډاکتر فاروق حاضر وو ددلکشا په مانی کی ومنل چی دثور انقلاب دارزښتونو ددفاع اوپه هیوادکی دامنیت‌دتامین په‌لاره کی په سر ښند نی سره جنگیدلی دی او دهغوی په سینوباندی یی دویاړنښانونه اومدالونه وځړول .

• • •

تحت ریاست ببرك‌کارمل‌منشی عمومی‌کمیته مرکزی حزب دمو کراتیك خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دمو کراتیك

دافغانستان دخلك دموکراتیك گوند دمرکزی‌کمیتی عمومی منشی او دانقلابی شورا رئیس ببرك‌کارمل دخارندوی دیوتن ساتنمن په سینه‌دویاړ مدال ځړوی .

کله چه دافغانستان دخلك دموکراتیك‌گوند‌مرکزی کمیتی عمومی منشی او دانقلابی شورارئیس ببرك کارمل دخارندوی افسران ساتنمنان‌او سربازان منلی او دهغوی سره خبری کوی .

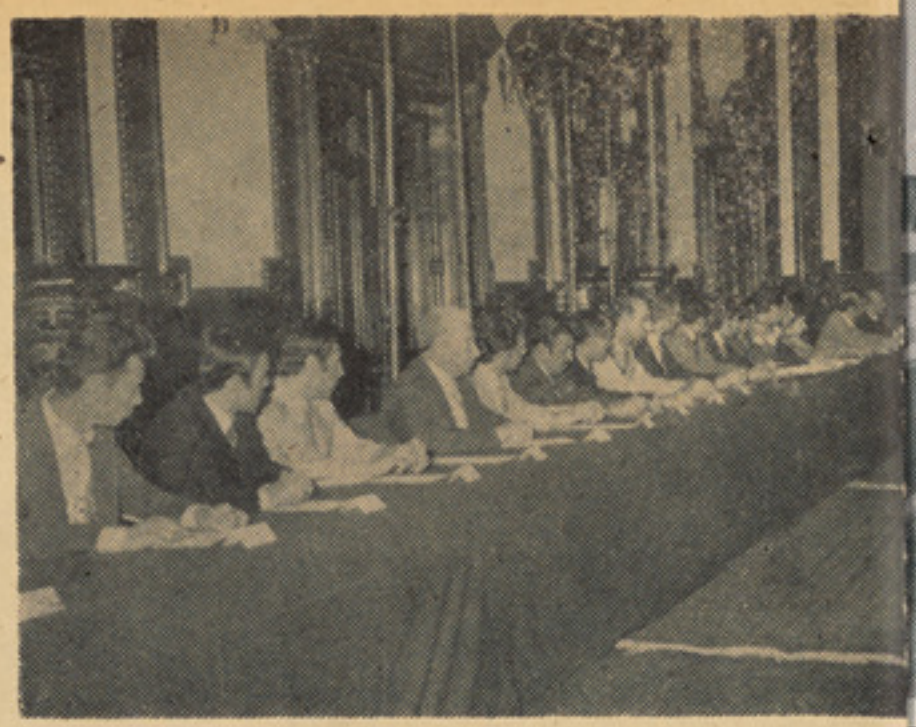

شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان .

افغانستان دوره اول اجلاس عادی سال ۱۳۶۰ شورای انقلابی جمهوری دمو کراتیک افغانستان ساعت چهار بعداز ظهر ۳۱ سنبله در قصر دلکشا مقر شورای انقلابی دایر گردید .

• • •

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دمو کراتیک افغانستان عصر ۲۳ سنبله هیات رهبری اتحادیه نویسندگان اتحاد شوروی رادر مقر شورای انقلابی برای ملاقات پذیرفتند .

• • •

دافغانستان دخلك دمو کراتیك گوند دمرکزی کمیټی دعمومی منشی اود افغانستان د دمو کراتیك جمهوریت دانقلابی شورا د رئیس ببرك کارمل له خواد مالی دآزادی دورځی دکالیزی له امله دمالی دخلکو د دمو کراتیکی اتحادیی دسر منشی او دمالی دجمهوریت د جمهور رئیس جنرال موسی تروری په نامه بما کوته دمبارکی تیلگرام مخابره شویدی .

• • •

دافغانستان دخلك دمو کراتیك گوند دمرکزی کمیټی دعمومی منشی اود افغانستان دمو کراتیك جمهوریت دانقلابی شورا د رئیس ببرك کارمل له خوا د مکسیکو دملی ورځی له امله دهغه هیواد دجمهوررئیس خوزی لوپیز پور تیلو په نامه مکسیکو سیټی ته دمبارکی تیلگرام مخابره شویدی .

په دغه تیلگرام کی ببرك کارمل دمکسیکو دخلکو دزیاتی نیکمرغی لپاره خپلی ښی هیلی خرگندی کړیدی .

• • •

دافغانستان دخلك دمو کراتیك گوند دمرکزی کمیټی دسیاسی بیرو غړی او منشی اودپلار وطنی ملی جبهی دملی کمیټی رئیس ډاکتر صالح محمد زیری دسنبلی په ۲۵ نیټه له غرمی دمخه دلیکوالو او شاعرانو داتحادیی له یو شمیر غړو یو سره دگوند د مرکزی کمیټی په مقر کی وکتل .

• • •

ډاکتر اناهیتا راتبزاد عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیك خلق افغانستان و رئیس سازمان دمو کراتیك زنان افغانستان قبل ازظهر روزاول میزان با عدهٔ کثیری از زنان کارگر فابریکه های مختلف شهر کابل در سالون سازمان دمو کراتیك زنان افغانستان ملاقات نمود .

• • •

دافغانستان دخلك دموکراتیك گوند دسیاسی بیرو غړی او دمرکزی کمیټی منشی او دافغانستان د دمو کراتیك جمهوریت دانقلابی شورا مرستیال نور احمدنور دمیزان په ۲ نیټه له پراگ نه هیواد ته راغی .

دافغانستان دخلك دموکراتیك گوند دمرکزی کمیټی عمومی منشی او دانقلابی شورا رئیس ببرك کارمل کله چه دانقلابی شوراپه مقر د گلخانی په ماڼی کی دگوند دمرکزی کمیټی دواقتصادی خانگی دگوندی مسؤولینو ددوهم سیمینار دگډونکو له خوایی تودهرکلی کیږی .

داکتر راتب زاد بازنان کارگر فابریکه های افغانستان قبل از ظهر روز اول میزان با عدهٔ مختلف شهر کابل ملاقات نمود .

دانقلاب ضد عناصر وپه وړاندی د ډیری پراخی مبارزی دسختوالی له بهرنه دصادرو شویو باندو ونو دپوره محو کولو اوله مینځه وړلو او په ټول هیواد کی د وګړنی قدرت دټینگو لوپه غرض دگوندی سازمانونو دفعالینو دوسله وال پوځ ،د دولتی اطلاعاتو دخدمتونو دریاست ، خارندوی ، دکابل دښار او مرکزی زونونو گډه غونډه دسنبلی په ۲۳ نیټه له غرمی وروسته دپولی تخنیك په جمنازیوم کی وشوه .

پیک ژوندون

«آنانیکه فکر می‌کنند که پیروزی درمبارزه بخاطر آینده شگوفان خود بخود بدون کار وپیکار قهرمانانه‌ده‌ها وصدها هزار وطنپرست بدست می‌آید سخت دراشتباه هستند.»

ببرک کارمل

شنبه ٤ میزان ١٣٦٠ ـ ٢٦ سپتامبر ١٩٨١

دشمنان ما محکوم به زوال اند

همانطور یکه انقلاب ملی و دمو کراتیک ثور قدرت سیاسی را به زحمتکشان افغا نستان انتقال داده وآنها را حاکم بر سر نوشت‌شان نمود ، ضربات محکم ومرگباری را بر پیکر ارتجاع ، فیودالیزم و امپریالیزم وارد کرده‌به حکمروایی حکومات بی حد وحصر استبدادی غیر مردمی که ازقرنهابدینسو بر ملت‌ستمدیدهٔ ما تحمیل گردیده بود خاتمه داد وافق های روشن و تابناکی رادر برابر مردم رنجدیدهٔ ماگشود .

پلان هاوپروگرام های اقتصادی ـ اجتماعی حزب‌و دولت انقلابی ماکه در جهت رفاه و خوشبختی توده های میلیونی زحمتکشان ماو بخاطر تامین‌عدالت‌اجتماعی‌واعمار یك‌افغانستان نوین ،پیشرفته وشگوفان طرح گردیدو گام های مفید وسودمندی که در جهت تطبیق این پروگرام ها بخاطر بهروزی وسعادت خلقهای زحمتکش ماو عمران و آبادانی ، ترقی وتعالی کشور بلا کشیدهٔ ما برداشته شد وپیروزی هایی که درین زمینه نصیب دولت انقلابی ما گردید به مذاق دشمنان انقلاب یعنی عناصر مرتجع وابسته به‌فیودالان داخلی و امپریالیزم وهژمونیزم خوش نخورده وآتش بجان عمله‌آنان زد زیرا آنها منافع آزمندانه و استثمار گرانهٔ سانرا در اثر انقلاب ثور از دست دادند و حلقوم مردم زحمتکش‌ماازچنگال‌کثیف وآغشته بخون این گرگان آدمخوار نجات یافت وبرای همیش زمینهٔ تغذیهٔ آنان ازخون وگوشت توده های رنجبر ومظلوم ما برداشته شد بناء همین انگیزه سبب شده تا دشمنان انقلاب وطن ومردم ما همه در یك صف نامقدس علیه‌دولت انقلابی ما قرار گرفته وجهت بدست‌آوردن منافع از دست دادهٔ خویش تلاش های مذبوحانه نمایند .

همزمان با وارد شدن انقلاب به مرحله نوین و تکا ملی آن ونفوذ و گسترش پایه های آن دربین توده های‌میلیونی مردم ما، توطئه ودسایس، تحریکات ومداخلات ارتجاع وامپریالیزم درکشورماکسب‌شدت نمود. باندهای اجیرو مزدوراشرارتوسط ارتجاع منطقه وامپریالیزم امریکا و متحدین بین المللی‌اش تجهیز وتسلیح گردیده و جهت تخریب‌ـترور و آدمکشی وغیره اعمال ننگین و ضدانسانی از خارج بر حریم کشور ما فرستاده میشوند تا بتوانند با انجام اعمال جنایت کارانه وشرم‌ـآور شان فضای‌زندگی وامنیت کشور مارامختل نموده وبه این ترتیب سدراه انقلاب گردند مگر از آنجایی که مردم شریف وآزادهٔ‌ما بادرك این واقعیت که انقلاب ثور ودست آوردهای‌آن متضمن یك‌زندگی آبرومند وسعادتبار برای‌آنان است ودیگر نمی خواهند که باردیگر تحت مناسبات اسارت آور قرون وسطی وشیوه‌های استثماری‌آن زندگی نمایند، همواره ازانقلاب و دست آورد های آن دفاع نموده ودر پهلوی قوای مسلح قهرمان ـ خارندوی ودیگرنیروهای امنیتی کشور هر گونه مداخلات وتجاوزات دشمنان میهن شانرا عقب زده وپلان هاواهداف شوم آنهارا نقش برآب نموده‌اند همین‌پایمردی و حمایت وپشتیبانی زحمتکشان مااست که انقلاب ثور در مقابل این همه توطئه ودسایس ومداخلات بیشرمانهٔ دشمنان وطن همچون‌صخرهٔ استوار وپابرجاست .

از آنجایی که ارتجاع و امپریالیزم اکنون بصورت علنی و آشکار مداخلات خود را در امور داخلی ماشدت بخشیده‌ونیرنگ های تازه یی را علیه انقلاب ـ میهن و مردم ما بکار می‌بندد وباند های اجیر و مزدور رابا اسلحهٔ نیرومند تجهیز وجهت انجام اعمال تخریبی ترور و آدمکشی‌و جنایات ضد انسانی برحریم کشو رما می‌فرستد تا زندگی آرام مردم مارا برهم زده وفضای‌کارصلح آمیز و فعالیت های عمرانی وسازنده را در کشور ما مختل سازد دولت انقلابی ما نیز جهت آمادگی بیشتر به منظور عقب زدن مداخلات و تجاوزات ارتجاع وامپریالیزم و تقویت‌هرچه بیشتر قوای‌مسلح ونیروهای امنیتی کشور تدابیر و تصامیم لازم را اتخاذ نمود .

اخیرامصوبهٔ‌شورای‌وزیران‌ج.د.ا بخاطرجلب‌و احضار قسمی سربازان وخورد ضابطان قطعه به صفوف قوای مسلح به اساس همین‌ضرورت عینی جامعهٔ ما یعنی‌به‌خاطر تقویت اموردفاعی کشور درمقابل تجاوزات و مداخلات ارتجاع وامپریالیزم و محوو طرد کامل اشرار ازدامان پاك وطن ،صادر گردید که مورد استقبال‌گرم مردم زحمتکش ما قرار گرفت چنانچه مادرعمل دیدیم که بلا فاصله بعداز نشر مصوبهٔ مذکور صدها هزار از هموطنان شریف ماکه واجد شرایط جلب و احضار بودند باشور وعشق وطنپرستی به این خواست حزب ودولت‌انقلابی شان لبیك گفته‌و به صفوف قوای مسلح و خارندوی کشورآگاهانه وداوطلبانه پیوستند .

مصوبهٔ شورای وزیران ج.د.ا علاوه ازآنکه مزایای زیادی داشته وتسهیلات‌لازم رابرای هموطنان ما فراهم آورده و مشکلات شخصی‌و فامیلی آنها رادر نظر گرفته است همچنان خط فاصلی رامیان دوستان‌وحامیان انقلاب‌ازیکطرف ودشمنان وضد انقلاب از جانب دیگر کشیده و موضعگیری آنعده کسانی را که در برابرانقلاب موقف‌روشنی‌نداشته ودرشك وتردید بسر میبردند مشخص وروشن ساخته است خوشبختانه خلاف توقع دشمنان و ضد انقلاب ما عملاء دیدیم‌که اکثریت‌توده ها وزحمتکشان میهن عزیز ما در سنگر دفاع از انقلاب‌ودولت انقلابی شان قرار گرفته و آدمهای شانرابخاطر هرنوع ایثار وفداکاری جهت حفاظت از ناموس وطن با احساس وطنپرستی ابراز کردند .

تطبیق مصوبه واستقبال شعوری وآگاهانه‌مردم شریف و زحمتکش مایکبار دیگر چشم‌دشمنان وطن را کور ساخته و بانیرومند شدن قوای مسلح قهرمان ما روحیهٔ دشمنان انقلاب تضعیف وضد انقلاب درهرگوشه وکنار وطن به‌شکست افتضاح آمیز و رسوایی و نابودی سوق داده شده‌اند .

این حکم زمان ماو منطق تکامل تاریخ‌است که نیروهای نوین و مترقی ،بالنده وپیشرو ونیروهای کهنه و مرتجع محکوم بزوال‌ونابودی است بنابرآن مامتیقن هستیم وایمان کامل داریم که حقانیت انقلاب ما روزتاروز روشن شده‌ودربین توده‌ها نفوذ کردنی وبه پیروزی نهایی رسیدنی است و ضد انقلاب و همه نیروهای مرتجع وعقبگرا روز تاروز دربین‌مردم رسوا ، شرمنده ومحکوم بزوال ونابودی‌حتمی است .

درین شماره

تطبیق اصلاحات دموکراتیك ارضی یکی‌از اهداف بزرگ انقلاب شکوهمند ثور است .

• • •

می‌آموزیم وکارمیکنیم برای آبادانی‌ات وطن

• • •

دیگر فریاد زن‌درگلوگاه تاریخ خفه نمیگردد

• • •

خون من فدایت باد، وطن من

• • •

مساله محو تهدید نا بودی حیات د ر روی زمین بحیث یك وظیفه مبرم نسل کنونی

• • •

خنگه کولای شو چه معیوب کسان دجامعی کتور غیری وگرزوو !

• • •

انقلاب مردم وطن و جبهه ملی پدروطن

• • •

من هم یك انسانم ،

• • •

مارتین لوترکنگ رهبر سیاهان چگونه بقتل رسید .

• • •

نهم سپتامبر یا روز سالگرد انقلاب بلغاریا

• • •

شرح روی جلد وپشتی چهارم :

صحنه های مختلفی از استقبال هموطنان شریف ماز مصوبهٔ شورای وزیران ج.د.ا. در موردجلب واحضارقسمی سربازان وخوردضابطان قطعه ـ وهمچنان جریان ثبت نام درکمیسیون های نظامی وپیوستن به قوای مسلح ج.د.ا. را نشان میدهد .

تبصره

تطبیق اصلاحات دموکراتیک ارضی یکی از اهداف بزرگ انقلاب شکوهمند ثور است

انقلاب ملی و دمو کراتیک ثور که به‌اراده وحمایت ملیون ها انسان ز حمتکش‌واستثمار شونده میهن محبوب ما در تحت رهبری حزب دمو کراتیک خلق افغانستان « پیش آهنگ طبقه کارگر و تمام ز حمتکشان کشور» بـه پیروزی انجا مید تغییرات عمیق و بنیادی‌ای را در سیمای جامعه ما به سـود کارگـران ، دهقانان وسایر پیشه وران و زحمتکشان ببار آورده مردم مارا وارد مر حله نوینی از حیات خویش‌گردانید .

حزب دمو کراتیک خلق افغانستان ودولت جمهوری د مو کراتیک افغانستـــان بعـد از پیروزی ا نقلاب ثور و تحقق حا کمیت واقعی زحمتکشان در کشور به منظور ر فاموآسایش طبقه بزرگر و دهقان عذاب دیـدهٔ جـامعه مـا وبرای محو و نابودی تمام بقا یای مناسبات ونظام فرتوت فیودالی طی فرمان شماره‌هشتم شورای انقلابی مو ضوع ا صلاحات د مـو- کراتیک ار ضی را منحیث یك ضرورت‌تاریخی در سر تاسر کشور اعلام نمود . هدف عمده ازاجرای این‌امراین بودکه‌دهقانان بی‌زمین‌کشور صاحب زمین شوند ، شیوه های تـولیـــد کهنه تغییر پذیر د و سر انجام سطح‌حیات اقتصادی ، اجتماعی و فر هنگی د هقا نان زحمتکش کشور اعتلا یابد ، چنانچه‌در تزهای کو نه مر کزی حزب دمو کراتیک خلق افغا - نستان در بارهٔ دو مین سالگرد انقلاب ثـور در این مورد چنین می خوانیم :

« یگانه راه از بین بردن پایه های اجتماعی واقتصادی مناسبات فیودالی در دهات‌وروستا های افغانستان عبارت از اجرای کـــا مل اصلا حات دمو کراتیک ار ضی است ، تامین بعضی دیگر از مهمترین ا هداف سیا سی ، اجتماعی واقتصادی انقلاب ثور نیز تنها از طریق تطبیق مر حله بمر حله کامل‌اصلاحات دمو کراتیک ار ضی امکان پذیر است این اهداف عبارتند از : توزیع عادلانه و مو ثـر آب و زمین و تغییر عمیق شیوه ها و طرق تولید ز راعتی به کمك دو لت بالنتیجـــه انکشاف اجتماعی ، اقتصادی و فر هنگـــی دهقانان و زحمتکشان مشغول زراعت و اعتلای وطن ما . استحکام هر چه بیشتر ا تحـــاد کارگران و د هقانان بخاطر د فاع و تکا مل همه جانبهٔ انقلاب . »

آری ! با تطبیق همین فر مان سُو ر ا ی انقلابی جمهوری دمو کراتیک ا فغا نستان‌بود که در مر حلهٔ او ل اصلاحات دمو کرا تیك ار ضی در حدود سه صد هزار خانواده بی بضاعت د هقانی کشور صاحب زمین شدند ودر مزارع دست یافتهٔ خویش‌بکار وحرکت پرثمر و سودمند آ غاز نمودند . اما آ نچه در این مورد قابل یاد آوری می باشد ایـن است که دسایس و تو طئه های ار تجاع و امپریالیزم و مقاو مت های نا بخر دا نـــه ودشمنانهٔ د شمنان اصلاحات د مو کرا تیك ار ضی در کشور توأم باپارهٔ از اشتبا هات در امر تطبیق قانون اصلاحات دمو کرا تیك ارضی ما نع پیشرفت و دوام این کارگردیده جریان اصلاحات دموکراتیك ارضی رادرکشور به سکتگی مواجه سا خت . و لی حزب و دولت انقلابی ما بعد از ایجاد مر حله نوین وتکاملی انقلاب شکوهمند ثور بدین ا مـــر بزرگ در حیات اقتصادی و ا جتماعی‌دهقانان وزحمتکشان کشور تو جه عمیقی مبذول‌داشت وبدین منظور بوروی سیاسی کمیته مر کزی حزب دمو کراتیك خلق افغانستان وشورای وزیران جمهوری دمو کراتیك افغانستان به تاریخ (۳۰) جوزای سال جاری ادامهٔ تطبیـق عادلانه و دمو کراتیك اصلاحات ار ضی‌رابه تصویب ر سانید و کمیسیون کمیته مرکزی حزب دمو کراتیك خلق افغانستان و شورای وزیران جمهوری دمو کراتیك ا فغا نستان برای ادامهٔ تطبیق عادلانـــه ودمو کراتیـك اصلاحات ار ضی تاسیس گردید .

همچنان هیات ر ئیسه شورای ا نقـلابی جمهوری دمو کراتیك افغانستان اخیراضمیمه نمبر اول فرمان شماره هشتم شورای‌انقلابی جمهوری دمو کراتیك افغانستان در بارهٔزمین را به تصویب ر سانید .

در این فرمان ار زشمند وانقلابی به نکات مهمی بذل توجه صورت گرفته است که هر یك از آن ها با شرایط اجتماعی و فر هنگی جامعه ما مطابقت کا مل دارد ومورد پذیرش واستقبال پر شور ز حمتکشان میهن قـــرار گرفته اند .

بر اساس ضمیمه نمبـر اول فرمان شماره هشتم شورای انقلابی در مورد ز مین‌بمنظور احترام به علمای د ینی ، خطبا و ا ما ما ن مساجد قطعات ز مین ا ضافه جریبی دا خل نصاب که در تصرف آنها قرار دارد به‌اساس تائید ر یاست عمومی شئون ا سلامی ازنزد ایشان ا خذ نمی گردد و قطعات مو قـو فه بشمول او قاف مر بوط به اماکن متبرکه چون زیارت ها ، مدارس د ینی و مساجد در اختیار متولیان آنها قرار می گیرد . اینهاهمه‌نمایانگر این حقیقت اند که دو لت جمهوری د مـو - کراتیك افغانستان به علمای د ینی و سنن وعقاید مردم ز حمتکش کشور ارج می‌گذارد وبدیده تقدیر می نگرد .

همچنان به منظور تقدیر از کار روا نی های سران و مشران قبایل کشور که در امر مبارزه علیه د شمنان انقلاب ثور وحفظ سر- حدات وطن خد مات قابل قدری انجام داده‌اند قطعات اضافه جریبی داخل نصاب کـــه در تصرف آنها قرار دارند ملکیت قا نو نی‌آنها محسوب می شود .

بهمین ترتیب قطعات ز مین ا ضافه جریبی داخل‌نصاب که در تصرف آن عده افسرا نی که در صفوف قوای مسلح خدمت انجام می- دهند قرار دارد از نزد شان گرفته نشده در اختیار آنها قرار می داشته باشد .

اینها و بسا نکات عمدهٔ دیگری که‌درفرمان اخیر هیات ر ئیسه شورای ا نقلابی‌جمهوری دمو کراتیك افغانستان (ضمیمه نمبر ا ول فرمان شماره هشتم شورای انقلابی جمهوری دمو کراتیك افغانستان) بچشم می خو ر د

این حقیقت عمده و انکار ناپذیر رابه اثبات می رساند که حزب دمو کراتیك خلق افغا - نستان و دو لت جمهوری دمو کراتیك افغا - نستان در حالیکه سعی می نماید تاپایه های فرتوت نظام فیو دالی و مناسبات غیر عادلانه فیودالی را در سراسر کشور از ریشه‌بردارد به‌کا ر روائی ها و خدمات آن عده ازهموطنان ما که در راه د فاع‌از وطن، حا کـمیت ملی استقـــلال ملـــی و تمـا میت ا ر ضـــی کشـــو ر زندگی خودرا وقف نموده اند بدیدهٔ قدر می نگرد و به منظور احترام به آ ئین‌و عقاید مردم ز حمتکش کشور به علمای‌دینی اما مان مساجد ، خطبا و پیشوایان مذاهب کشور از مساعدت های لازمه د ریغ نمی - ورزد .

پیش آهنگان برمزار شهدای راه انقلاب ثور اکلیل گل میگذارند

سالروز تشکیل س.پ.ا، تحت‌شعار زیر تجلیل شد :

می آموزیم و کار میکنیم برای ابادانی ات وطن!

روز جمعه سوم سنبله نخستین سالگرد ساز مان پیشس آ هنگا ن افغانستا ن با مراسم خا ص و شکو همند ی تجلیل گردید ، این مراسم در میدا ن سپورت انستیتوت پولی تخنیك کابل بر گزار شد ه بود که در آن هزار ها نفر ا ز پیشس آ هنگا ن مربوط شهر و ولسوا لی ها ی ولایت کا بل اشترا ك و رزید ه بودند .

در آغا ز این محفل با شکو ه بعد از آنکه راپور گزار ش یك سالهٔ ساز ما ن پیشس آ هنگا ن افغانستان توسط سر رهنما های نوا حی مختلف شهر وو لسوا لی ها ی مربوط ولایت کابل با مراسم خا ص پیشس آهنگی به مسوو لین شورای شهر ی و لا یتی آ ن ساز ما ن تقدیم گردید و راپور عمو می تو سط مسوو لین مذکور به منشی ا و ل کمیته مرکز ی ساز ما ن دموکراتیك جوانا ن افغانستا ن ارا ئه و مورد پذیرش واقع گردید .

بعد از ارا ئه راپور ها بر ها ن غیا ئی عضو کمیته مرکز ی حز ب دموکرا تیك خلق افغا نستا ن ومنشی او ل ساز ما ن دمو کرا تیك جوانا ن افغانستا ن در ارتبا ط نخستین سا لگرد ساز ما ن پیشس آهنگا ن و فعا لیت های این سازما ن در طو ل مد ت یك سا ل پیا م کمیته مرکزی ساز ما ن دمو کرا تیك جوانا ن افغانستا ن را قرا ئت نمود که مورد استقبا ل گر م وپر شور حا ضرین قرار گر فت .

بعد از قرائت پیا م تنی چند از پیشس آ هنگا ن به نماینده گی از سا یر ین به تپه شهدا رفته به یاد بود شهدا ی راه انقلاب شکو همند ثور بر مزار ایشا ن اکلیل گل گذ اشتند .

بعدا پیشس آ هنگا ن با مراسم وترانه های میهنی خواندند .

ترانه های میهنی خواندند .

طبق راپور یك منبع ساز ما ن دموکرا تیك جوانا ن افغانستا ن در این مراسم در حدو د چهار هزار تن از پیشس آهنگا ن مربو ط مرکز و ولسوا لی های ولایت کابل اشتراك ورزید ه بودند که از جمله یك هزارو دو صد تن ایشا ن در مراسم حصه داشتند .

در ختم این محفل عظیم و تاریخی کنسر ت جا لبی شا مل شعرخوانی ها، ترا نه‌ها، انتر کت هاو فکاهیات از طر ف ساز مان پیشس آهنگا ن در جمناز یو م انستیتو ت پو لی تخنیك کابل اجراء گردید که مورد استقبا ل گر م وزاید الو صف حضار قرار گر فت .

منشی اول سازمان دمو کراتیك جوانان افغانستان هنگا میکه بیرق پیش آهنگی رابه یکتن ازپیش آهنگان تسلیم مینما ید

در ارتبا ط بدین روز تا ریخی وفعالیت های یك سالهٔ ساز ما ن پیشس آهنگا ن افغانستا ن را پورتر مجله با محتر مه ، پر یسا عضو شورا ی مرکز ی ساز ما ن پیشس آهنگا ن افغانستا ن مصا حبه ا ی به عمل آو رد ه است که ذیلا ا ز نظر شما می گذرد :

موصو ف به پاسخ این سوا ل که هدف از تاسیس ساز مان پیش آهنگا ن افغانستا ن چه بوده و پیشس آهنگا ن در این ساز مان‌برای چه منظور تحت تر بیه گر فته می شوند ؟ چنین اظهار داشت :

سا ختمان جا معهٔ نوین در کشور مستلز م آن است که کود کا ن و نوجوانا ن کشور که مردان وزنا ن آینده میهن ما هستند از همین‌حالا به مثا به ساز ندگا ن جا معهٔ مرفه و شگو فا ن در میهن ماطور ی پرورش و تر بیت یابند که رو حیهٔ عشق به میهن ما افغانستا ن‌واعتقاد خدشه‌ناپذیر نسبت به آینده در خشا ن آن علاقه توا م‌بااحساس مسوو لیت نسبت به کار در امر سا ختما ن جا معهٔ نوین در کشو ر احترا م عمیق به حز ب دموکرا تیت خلق ا فغا نستان « پیش آهنگ طبقهٔ کار گر و تما م ز حمتکشا ن کشور » و رو حیه مبارز ه در را ه تحقق آر مان ها ی آن به بهتر ین صورت در فرد فرد آنا ن بو جو د آید و رشد نماید ، ساز مان پیشس آهنگا ن افغانستا ن تحت رهنمایی ساز مان‌دموکرا تیك جوا نا ن افغانستا ن موظف به تعمیل این وظایف می باشد .

ـپیشس آ هنگا ن کشور تحت کدام پرو گرا م ها کار می کنند و آن ها در شرایط فعلی علاو ه بر آنکه تحت تر بیت قرار دارند چه وظایف و خد مات اجتما عی‌ای را انجا م می دهند ؟

ـدر پهلو ی تطبیق پلان ها ی‌یك ما هه که شا مل بخشس ها ی تشکیلا تی ، آموز شی شو را ها پیشس آ هنگی ما کار های‌داوطلبانه را در مکاتب ، مسا جد ،مو سسا ت وفابریکا ت‌مطابق پلان ها ی یك ما هه ی تشکیل می دهند .

آن ها منظما از خانوا د ه ها ی رفقا یی که در راه دفا ع‌از انقلا ب شهید شده اند به مثا به دوستان کوچك این خانواد ه ها خبرگیر ی نمود ه در حد توا ن خو یشس احتیاجا ت آن ها را رفع می نمایند.

همچنا ن اعضا ی ساز مان پیشس‌ـ آهنگا ن افغانستا ن با خانواد ه‌های سربازا ن دلیر ی که جهت‌سرکو ب باند های ضد انقلاب در نقا ط دیگر کشور قرار دارند وازخانواد ه های خو یشس دور هستند روا بط نزدیك داشته به سر بازا ن مذکور از جانب خانواد ه های شان نا مه می نو یسند .

پیشس آ هنگا ن دو ست وفا دار قوای مسلح جمهور ی دموکرا تیك افغانستا ن بود ه شو را ها ی پیشس آهنگی و قتا فو قتاازقطعا ت عسکر ی دید ن نمود ه با رفقا ی قهر ما ن قوا ی مسلح ملا قا ت هایی را ساز ما ن می دهند . و همچنا ن بر نا مه ها ی دیگر ی‌مثل عیا د ت از مریضا ن شفا خا نه ی چهار صد بستر و شفا خانه اطفال جهت گرا می داشت خاطر ه شهدای قهر مان حزب دمو کرا تیك خلق افغانستا ن گذ اشتن گل و ادا ء احتر ا م د ر تپه شهدا، ملاقا ت ها با کا در ها ی حز ب باز دید از فابریکا ت جهت ملاقا ت وصحبت با کار گرا ن ، تماشا ی فلم های مختلف تر بیتی نما یشس کنسر ت ها و غیره .

ـدر طی مد ت یك سا لی که از تاسیس ساز ما ن پیشس آهنگا ن کشور می گذرد چه فعا لیت ها ی عمد ه ای را در امر ساز مان دهی پیشس آهنگا ن کشور انجا م داد ه اید ؟

ـدر طی سالیکه گذ شت‌سازما ن پیشس آ هنگا ن افغانستا ن دست آورد های بز رگی در امر تر بیت وپرورش اطفا ل و نو جوانان‌داشته است ، مانند تاسیس کا خ‌مرکزی پیشس آ هنگا ن به مثا به مرکز فعالیت های آموز شی ، تر بیتی ، هنری و تخنیکی پیشس آ هنگا ن، گشایشس اردو گا ه ها ی پیشس ـ آهنگی در نقا ط مختلف کشور جهت تفریح و استرا حت بیشس از یك

بقیه در صفحه ۵۲

عکس بالایی :
پیش‌آهنگان می گویند: (ما فرزندان انقلاب هستیم)
عکس پائینی:
هنگامیکه مسوول شورای شهری پیش آهنگان‌بیرق رابه یکتن‌ازپیش‌ـ آهنگان می سپارد.

نگاه شتابنده به نشریه‌های تازه کشور

دیگر فریاد زن در گلو گاه تاریخ خفه نمیگردد

زن در کشور ما ، در درازای تاریخ و در جریان دهه ها و سده های فراوانی که بر او گذشته است ، بار مصایب فراوانی رابر دوش کشیده و درد مظالم اندوهباری را بر دبار بوده است .

این نیمه پیکره از جامعه ما ، اگر از سویی در زیر ضوابط غیر انسانی فیودالیزم و حکومت خانی ، در شرایط مناسبات ظالمانه تولیدی و در گستره یی از روابط اقتصادی و اجتماعی ایکه همه چیز را در خدمت گروهی معین قرار میداد و استثمار گرانه به دزدی و چپاول قیمت کار اقشار و طبقات رنجبر می پرداخت ، خرد میشد و به فرسایش میرفت ، از سوی دیگر نیز مرد سالاری در دو رخ پدرسالاری و شوهر سالاری ، وی را از ابتدایی ترین حقوق انسانی محروم میداشت و حق هرگونه دخالت در تعیین سرنوشت را از او میگرفت ، چنان که کم مانده بود زن در جامعه ما به کالای اقتصادی بدل گردد وارزش اجتماعی اش با برده یك سان گردد ، تا اینکه ارزش هادر هم ریز شد ، شرایط و ضوابط استثمار گرانه مسلط در جامعه عقب نگهداشته شده ما، جای خودرا به شرایط مترقی داد و زن هم توانست موجودیت خود راتبارز دهد ، فریاد در گلو خفه شده اش را آزاد سازد و بهر آنچه‌در جریان سده ها او را در بند زنجیر های گونه گون اسارت بسته داشته‌بود نفرین فرستد .

شرایط تازه کشور ، شرایط دموکراتیك و انقلابی ، شرایط در هم ریزی همه ارزش های‌تعیین کننده و شرایط جایگزین شدن مناسبات تولیدی انسانی‌به‌جای ضوابط قرون وسطایی ، به زن جامعه ما این فرصت را داد که در نوسازی کشور ، در تعیین سرنوشت ملی ،در حفظ و نگهداشت آزادی و در دفاع از نوامیس دوش به دوش مرد بر زمد و راه رابه سوی آینده بهتر ، تابناکتر وخالی از استثمار فرد از فرد باز گذارد وازسویی نیز برای جبران همه کمداشت های فرسایش‌آور برای جوابگویی به همه ی تحقیر ها و توهین های ناشایسته در طول زمان که احساس را زخم‌زده میساخت ، سنگر مبارزه اش را دو جهت دهد ، جهتی برای بر انداختن بقایای نکبت بارفیودالیزم منحط که به عنوان میراثی شوم تا هنوز هم رگه هایی از آن در درون جامعه ما چشمگیر است ، و جهتی نیز برای از میان بر داشتن همه عوامل جلوگیری زن به عنوان نیمه فعال جامعه درصحنه اجتماعی و سیاسی ، فرهنگی و اقتصادی .

برای تحقق همه ی این آرمان‌ها برای پیروزی این‌مبارزه ورزمندگی دلیرانه وبرای شناساندن پیکرد زن درپرو سه انقلاب و آگاهی دهی‌وبه شناخت آوری این ایستادگی در برابر ارتجاع سیاه وباز دارنده جامعه از بارورِی وشگوفایی می بایست زنان

سهمی موثر تر در خد مات اطلاعاتی وارتبا ط جمعی میدا شتند کـــه بالاخره این خواست بر آو رد ه شد ونشر مجله «زنا ن افغانستا ن » ارگا ن ساز مان شورای مر کز ی ساز ما ن دموکرا تیك ز نا ن افغا- نستا ن این دشوا ر را به عهـــده گرفت .

نخستین شما ر ه مجله « زنان ، افغانستان»که در قطع منا سب در پنجا ه و دو صفحه و باتن های‌رنگی فور می ز یبا و محتو ی آگا هـی دهنده از چا پ بر آمده است بـــه خوبی گو یا ی این واقعیت است که این نشر یه میتواند باز تا بی باشد از خواست ها ، نیاز ها و آرما ن های ز ن‌جا معه ما و آئینه تما م نمایی از رزمند گی ز ن ، دلیر ی زن ، ایستاد گی ز ن و تسلیـــم ناپذیر ی زن در رو ند انقلاب .

ساز ما ن دموکرا تیك ز نـــا ن افغانستا ن بانشر این مجله و بـــا پالیسی نشرا تی خاصی کـــه شخصیت مطبو عا تی مجله را بـــه عنوان یك‌رسانه گروهی مینما یددر واقع سیما ی واقعی ز ن کشور ما را به نمایش میگذ ارد ، احسا س وعا طفه اجتما عی او را به‌شناخت می آورد و از قهر مانی ها و حماسه آفرینی ها یشس سخن میگو ید تا به این تر تیب ار زش گذ ار ی های جا معه در خط انقلاب ملی و دمو - کراتیك رو شن گردد و خوانند ه این مجال را بیابد که با دیـــدی مقایسو ی مو قف ز ن را در شرایط پیشس از انقلاب و بعد از آ ن خودبه در ك گیرد و از سو ی نیز ز ن‌از حنجر ه خود فر یاد کشد ، سخن گوید وو یژ گی های مبارز ه اش را معر فی کند .

ببرك کار مل منشی عمو می‌کمیته مرکز ی حزب دموکرا تیك خلـــق افغانستا ن و رئیس شـــو را ی انقلابی جمهور ی دمو کرا تیـــك افغانستا ن به منا سبت نشر اولین شماره مجله زنا ن افغانستا ن‌پیامی فرستا ده اند که ا همیت نشر مجله ومسوو لیت خطیر گردانند گـــا ن آنرا میرساند .

در بخشی از این پیا م مـــــی خوانیم :

«...مجله زنا ن افغا نستا ن د ر شرایطی انتشا ر می یابد که د ر نتیجه انقلاب ثور و به خصو صـ مر حله نوین تکا ملی آ ن دور نمای درخشا ن ووسیعی در برابر زنا ن نجیب و زحمتکش جا معه ما ، د ر برابر جنبش اجتما عی ز نا ن‌کشور ودر برابر گردا ن پیشس آ هنگـ زنا ن ساز ما ن دموکرا تیك زنا ن افغانستا ن ایجاد شد ه است .

انتشار مجله « زنا ن افغانستا ن مقد م بر همه گا م مهمی در جهـت آشنا سا ختن همه ز نا ن کشو ربه موقعیت اجتما عی آنا ن ودور نما ی رو شنی که انقلا ب ثور وبخصوص مر حله نوین تکا ملی آن‌دربرا بر سر نوشت آنـان گـشوده است» تلقی میگردد ، این مجله باید بـــه عنوا ن مشعل ر هنما ی ز نـــا ن پاك نهاد ا فغـا نستان ا نقلابـــی صفو ف ز نا ن پیکار جو ی کشو ر را تحت در فشس آر مان های حز ب دموکرا تیك خلق افغا نستا ن ،حزب طبقه کار گر و همه ز حمتکشـــان افغانستا ن ، فشرد ه تر سازد و زن جا معه ما را تنویر نمود ه و درکار وپیکا ر انقلا بی آنا ن را یا ر ی نماید .

مجله زنا ن افغانستا ن با یـــد انعکا س دهند ه منافع ، خواست‌ها وآر مان های ز نا ن کشور ما باشد ونقشس خودرا در زمینه تحکیـــم و تعمیق پیو ند میا ن مبارز ه بر ا ی آزاد ی و برابر ی واقعی زنا ن بـــا مبارز ه عمو می ز حمتکشـــا ن‌به خاطر دفا ع از دست آو رد ها ی انقلا بی و امر ایجاد جا معه نوین در کشور ایفاء نمود ه و زمینه های افزایشس شر کت ز نا ن رادرمجموعه زندگی سیاسی ، اقتصـــا د ی ، اجتما عی و فر هنگی گستر شـــس دهد .

این مجله باید ز نا ن افغا ن را با اهدا ف والا ی انقلاب وآر ما ن های حزب دموکرا تیك خلق افغا - نستا ن آشنا سازد و به امربسیج آنا ن در دفا ع از دست آورد های انقلاب و در مبارز ه علیه مدا خلات بیشر مانه ارتجا ع و امپریا لیز م وهژ مونیز م در امور دا خلـــی جمهور ی دموکرا تیك افغانستا ن مسا عد ت نمود ه و آنا ن را بـــه سو ی اشترا ك فعا ل در امـــر- سا ختمان افغانستا ن نو یـــن رهنما یی کند .

این مجله با انتشارا ت عـــا م فهم ، با صرا حت رو شنگرا نـــه خود ، به عا مل موثردر ارتقا ی سطح دانشس عمو می زنا ن کشو ر تبدیل گردد .

زنا ن جا معه ما بایداز طریـــق این مجله با آر مان های صلـــح و مبارز ه با خطر جنگ و ضرور ت ایجاد شرایطی که ابر های تیر ه جنگ بر زندگی کود کا ن ما سایه نیندازد ، آشنا شد ه و درمبارز ه عمو می به خاطر صلح و همبستگی بین المللی ز نا ن سهم خود را ادا نماید .

وظیفه مجله ز نان افغانستا ن است که بطور منظم به پخشس ونشر اطلاعا ت سود مند در زمینه جنبشس بین المللی ز نا ن و نقشس ز نـــا ن افغا نی در پیو ند با مبارز ه جهانی زنا ن بخا طر آزاد ی بپر دازد .

کار تبلیغی ، ترو یجی میـــا ن زنا ن بنابر محکو میت و اسا ر ت چندین سده یی زنـان ، امـر یست دشوار و انبا شته‌از پیچید گی های فراوا ن ، باید مجله « زنـــــا ن افغانستا ن » بتواند بر این دشواری ها فایق آید وواقعا نقشس روشن- گرا نه و بسیج کننده را در میا ن زنا ن‌ایفا نماید ... »

همچنین در بخشی از پیـــا م دکتور انا هیتا را تب زاد رئیسـس وبنیا ن گذار ساز ما ن دموکرا تیك زنان افغانستا ن که به منا سبـت نشر اولین شمار ه مجله ز نـــا ن افغانستا ن به نشر یه ارسا ل شده ودر صفحا ت بعد از پیا م ببر ك کار مل منشی عمو می کمیته مرکزی حزب دموکرا تیك خلق افغا نستا ن به نشر سپرد ه شد ه آمده است :

«... مجله ز نا ن افغا نستا ن بمثا به ار گا ن نشرا تی ساز ما ن دموکرا تیك ز نا ن افغا نستا ن‌در ارتقا ی سطح دانشس تود ه‌ای و سیاسی ز نا ن نقشس پر بها یی را دارا است و بازتا ب صـــا د ق خواست ها و گرایشس ز نان کشور بخا طر صلح ، دیتانت ، تر قی ، برضد جنگ ، توسعه طلبـــی ، اپار تاید ، تبعیض نژاد ی و جنسی میباشد ، و وسیله نیرو منـــد رد جعلیا ت و درو غ پراگنی هـــا ی دشمن در مورد انقلاب وواقعیت ها ی زندگی مرد م خواهد بود ، همچنا ن ارگا ن مرکز ی ساز مان دموکراتیك زنا ن افغانستا ن در جهت بسیج وتشکل زنان در صفـوف سازمان پر افتخا ر دموکرا تیك زنان خیلی موثر بود ه و در تقو یه رو حیـــه رز می ز نا ن و فرا خوانی آنا ن‌بکار خلاق و ایجاد گرا نه و سهم گیر ی هر چه فعالتر در امر اعما ر جا معه شگو فا ن و مسعود اهمیـــــت بزرگ دارد .

مجله ز نا ن افغانستا ن به زنا ن وما درا ن کمك میوسا ند تاکودکان ما این در ختا ن بار ور فر دا ی مارا با رو حیه و طن پرستی،خدمت گذار ی و احترا م به مردم ،عشق به میهن ، احترا م و رعایت سنـــن پسندید ه مرد م ما ، وفا دار بـــه دو ستی برا درا نه همه ملیت ها ی ساکن افغانستا ن محبو ب‌پرورش دهند .

... مجله و ظیفه دارد مبارز ه‌زنان را در راه اعما ر جا معه نو یـــن وسیعا انعکا س دهد و پیشتا زا ن تولید و نمو نه ها ی‌کار خلاق ر ا قدر دانی ، تحسین و معر فی نماید وتجر.به مثبت و نوین را درین‌عرصه ها ترویج و تعمیم دهد .

یکی از وظایف پر ا همیت مجله را شر کت وسیع و نشر مـوا د آموز نده در پرو سه همگا نـــی مبارز ه با بیسوا دی تشکیل مـی دهد ، با تبلیغ و ترو یج سواد،نشر مواد آموز شی برای سواد آموز ا ن وجلب زنا ن به پرو سه سوا دآموزی مجله نقشس عظیمی را در محـــو بیسوا دی دارا میباشد .

...ار گا ن نشرا تی سا ز ما ن دموکرا تیك زنا ن افغانستا ن باید باز تا ب رو حیه همبستگی ر ز م جو یا نه ز نا ن کشور ما بـــا زنانیکه در راه استقلال ملی، دمو- کراسی ، تر قی اجتما عی و صلـح میرز مند باشد ، همچنا ن بحیث عا مل موثر پیو ند بین زنـــا ن افغانستا ن و زنا ن کشور ها ی جهان بو یژه فدرا سیو ن دموکرا- تیك بین المللی ز نا ن و ظا یـــف بزرگ و پر اهمیتی را دارا است و باید با ار گا ن نشرا تی فدراسیون دموکرا تیك بین المللی ز نا ن‌ارتباط نزدیك داشته باشد ... »

بررسی فشرده یی از محتو ا ی مقالات نخستین شمار ه مجله زنا ن میرساند که ساز ما ن‌دمو کرا تیك زنا ن افغانستا ن و هیا ت تحر یر وگر دانند گا ن نشر یه را به کار گیر ی اساسا ت عمده یی که د ر این پیا م ما به عنوا ن مشی‌نشراتی مجله تو صیه شد ه است، تو جه ودقت کا فی مبذو ل داشتـــه و کوشید ه اند با امانت دار ی تما م این دسا تیر را در نشرا ت خودبه کار گیرند .

نگا هی به عناو ین مقا لات خود گو یا ی این تلا ش است ، مجله رابا هم ورق میزنیم :

بقیه در صفحهٔ ٥٤

نوشته : شمع

خون من فدایت باد ، وطن من!

موتر همچنان راه را می بلعید ، مثل یك غول سرکش و دونده سرك را که در آ غوش دشت وسیع ، در پیچ و تاب خود خفته بود، به‌کام می کشید ، از گردنه ها بالا میرفت ، ازسرا- شیبی ها فرود می آ مد ، به بیا بان‌هامیرسید وآن را در می نور دید و پیش میرفت .

مسافران خسته و گر مازده در چو کی های خود نیم بیدار و نیم خفته چرت میزدند، آ رزو ها وخواست های دست نیافتنی ، پندار های واهی و گاه واقع بینانه ، آ نان را به رو یا می کشید ، مثل یك سراب با نقش فریبنده واغواگرانه اش ، آنانرا مسحور میکرد ، بخود می‌کشید تاآنگاه که باتکانی شدید رشته‌افکار شان قطع میشد و باز ر یگزار های بی آب‌بود ودشت های بی‌انتها ، از رویا به کابوس واز کابوس به رویا غرق میگشتند ، احساس‌شادی وغصه میکردند واین فریب هم چنان ادامه داشت ، چون فریب زندگی شیرینی و تلخی‌را باهم داشت .

گپ ها در هم آمیخته بود ودرد دل های دو گانه به صورت پچ پچی مبهم از هر سو به گوش میرسید .

مردی رو ستایی که جای پای زمان بمشکل شیار های نا هموار روی چهره اش به یادگار مانده بود به رفیق همرا هش که جوانی بود تنومند و در کنارش جای داشت میگفت:

– خرج و برج تو یشه برابر کدیم ، اگه خدا خاست تکا حش می کنیم ، مادرش آ رزو داره که پیش از مرگش پسرش په تخت شوه و پس بخت خو د بر ه و بعد د ر حا لیکه د ها نش را به خنده یی شاد مانه میگشود ودندان های‌کرم خورده و سیاهش رابه چشم بینده میکشید ، ادامه می داد :

– حتی د ختر ، میفا می حتی د ختر، مه‌سی هزار به بابیش دادیم وحالی پنجاه‌هزارم‌تویش خرج داره ، پنجاه هزار ، پنجاه هزار ...

صحبت توی و عروسی ، جوانی را که دو چوکی عقب تر از پیر مرد نشسته بود و گپ- هایش را می شنید به رویاکشیده بود ، اوهم خیلی آهسته بانفر پهلویی اش نجوا داشت :

– ازه مو روز اول که دید مش عا شقش شدیم ، اما او مغرور است ، مره از خود میرانه ، تاویز گرفتیم، فایده نکد ، زاری‌کدیم نشنید ، وحالی میریم به‌هرات، به شاه اولیا، به‌همه مزارا میرم ، دعا میکنم ، شاید د لش بسوزه ، شاید او لیا کمکم کنه ، شاید ...

زن ومردی که ظاهرا زن وشوهر بودند، زیر چشمی خصمانه همدیگر را میدیدند واین در پایان اختلافی بود که روی تقسیم سوغات ها میانشان به و جود آ مده بود، هر یکمی - خواستند بخش بهتر و بیشتر چیز های‌خریده شده را به اقوام خود هدیه د هند .

ودر این میان او با سکوت همه این سخنان را می شنید ، نگا هش به دور دست ها ، به دشت های هموار بی حاصل خیره مانده بودو اندیشه های دور و دراز هر لحظه اورا درخود فرو می برد .

باخود می اندیشید :

« راستی این درست است که زیر بنای‌همه چیز اقتصاد است ، این نگرانی ها، این‌تشویش ها ، این مناز عات و همه این آرزو هایی که به یاس میگراید به خاطر فقر است ، فقری‌که تحمیل شده بود وزاده غارت و چپاول‌عده‌یی مفت خواربداندیش‌بود،امابه‌آن‌شرایط ظالمانه، این بی عدالتی ها چرا باید دوام آورد ، چرا ...؟ »

موتر از یك گردنه خطر ناك فرود آمد ، چشم اندازی نو پیش نگاه مسافران گشوده شد، دشتی و سیع بود که‌با کوهپایه‌ها حصار شده‌بود ، از و سط آن گروهی از کو چی ها با حیوانات بار کش شان می گذشتند .

نگاه د ختر جوان از دور دست هابه‌حاشیه دشت خیره ماند ، تعدادی زن ومرد باکودکانی که درسن مکتب‌بودند،روی زمین‌کارمی کردند، عرق ازسرورو‌ی شان جاری‌بود،وزنها که همه

جوان بودند ، پیر می نمودند ، کار مداوم در زیر آفتاب سو زان همه را وا مانده سا خته ودر آ غوش پیری زود رس انداخته بود .

دو باره سیر اندیشه اش را دنبال کرد :

دختر جوان که فاضله نام داشت و هنوز شانزد همین سال زندگی اش را به پایان‌نیاورده بود، فرزندفقر بودونا داری،خانواده‌اودرروستایی از روستا های سر خرود ننگر هار زیست‌داشت پدرش د هقانی بی زمین بود که روی زمین‌ارباب کار می کرد ، کاری کشنده و طاقت فر سا، باآنکه درزندگی هیچ آرا مش نداشت و طلوع وغروب آ فتاب را همیشه در حین انجام کار ودر زمین خان میدید ، خانواده‌اش را نمی - توانست حتی بانان خشك سیر نگهدارد ، همیشه و قتی حاصل بر داشته میشدوخرمن می گردید ومرد در اندیشه اش حساب قرض هایی را می گرفت که‌باید پر داخت گردد و ادای و عده هایی که‌به زن و کو دکانش داده بود .

فاضله میدیدکه پدرش شبانگاه باشانه های فروافتاده وقامتی خمیده به منزل می آمد ، جوشانده کچالو یش را می خورد و بعدبازنش به مصلحت می نشست :

- چه‌کنیم زن، ارباب که انصاف ندارد ، اوکه خدا را نمی شناسد زحمت از ماست و محصول از او ، فقط همانقدر به مارسید که شش ماه را بانان خشك سیر باشیم وششماه گرسنه ، قرضدار ها دیوانه‌ام سا ختند ، کلشان ره سرخرمن وعده دادیم ، سر خرمن،

وبعد زن به گریه می افتاد :

- دو سال است که به فاضله وعده خرید کالای نو دادیم ، مختار پیسه می خواهد و زن لالاشیر هم هر روز طلب آرد خوده می‌خواهد...

مرد او را دلداری میداد :

- نه خدا کریم است .

خودش گفته ، از تو حرکت واز مه بر کت، امسال بیشتر کار می کنیم ، همه ما، همه ما کار می کنیم ، اما راستی ار باب ظالم است، خدا نشناس است و چرا به سزای اعمال خود نمی رسه ؟

زن به سینه خود میزد و مینالید :

- الهی به حق دل شکسته مه واطفال معصومم ، به حق آه نیم شب همه مظلو مان ماره ، همه مردمه از شر ای ظالم هایر هان.

• • •

فاضله در پنج سالگی باپدرش وخانواده‌اش به‌کار در روی ز مین ار باب پر داخت ، خشك سالی و کم آبی بیداد میکرد و زمین هارا می- سوختاند وزحمت هارابه هدر میداد پدر با تلاشی عظیم به‌کار می پر داخت و او نیز با دست های کو چك و ضعیفش او را یاری می- داد ، پدر میگفت :

- فقرا ، رنجبران و ز حمت کشان نباید از کار خسته شوند ، نباید نا امید گردند و نباید تنبل بار آیند .

وفاضله از خود می پرسید :

- راستی این ارباب کیست و چه حقی‌دارد که و قتی گندم های ما خرمن گردید، می آید وهمه را می برد ، چه و قت طلب او تمام میشود ، چه و قت وبرای این پرسش جوابی نمی یافت ، در دل آرزو میکرد ، کاش پدرم هم ارباب میبود به این تر تیب فاضله تا سن نه سالگی صبح تاشام مانند پدرش در زمین ارباب کار کرد تااینکه به اصرار برا د ره‌ش که در کابل محصل بود و در هر نامه خودتاکید می‌کرد که‌او را به مکتب گذراند ، شا مل صنف اول مکتب شد و آ مو ختن رابه آ غازگرفت.

مختار پسر بزرگ این خانواده و برادر فاضله درکابل درس می خواند ، شامل‌پوهنځی مخابره حربی پوهنتون شده بودوبه درس خود ادامه میداد ، و قتی به مرکز آمدهزاران‌پرسش ذهن اورا پر سا خته بودند ، او که سالهاشاهد رنج روز افزون د هقا نان و ظلم و بیداد و چپاولگری مالکان بزرگ و ار باب بود، می - خواست بداند چرا پایه های نظامی چنین‌غارتگر از هم نمی پاشد ، چرا ملیون ها ر نجبر و زحمتکش مظلوم در سراسر کشور قیام نمی- کنند و به پا نمی خیزند تا این ضوابط غیر انسانی و روابط تولیدی غیر انسانی را ازمیان بردارند و به جای آن نظامی دادگر و عادل را جایگزین سازند ؟ این مسایل را گاه‌بادوستان نزدیکش در میان می گذاشت و همین ا براز نظر های صادقانه بود که به زودی موردتوجه مبارزان آ گاه قرار گرفت واز او د عوت‌گردید تابه عضویت حزب دمو کراتیك خلق‌افغانستان در آید .

مختار این د عوت را پذیرفت ، در پی شناخت علل و برای جوابگویی به پر سش‌هایی که همیشه ذهن او را به خود مشغول میداشت به مطالعه روی آورد ، تا بالاخره دانست که چرا فقر در کشور او بیداد میکند ، چرا خان سالاری همه ریشه های انسان سالاری را خشکانده است وچرا زمین به جای آنکه مال کسی باشد که روی آن کار میکند به‌عده‌یی‌مفت خورچپاولگر تعلق‌داردکه‌ازخون‌دهقان‌مایه‌میگیرند. اینك‌راه اوتعیین شده بود، اواین راه راپیمود، بی‌ترس و هراس پیمود بی آنکه خسته شود و یا نگرانی در او رخنه کند پیمودوهمین مبارزه او وهزاران تن دیگر چون او بود که بساط استثمار فرد از فرد رابر چید، ظلم و ظالم را به نیستی کشانید ، انقلاب را به پیروزی رسانید و هو رای شاد باش را در ده و شهر پراگند .

اما این شادی دیر دوام نیاورد ، به زودی ورق برگشت . انقلاب به بیراهه برده شد . تخم و حشت و ترس در دلها کاشته شدوصد ها و هزار ها جوان در زندانها روی‌هم‌انباشته شدند ، یکی از آنها مختار بود که دیگر خانواده‌اش از او هیچ خبری نداشت نه از مرده‌اش ونه از زنده اش

ضربه هولناکی بود که براین خانواده فرود آمد . ضدانقلاب باسر سختی می جنگید، همه جا در ده ودر شهر آشوب بزرگی براه افتاده‌بود ، مالکان نمی خواستند ا متیا زا ت غیر انسانی خودرا از دست بد هند ، آنها فکر می‌کردند د هقانان بر دگان آنانند واین حق آنهاست‌که‌ازاین بردگان کاربکشند . زدو- خورد می کردند ، آتش سوزی بپا می کردند ودست به‌خرابکاری می زدند ، درجریان همین حوادث بود که مکتب فاضله هم در روستایشان طعمه حریق گردید و ر شته درس او مانندصد ها دانش آ مو ز د یگر متوقف گردید ا ما این پایان ماجرا نبود ، حادثه دیگری در زندگی این خانواده به کمین نشسته بود . حادثه هولناکی که یکباره فاضله را درزندگی تنها گذاشت و همه چیزش را از او گرفت .

آن شب همه دور هم نشسته بودند ودرباره سرنوشت مختار صحبت می کردند ، نگرانی در همه نگاه ها خفته بود و پر سش بر همه زبانها جریان داشت .

راستی چرا مختار را گرفتند ، او اکنون درکجاست ، چه و قت آزاد می گر د د ، او که گنا هی نداشت ، مبا دا که او را نیز ...

وزبانها یاری نمیداد تا آنچه را که بر دل داشتند به بیان آورند .

در این گفتگو بودند که در وازه کو بیده شد ، نخست آرام و بعد باشدت ، پدر ازجای برخواست نگرانی د ختر و مادر عمیق‌ترگردید، احساس شان گواهی بدی میداد .

پدر رفت و باز نگشت ، صدای دو فیرپیهم فاضله و مادرش را از جای پراند ، شیون‌کنان به حویلی دویدند ، جسد پدر و شو هر آ غشته بخون بود وافتاده در روی ز مین آ خرین نفس هارا میکشید .

چند مرد جوان که همه اسلحه دا شتندوارد خانه شدند ، زن شیون کرد و آنان را به باد دشنام گرفت و به زودی صدایش در گلوخفه شد، مرمی های تازه فیر شده درست در قلب او نشسته بودند .

مردان به‌خانه آ مدند داخل اتاق ها شد ند وفاضله دید که چسان شعله های آ تش ا ز هرسوزبانه می‌کشند ودید که پدر ومادر او در برابر چشمانش آ غشته بخون خود جان دادند .

بقیه در صفحه ۵۱

صوفیا لیندی داکتر طب

پروفیسر ایکاتر ینا سیمارنوف
جراح

ولادیمیر ونو گرادوف
جراح

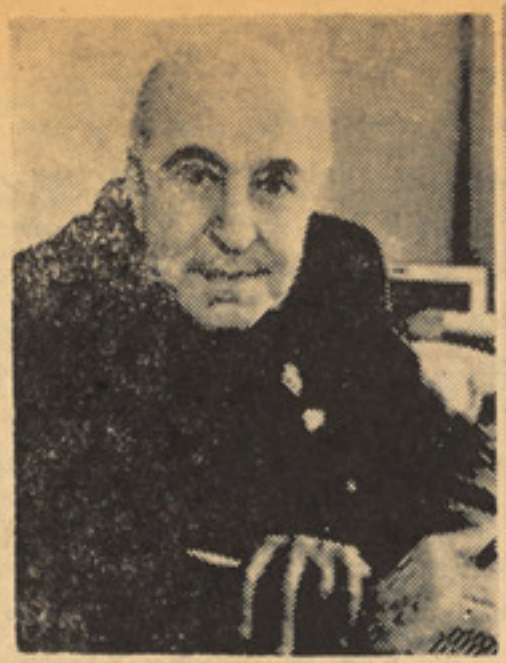

اوگینز باروان اکامیسن دراکادمی
علوم طبی اتحاد شوروی

از منابع خار جی

تر جمه : ر.ی

مساله محو تهدید و نابودی حیات در روی زمین

بحیث یك وظیفه مبرم نسل کنونی

نظریا ت چها ر اکا د میسن ، پرو فیسر و جرا ح مشهور اتحا دشورو ی راجع به خطرا ت جنگ ذروی

مرد ما ن باید حقیقت عوا قب تباهکنی راکه سلاح ذروی میتواند برای بشر یت بار آو ردبدانند . ما پیشنهاد میکنیم تا یك کمیته با کفا یت بین المللی به منظور جلب تو جه جهانیا ن به ضرو ر ت حیاتی عصر کنو نی که عبار ت از جلو گیر ی از فا جعه ذرو ی در رو ی زمین است تا سیس گردد . این کمیته میتواند شا مل دانشمندا ن ممتا ز از کشور ها ی جهان باشد همه جهانیا ن باید از نتا یج کا ر کمیته مطلع سا خته شو ند .

(از اظها را ت لیو نید بریژنیف منشی عمو می کمیته مرکزی وصدر هیا ت رئیسه شورا ی عا لی اتحاد شورو ی در بیست و ششمین کنگره حزب کمو نست آن کشو ر در مسکو).

پیشنهاد صلح متکی بر بشر دوستی که طی جلسا ت کنگر ه بیست و ششم حز ب کمو نیست اتحاد شورو ی بعمل آمد ، انعکاس خواسته های ملیو ن ها انسا ن صلح خوا ه و بشر دو ست است که در عین حا ل علاقمند ی خا ص کمپ سو سیا لیستی و کشو رهای دارند ه رژیم های متر قی را د ر امر تحکیم صلح و جلو گیر ی از جنگ نشان میدهد . از این پیشنها ددر سراسر جها ن صلح خواه استقبال گرم صورت گر فت و ابتکا رمذکور بیش از پیش به حما یت و سیع نیرو ها ی متر قی و صلحدو ست جها ن موا جه شد . این پیشنهاد با حمایت جد ی مرد م شورو ی نیز موا جه گردید . بطور ی که یك گروپ از دانشمندا ن بر جسته اتحاد شورو ی در سا حه علو م مکتو بی عنوا نی دانشمندا ن جها ن به چا پ رسانیدند که طی آ ن تقا ضا شدتا دانشمندا ن جها ن بیش از پیش فکر و انرژی شا ن را در امر داعیه تحکیم صلح در رو ی ز مین وقف نمایند .

مکتو ب دانشمندا ن اتحا د شورو ی بدانشمندا ن جها ن چنین آغاز می شود:

«ما شاهد حواد ث خطرنا کی استیم . مسابقه تسلیحا تی و مخصو صا مسابقه سلاح ذرو ی ا ز لحاظ سا حه در حا ل افزا یش است مذاکرا ت خلع سلاح و قت طولانی را می گیرد و یا طور عمو م معرو ض اخلال ها است . کذا معاهدا ت امضا شد ه در زمینه هنوز تطبیق نمی شود و هم موا فقا ت نافذ شده و توا فقا ت مبنی بر محدود نمود ن فعالیت های نظا می دست خو ش موانع و تحقق این موافقا ت از لحا ظ بین المللی دشوار می گردد .

هر گا ه او ضا ع بر همین منوال دوا م کند خطر جنگ که از سا ل ها ی ۱۹۷۰ بحا ل بر گشت است ، بسر عت بیشتر حوا د ث را در جها ن تحت الشعا ع خوا هد گرفت .

ما از همه دانشمندا ن در سا حه علو م تقا ضا داریم تا هر کوشش ممکنه رابرا ی بر گر دانید ن خطر جنگ ذرو ی و مصوو ن نگهداشتن ملل از آن بعمل آور ند . »

اکنو ن نظر عده یی ازدانشمندان اتحاد شورو ی را راجع به عوا قب تراژ دیکی که یك جنگ ذرو ی بار می آورد تقدیم میکنیم و هم نظریات آن ها را مبنی بر ضرو ر ت اقدا م قا طع توسط همه مرد م صلح دوست برا ی تحقق خلع سلاح عا م وتا م بیا ن می داریم :

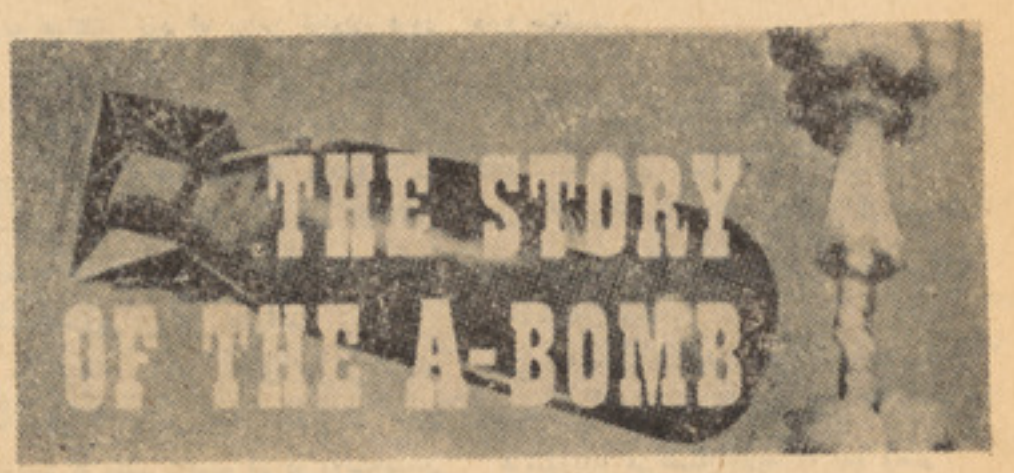

استعمال بم ذروی درجهان عواقب خطر ناکی برای بشر دارد و مستقیما حیات میلیونها نفررا تهدید میکند

نظر او گنتر باروان اکادمیسن دراکادمی علوم طبی اتحاد شوروی:

اتحاد شورو ی طور متوا تـــر در محافل بین المللی خا تمه فور ی مسابقه تسلیحا تی و تو قـــف انکشا ف انوا ع جدید اسلحه‌تباهکن جمعی خلع سلاح عا م و تـــا م وتسریع کو ششس های بین المللی جهت تحقق خوا ست‌همه مرد م با شعور در کشور های گو نه گو ن جها ن از این پیشنها دا ت مثمـــر طرفدار ی کرده اند . من فکر می کنم فزیك دانا ن میتوانند یـــك نقشس مهمی را در مبارز ه بخا طر خلع سلاح ایفا کنند . آن ها بیشس از دیگرا ن به قو ت و اندا ز ه‌قدرت تخریبی اسلحه ذرو ی مطلع اند . همچنان دکتوران که بهتر ازدیگران از عوا قب خطرنا ك انفجا ر ذرو ی بر ار گانیز م بشر ی وا قف انددر مورد استعما ل سلاح ذرو ی نگرا ن اند .

دکتورین کار تر رئیسس جمهو ر سابق امریکا راجع به براه انداختن یك جنگ (محدو د) ذرو ی چیـــز دیگر ی جز مغشو ش سا ختـــن افکار عا مه جها ن راجع به نتایج بد فر جا م جنگ ذرو ی نیست .

طور ی که لیو نیدبریژ نیـــف در راپور خود در کنگر ه (بیست و ششم)حزب کمونست اتحادشوروی گفته است:

جنگ محدو د ذرو ی طور ی کـــه توسط امریکا ییان گفته می شود: «طور مثال در اروپا» معنی آ غـــاز ویرا نی تمد ن ارو پا یی‌را خوا هد داشت ، من هم مانند هم مسلکـــم ویکتور کدیل پرو فیسر پو هنخـــی طب‌البر ت انشتا ین معتقد م کـــه اتخاذ تدابیر عا جل از طـــر ف امریکا به منظور امحا ی جنگـــك ذروی و عقد معا هدا ت بین امریکا وشوروی به منظور کا هشـــو تحدید اسلحه سترا تیژ یکی اتمی یك‌وظیفه نها یت مبر م در عصـــر کنونی است . آر ی نباید اجاز ه داد که ملل جها ن در قبا ل یـــك جنگ ذرو ی در خو ف بسر برند.

اظـــها را ت پروفیسر ولادیمیر- ونکرادوف جراح:

• جنگ عمو می دو م هم از لحا ظ ساحه و هـــم اندازه تخـــر یـــبی‌و عواقب ر قت بار آ ن در تا ریـــخ سابقه ندارد . هر کسیکه در یـــن جنگ علیه فا شیز م جنگید یـــك مخالف غیر قابل سازش‌با تمایلا ت جنگ طلبا نه بود ه است ، من در این جنگ به حیث جرا ح ایفـــا ی وظیفه کرده ام .

درین جنگ ، مبـــارز ه را د ر شفا خانه ها، مراکز صحی و میز ها ی عملیا ت علیه مر گ‌ونابود ی انجا م داد ه ام .

گر چه از جنگ دو م جها نـــی اکنون سی‌و ششس سا ل مـــی گذرد اما اثرا ت شو م و جراحا ت وارد ه ما دی و معنو ی‌از نا حیـــه این فا جعه تا حا ل نسل بشر را رنج‌میدهد .

در پر تو این امر ما باید همـــه دانشس و نیرو ی جسمی خویشس را علیه جنگ بکار اندا ز یم چـــه در صور ت برو ز جنگ ذ رو ی‌ما دکتورا ن قا در نخوا هیم بود تـــا جرا حا ت وارد ه از نا حیه رادیو اکتیف‌ر ا در ما ن کنیم و نـــه کدا م ادو یه در مورد در اختیا ر داریم . من در بسا از کنگر ه‌ها ی بین المللی را جع به خطر ا ت ناشی از استعما ل سلاح ذ رو ی بـــا همسلکا ن خار جی خو یشـــس صحبت کرد م و به راپور های‌شان گوشس داد م .

من در هر کنگر ه صدا ی‌اعتراض علیه این سلاح کشند ه را شنید م ما دکتورا ن باید حقیقت را درمورد امرا ض نا شی از استعمـــا ل اسلحه ذرو ی بمرد م بگو ییم . ما باید با در نظر داشت تراژ ید ی پرتا ب بم بر هیرو شیما وناگاسا- کی جاپا ن عوا قب استفا د ه از سلاح ذرو ی رابیا ن کنیم . درپرتو همین امر است که ابتکا ربریژنیف در مورد تا سیسس یك کمیتـــه کنترو ل بین المللی سلاح ذ رو ی از اهمیت خا صی بر خور داراست

نظر پروفیسر ایکا تر ینا سیما- رانوف جراح:

بیشس از (بیست) سا ل من‌علیه امرا ض خطرنا ك مبارز ه کردم . طی همه این سا ل ها ز ند گی‌من متکی بر خو شی های نا شی ا ز پیروز ی حتی پیروز ی قسمی علیه امراض وبیماری هابود.

باید اعترا ف کرد که علی الر غم پیشر فت های وسیع در علم طـــب هنو ز دانشس طب به معالجـــه و توقف پرو سه تخریبی در ارگانیز م انسا نی که توسط رادیو اکتیـــف حاصل می شود قادر نشده است . این یك حقیقت مبر هن است د ر حالیکه ما دکتورا ن در عملیـــا ت خویشس پیو سته علیه مر گ مـــی رز میم برا ی اینکه حیا ت را حتی اگر برا ی چند روز محدو د ی نیز باشدتمدید بخشیم در بسالابراتوار های کشور های امپریا لیستی وناتو انکشا ف وسایل جدید تخر یبی ادا مه دارد و آن ها انواع جد یـــد اسلحه کشند ه را در سا حه نظا می آزمایشس می کنند .

کشور های جنگ طلب امپریا - لیستی هنگا می این سلاح ها ر ا مورد آزما یشس قرار مید هند که اتحاد شوروی ، کشور های جامعه سو سیا لیستی و افکا ر عا مـــه متر قی جها ن خوا ها ن تو قـــف تولید و انکشا ف انوا ع اسلحـــه تبا هکن ذرو ی میباشند .

مرد م سیار ه ما باید حقیقـــت را در مورد عوا قب خطر نا ك یك جنگ ذرو ی بدانند و جدا علیه آن برز مند آن ها بایـــد طر ح ها ی جنا یی سترا تیژ یست های نا تو را که کشید گی ها را در جها ن دا من میزنند خنثی نمایند ما باید حقیقت را بمرد م جها ن بگو ییم و در حفظ جا معه بشر ی از فاجعه ذرو ی مسا عی اعظمی بخـــر ج دهیم .

نظر صوفیا لاندی دکتور طب:

طی جنگ بز رگ میهنی ، مـــن تاپراگ به جاده های خطرناك‌سفر نمود ه شا هد حواد ث خو نیـــن جنگ‌جهانی بود ه ام . ما دکتوران

جوانان درعصر کنونی بیش‌ازهر وقت دیگر خواهان تحکیم صلح،دیتانت وخلع‌سلاح‌بوده ومخالف مسابقه تسلیحاتی می‌با شند که ازطـــرف‌محافل امپریالیستی و جنگ طلبان‌ناتو تسریع یافته است.

یوه معیوب ماشوم دورزش دتمرین په‌حال کی لیدل کیږی

څنګه کولای شو چه معیوب کسان دجامعی ګټور غړی وګرزوو؟

کال ۱۹۸۱ د ملګرو ملتو د عمومی اسامبلی له خوا د معیو بو کسانو دپاره د بین المللی کال په حیث اعلام شوی او له هغه سره د (ګډون او برابری) مو ضوع ضم شوی ده.ددغه کال هدف د ټو لی نړی په سرد ۴۰۰ میلیونو انسانا نو د بیر ته په حال کولو تشویقول دی چی په یو یا بل راز فزیکی او دما غی اختلال اخته دی .

داسی اټکل کیږی چی په یوه هیواد کی نژدی په سلو کی لس کسان یو څه معیوبی لر ی او په سلو کی دوه یا یو یی په جدی ډول معیوب اوددی دا معنی کیږی چی په افغا نستان کی به یو نیم میلیون و ګړی یوڅه معیو ب وی او له ۱۵۰۰۰۰ نه تر ۲۰۰۰۰۰ تنو پوری انسانان به په سخت معیوب وی او دا څه لږشمیر نه ګڼل کیږی .

مخنیوی :

دغه متل چی وا یی (مخنیوی تر علاج نه ښه دی) هغو مره چی په نا روغیو تطبیق مومی په معیو بیت او ناتوانیو هم تطبیق‌مومی‌په‌پر مختیایی هیواد ونو کی د بی سوادی فقر خرافات خو ښو لی او د رو غتیا د کافی وسا یلو د نه شته وا لی‌له‌امله دمعیوب کیدو د مخنیوی‌حال دقناعت وړ نه دی .

سره له دی هم د مخنیوی ډیر اقدامات ساده او په آسانه سره د عملی کیدو دی . میندو ته د مغذی خوړ و تهیه کول له دی سره مرسته کوی چی د تی په شید وسره تغذ یه زیات رواج پیدا کړی او د اولاد کیدو ښه تر تیب نیول دزیږ یدنی له رحمی نه مخنیو ی کو لی شی .

د پو لیو د نا روغی مخه د معافیت دوا سره نیو له‌کید لی شی د ړونتیا مخنیو ی په هغو خوړ و سره کیدلی شی چی ویتا مین ای پکی زیات وی یاد همد غه ویتامین په تزریق سره‌د تصادماتو تر زیا تی اندازی پوری د مور او پلار له خوا په ښودنی سره نیو له کید لی شی . همد غسی‌د نورو پیښو مخنیوی لکه‌اورد پیښو یاد لویدلو نه دزخم د پیدا کیدو مخنیو ی تر زیا تی اندازی په همد غسی تر بیی سره‌کید لی شی ،میندو او پلرو نو او ما شو ما نو ته باید په سر کو باندی د بی تصاد م تګ راتګ په باب ښود نی و شی.

کشف :

میندو او پلرونوته باید د انکشاف نورمال طرح ور زده کړه شی تر څو دوی وکو لی شی‌هرهغه غیر نور مال حال کشف کړی چی په ماشوم کی راولاړیږی لکه له خپل وخت نه وروسته کښینا ستل او په لاره تلل او یا په خپل وخت کی په خبرو نه را تلل او یا بیلو بیلو غږونوته توجه نه کول یاد کړو وړو او سلو کونو نور مال طرح نه تعقیبول . په دغسی حال کی میندی او پلرونه کو لی‌شی دسلا او مشوری په غرض طبیب ته ولاړ شی . د روغتیا په کلینیکو کی وخت په‌وخت‌دماشوم معاینه کول‌به‌له دی سره ښه مرسته وکړی . چی معیو بیت د وخته معلوم شی او په ښه ډول تر تداوی او معا لجی لاندی ونیول شی .

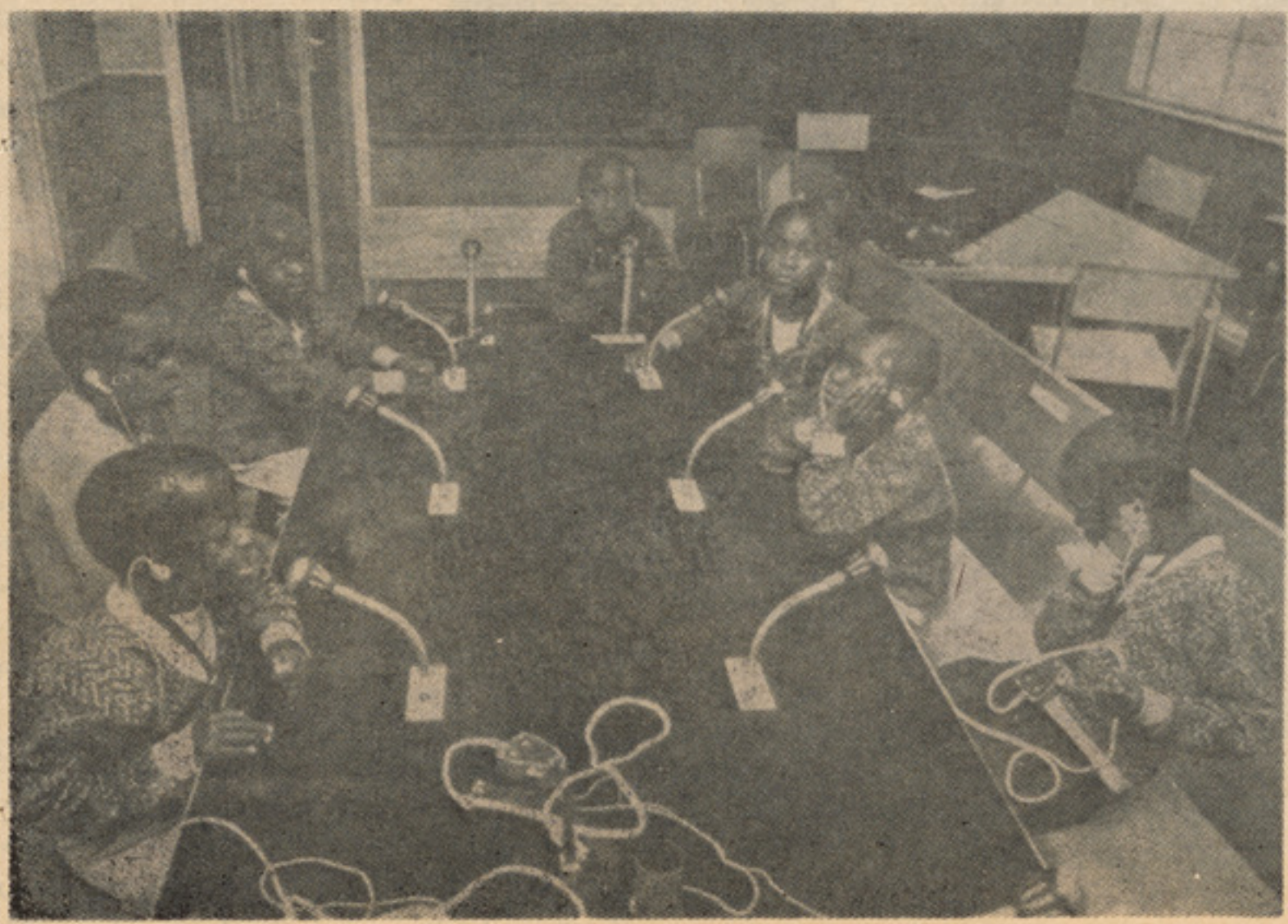

دالکترونیکی وسایلو په مرسته‌داغو ماشومان‌چی کاڼه دی، داتوان‌نرلاسه کړیدی چی پخپل مینځ کی سر مفاهمه وکړی .

یوراز کونه !

د ذاتی معیوب ما شوم زیږیدنه ممکن په ټولی کور نی کی شدید عکس العمل پیدا کړی موز او پلار ممکن ددغه معیوبیت په باب د گناه احسا سات ممکن‌دوی‌دی ته تشویق ځانونه مسوول وبو لـــی .دغسی احساسات ممـکن دی ته تشویـق کړی چی ما شوم له حد نه زیات وسا تی تردی حده چی دغه کار به‌تر حد نه زیات د اتکا سبب شی چی‌هغه به د ما شوم ننوتل په‌جا معی کـــی وخنډ وی .

یو معیوب ما شوم د موز او پـــلار زیاتی تو جه او وخت ته اړه لری‌او شاید هغه ته د یوه پیټی په سترگه وکتل شی. ممکن دی د ما لی پیټی په حیث‌هم وگڼل شی . نور ماشومان ممکن حسد وکړی او د خپل معیوب ورور یا خور په مقا بل کی منفی‌رویه غوره کړی . دا ټول ممکن په کورنی کی ممکن د تل د پاره گډوډی گا نی مینځ ته راو لی.

پلار او مور ته ښا یی خپل‌معیوب ماشوم په پراخه تندی ومنی اوهغه په خپلی کور نی کی له نورو ما شو- مانو یاد هغه‌له یا د هغه له نـــورو همزولو سره پرتله نه‌کړی . دوی باید له ما شوم نه د هغه تر توان نه‌ډیره توقع ونه‌لری . ماشوم باید په هغه کار کی چی په کور کی عملی کیږی د خپل توان په اندازه گډون وکړی . معیو ب ما شو م باید خپل ورځنی عادی پرو گرام لکه ځـــان وینځل کا لی اغوستل خوړل که‌څه هم زیات وخت تیر شی اجرا کړی .

مور او پلار ته نه ښا یی د خپل کور نی نه د باندی حلقی ته خپل ماشوم پټ‌کړی دوی باید هر چیری چی ځی خپل معیوب ماشوم له ځان سره که چیری تللی شی بوزی لکه‌د لوبو میدان ته دملگرو کو رونوتـــه اوبازار ته . او هغه ته ددی مو قع ورکړی چی‌له‌نورو خلکو سره ووینی او دازده کړی چی څنگه له هغو سره سلوك وکړی .

د معیوب ما شوم په بر ابر کی دنورو سلوك هم باید تغییر وکړی. معیوب ما شوم د نورو انسانانـــو غوندی د دی مستحق دی چی دجامعی یو وظیفه ادا کوو نکی غړی اوسی که‌دی په جامعی‌کی ننه بو ځی‌دی‌به جامعی د پاره یوپیټی‌وی . په جا معی کی‌په اجتماعی لحاظ ننو تل معیوب ماشوم د کار د پاره هڅوی. هغسی کسبی‌زده کړی چی د هغه د معیو بی دپاره مناسبه وی اساسی اهمیـت لری . د حیرا نی ځای دی چی‌حتی معبوب ما شومان ډیر کسبو نه زده کو لی‌شی . وړانده کسان ما هـر کاسبان کید لی شـــی او بی لاسو ماشومان د خپلو پښو په گوتو سره لیکل او نقا شی کول زده کـــولی شی .

په ښوونځی کی :

چیر ته چی کید لی شی باید ډیره پا ملرنه په ښوونځی او نورو حوفوی او تعلیمی سرو یسو نو کی دماشوم داخلیدلو او ننوتلو ته وشی . دغه کار د یته اړه لری چی د ښوو نځیو مقامات او ښوو نکی ډیره پو هه‌او محر کات ولری .

وړانده او کانه ما شو مان او همد- غسی‌نور معیوب ما شومان ځینوعادی محلی ښوونځیو ته تللی شی . داله دی سره مرسته کوی چی دوی‌دهغی ټولنی غړی شی په کوم کی چی‌دوی دوی وده کوی او لو ییږی . ډیـــر معیوب ماشومان له معیوبیت سره- سره په هغومضامینوکی چی زده‌کوی یی په‌اعلی درجه‌بر ی مومی .

متخصصان اوس د دی درك کوی چی پلرو نه او میند ی د معیو بـــو ماشو ما نو په بیرته په حال راوستلو کی څومره مرسته کو لـــی شی .

پلرونه او میند ی باید تشویق شی او په دی کی وروژل شی چی د خپلو ماشو ما نو د انکشاف ځارنه وکړی په همدی ډول دوی ته باید وښودله شی چی د دوی ما شو مان څنگه له نورو ماشو ما نو سره اړیکی پیدا کړی او په لو بو کو لو کی ابتکار وښی . د فزیکی او د ما غی معیو بانو دبیرته په حال را وستلو د پاره ډیری لاری چاری او تلن لاری د کورنیواو نورو له خوا تطبیق کید لی شی .

دا ډیره لږه گرانه تما میږی چی دبیر ته په حال را وستلو د پروگرام په تطبیق سره ځینی معیوبان د جامعی گټور غړی شی نظر دیته چی دهغوی با لکل له نظره وغوز زول شی او په دی ډول د جا معی په ملی عایداتو باندی د یوه پیټی په شان پر یښودل شی .

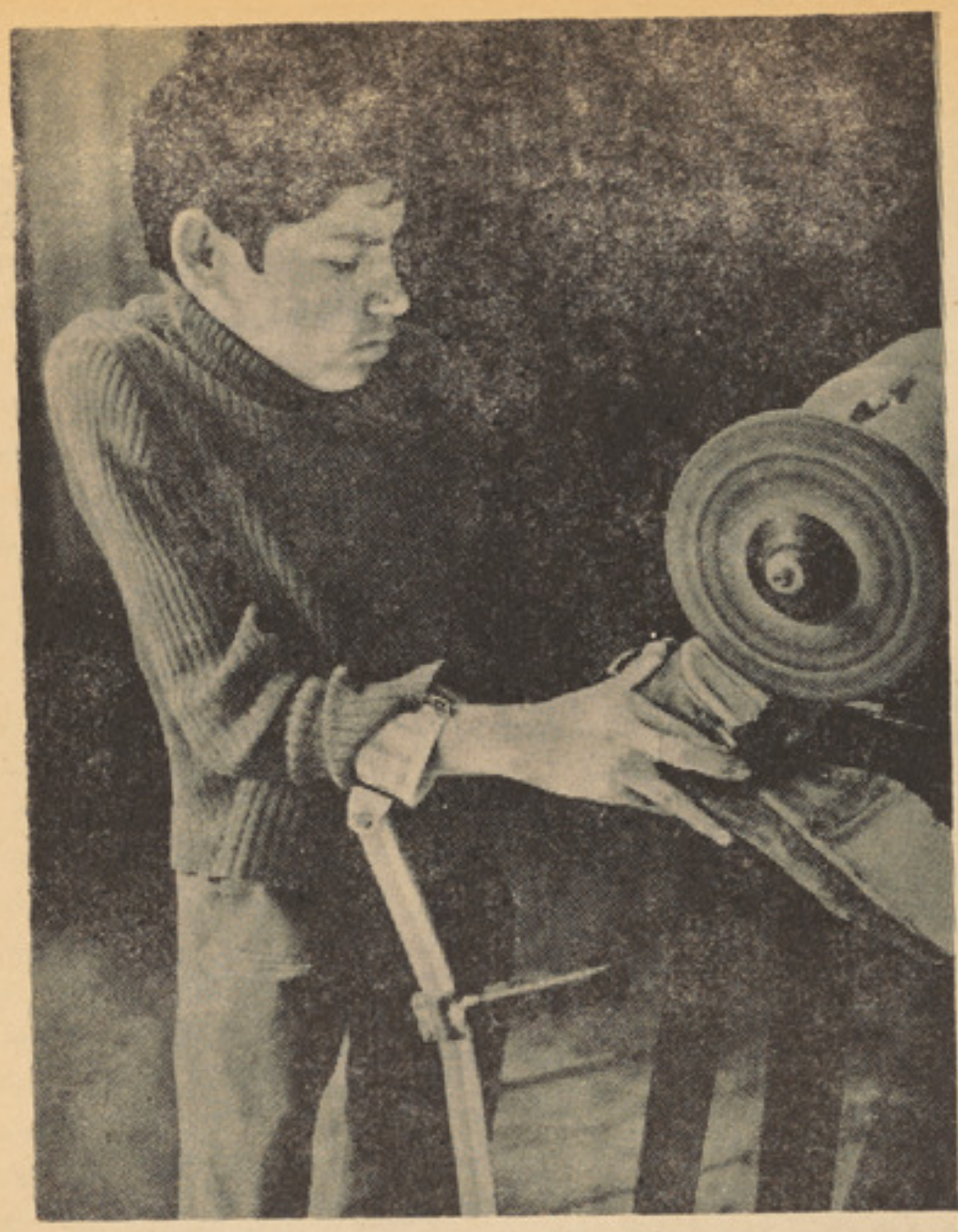

معیوب ماشوم دنورو انسانانـوغوندی ددی مستحق‌دی چی دجامعی یووظیفه ادا کوونکی غړی اوسی.

دغه‌ځوان چی‌دپښونه معیوب دی‌مگر دازمینه ورته برابر شویدی‌چی په‌تخنیکی چارو کی خپل استعـدادپکار واچوی اولکه دنورو انسانانـو خپله وظیفه پرمخ بیایی

نو شته ی : رابك

انقلاب، مردم، وطن و جبهه ملی پدر وطن

اگر به تاریخ انقلا با ت جهانی نظر اندازیم واضحا می بینیم کـــه انقلا با ت اجتما عی همه از یـــك گونـه نیستند . اگر دراثرپیروزی انقلا با ت بورژوا دمو کرا تیـــك تیپ کهن سلطه سر ما یدارا ن مستقر می گردید ، (در حالیکـــه نیرو ی محر که این انقلا با ت نیز همانا طبقا ت پایینی جا مـعـه و دهقانا ن بودند)و اگردر اثر پیروزی انقلابات سوسیا لیستی حا کمیت طبقه کار گر (دولت دیکتاتو ر ی پرولتاریا) و دولت کار گـــر ی سو سیا لیستی بمیا ن می آید ،در اثر پیروز ی انقلا با ت دموکرا تیك تیپ جدید (انقلا با ت دموکرا تیك ملی) حا کمیت تما م طبقا ت‌واقشار ملی و دموکرا تیك بمیا ن می آید . این نو ع انقلا با ت دارا ی دوجهت سیاسی ، اقتصا دی اند ، یکی ملی بود ن این انقلا با ت ودیگر ی‌دمو- کرا تیك بود ن آنها ست . ایـــن نوع انقلابا ت مخصو ص جهـــا ن عقب نگهدا شته شد ه ، مستعمره ونیمه مستعمر ه سه قار ه (آسیا، افریقا و امریکا ی لاتین) اند. چرا؟ وچرا دارا ی این دو جهت ؟

بابو جود آمد ن استعمار و بعدا امپریالیز م جها ن کشا یی نیـــز آغاز ید ن و شد ت گر فت. تولید سر مایدار ی که تو لید کا لا یی‌بوده وهست و مفهو م علمی تو لیدکالایی یعنی تو لید برای بازا ر (نه برای رفع نیاز مند ی‌های انسا ن)است لذا این تو لید متمرکز وسرسا م آور کالا ی انحصار ی به بازا رهای فروش بین المللی نیاز داشت ،زیرا بازار ها ی دا خلی از یکسو نمـی توانست این کا لا را در خود حل کند واز جانبی هم آن سودخالص و« ار زش اضا فی مطلق» ایرا که در جها ن عقب ماند ه ، انحصا ر گرا ن میتوا نستند در یابند ، د ر کشور « خودی » ممکن نبو د ،پس سر مایدار ی به دست اندا ز ی به کشور های بیگا نه و مستعـمر ه ساختن کشور هـا پـر د ا خت‌کـه صدو ر کا لا (از نقطه نظـــــر اقتصاد ی) یکی از مشخصـــا ت این شکل سر مایداری (سر مایداری رقابت آزاد)بود . در مرا حـــل رشد بعد ی سر مایدا ر ی ایـــن پروسه شد ت بیشتر و ار زشـــ کلی تر ی کسب می کند ، منتها این بار مستعمر ه گشا یی نیز مـشـل همه امور دیگر خصلت انحصار ی را دارد .

بخا طر کسب سود هر چـــــه بیشتر علاو ه بر صدور کا لا، صدور سر مایه (سر مایه گذا ر ی ها ی انحصارا ت بین المللی در سکتو ر های زرا عتی ، صنعتی ، ترانسپور- تیشن و ...) نیز رایج گردید ه وبه بزرگترین منبع سود کشـــــــی انحصارا ت بین المللی تبد یـــــل گشت . بهر تقد یر بنابر خصلـت نظا م سر مایدار ی یعنی سودکشی وبو جود آو رد ن ار زش اضا فی سر مایدار ی به تسلط در آو رد ن کشور های بیگا نه دســـت زد و بالاخره در شرایط امپریا لیـــز م اکثریت کشور های جها ن سو م زیر تسلط مستقیم و یا غیرمستقیم استعما ر و امپریا لیز م قـــرا ر گرفتند .

امروز امپریا لیز م به خا طـــر حفظ وابستگی اقتصا د ی کشو ر های در حا ل رشد ، کو ششس دارد تا درین کشورها وابستگی«تخنیکی» رابوجود آرد . به همین لحـــا ظ امپر یالیزم د ر عیـن ز ما نیکه‌بـه خاطر جلو گیر ی از انقلاب ها ی دموکراتیك کو ششس دارد ایـــن کشور ها را براه رشد سرما یداری سوق دهد ، هرگز اجاز ه نمی‌دهد که این کشور ها از لحا ظاقتصا دی وتخنیکی به پا ی خود ایستا د ه شوند . مثلا اگر یك نگاه اجمالی به صنایع کشور های در حا ل‌رشد دارا ی سمت گیر ی سر مایدار ی بیندازیم به خو بی وا ضح میشود که درین کشور ها از همه دســـت آورد های تکنالو جی پیشر فته یی معا صر صر ف صنایع مونتا ژ و پرو سسنگ نفت مرو ج است که‌این خود بیرحمانه تر ین و سبعا نه- ترین شکل استعما ر جدید است .

از آنچه در بالا گفتیم چنین نتیجه بدست می آید که کشور های درحال انکشا ف ووابسته سه قار ه بیشس ازهرچیز د یگـر ی به ا ستقـلال سیاسی و اقتصا دی نیاز دا رند . در مر حله او ل باید حا کمیـــت ملی خود را بدست گیر ند . هم چنا ن این کشور ها از نقطـــــه نظر رشد اقتصا د ی در پله ها ی پایینی رشد قرار دارند . در اکثر این جوامع تا حا ل هم تو لیـــد زراعتی (بـه شـکـل ابتدایی آن) مسلطاست و دهقانا ن کثیر العمده ترین طبقه این جوا مع اند . درین جوامع تا حا ل اکثرا تو لید صنعتی رواج نیافته ، طبقه کار گربمفهو م واقعی آن و جود ندارد . واگرطبقه کارگر هـم هست نـه بـــه شکـل متمرکز ، متحد و نیرو مند آ ن، بلکه به شکل جنینی و در حا ل رشد آن پس معلو م است که انقلا بی که درین نو ع کشور ها به پیرو ز ی میرسد نمی تواند انقلاب سوسیا- لیستی باشد زیرا پایه ما د ی و تخنیکی برا ی آن در جا معه و جود ندارد . همچنا ن این انقلاب هانباید ونمی شود که به سوی سرمایداری برو ند ، زیرا از مدت ها قبل‌تاریخ آن نو ع انقلا با ت گذ شته و کهنه شده اند . در شرایطی که ار دوگاه نیرو مند سو سیا لیز م به حیـث مدافع صدیق جنبشس های رهایی بخشس چه از نقطه نظر سیا سی و چه‌ازنگاه اقتصادی وجوددارد نیازی به پیمود ن را ه رشد سرمایدار ی نیست . از آنجا ییکه در راس‌رهبری این انقلابا ت طبقه کار گر جوا ن‌و به نمایند گی از آ ن احزاب مترقی (نمایندگا ن کار گرا ن و تمـــا م زحمتکشا ن) و انقلا بی قرار دارند این انقلابا ت به سو ی‌جا معه فارغ ازاستثمارگام برمیدارندوخصلت‌جدید وتاز ه انقلابا ت بورژ وا دموکراتیك هم فقط در همین نکته نهفته است پس معلو م است که این نـــو ع انقلابا ت با دو دشمن رو بـــرو اند و دو و ظیفه اساسی دارند . مبارز ه بخا طر کسب استقـــلا ل سیاسی و راند ن کا مل امپریالیزم وبر هم زد ن کا مل مناسبا ت‌مسلط فیو دالیته . لذا انقلابا ت رها یی بخش معا صر ـ ا نقلا بـات ملی و دمو کرا تیك اند . ملی اند بخاطر ی که سلطه امپریا لیز م را بدور می اندازند و دموکرا تیك‌اند بخاطر ی که حا کمیت فیو دالیز م رابر هم میز نند . باو جود آنکـه درین انقلا با ت نیرو ی‌رهبـــر ی کنند ه انقلاب طبقه کار گرو متحد طبیعی آن دهقانا ن اند ، همه نیرو های ضد امپریا لیستی ، ضـــد کمپرا دو ر ی وضد فیو دا لـــی میتوانند نیرو های بالقو ه‌وبالفعـل انقلاب (در مراحل معین) باشند . یعنی در مبارز ه ضد امپریا لیستی تمام نیرو ها از بورژواز ی ملـی گرفته تا طبقه کار گر و دیگرطبقات واقشار میانـی ایـن دو، میتوانند شرکت کنند ، زیرا که منا فع همه

آنها درین مبارزه مشترك نهفته است . لذا طبقه کارگر وبه‌نمایندگی از آن حزب طبقه کارگر و تمام زحمت کشان موظف است تابخاطر پیروزی کامل انقلاب ملی و دموکراتیك تمام نیروها ، طبقات واقشار ضد فیودالی ، ضد کمپرادوری و ضد امپریالیستی را دریك جبهه وسیع‌متحد سازد . کلید پیروزی نهایی در همین‌وفقط در همین امر نهفته است .

البته قابل یادآوری است که بنابر تجارب عملی جنبش های رهایی بخش ملی سراسر جهان نظر به صف بندی طبقاتی و خصوصیات ملی هر جامعه نیروهای تشکیل کننده جبهه و طرز تشکیل آن‌فرق میکند.

انقلاب ما نیز از همین گونه است . انقلاب ثور ، یك انقلاب ملی است زیرا ریشه های استعمار راکه چندین قرن چه به صورت‌مستقیم وچه به صورت غیر مستقیم برجامعه ما مسلط بود برکند وسرزمین افغانستان را از تسلط اقتصادی.و سیاسی امپریالیزم رهانید ، اکنون جامعه ما راه رشد غیر سرمایداری را در پیش گرفته است . در وهله دوم انقلاب ثور یك انقلاب دموکراتیك است ، زیرا این انقلاب از یکسو حاکمیت دولتی را از دربار یان وابسته به فیودالیزم به طبقات پیشروجامعه وبه نمایندگی از ایشان به حزب دموکراتیك خلق افغانستان انتقال داده و با صدور قوانین و فرامین دموکراتیك مالکیت ملاکان‌بزرگ بر زمین و سود سلم را از میان بر داشت یا دریك کلام مالکیت فیودالی بر زمین را ملغا ساخت لذا بخاطر پیروزی کامل‌انقلاب ملی و دموکراتیك کشور باید کوشید تا همه نیرو های ضد فیودالی ، ضد کمپرادوری وضد امپریالیستی را در یك صف واحد متمرکز و متحد ساخت و همه نیروی فعال انسانی را درخدمت شگوفانی وطن گماشت.

حزب دموکراتیك خلق افغانستان به مثابه پیشاهنگ طبقه کارگر وتمام زحمتکشان کشور با اتکابه تیوری انقلابی وو فاداری کامل از اصولیت انقلابی از بدو تاسیس در پروگرام انقلابی خویش‌چنین طرحی را با خود برای جنبش انقلابی کشور به ارمغان آورد . اگر به اسناد حزب قبل از انقلاب مراجعه کنیم در پروگرام مصوبه سال ۱۳٤٤ حزب و اضحاتذکار یافته که :

«پایه و اساس حکومت‌دموکراتیك ملی افغانستان متشکل خواهد بود از جبهه متحد ملی‌عموم قدرت های ترقی خواه، دموکراتیك ووطن پرست یعنی کارگران ، دهقانان ، منورین مترقی، اهل حرفه خرده بورژوازی، مالکین خورد و متوسط وبورژوازی ملی، سرمایدار ملی که در راه‌استقلال ملی تعمیم دموکراسی در حیات اجتماعی و به پایان رسانیدن جنبش‌دموکراتیك ضد امپریالیستی و ضد فیودالی مجاهده ملی ودموکراتیك می نماید » .

حزب دموکراتیك خلق افغانستان با اتکا به اندیشه پرولتری وبا درك درست از واقعیت های‌جامعه افغانستان علما به این مسالـه متیقین بود که پیروزی کامل در امر بزرگ انقلاب و ساختمان جامعه نوین نه تنها وظیفه حزب بلکه وظیفهٔ همه عناصر دموکراتیك ملت است . رهبر کبیر زحمت کشان جهان می آموزد که: «حزب به تنهایی نمی تواندجامعه نوین بسازد . اعمار جامعه نوین کار ، عقل و اراده توده های میلیونی جامعه است . »

وبر حق این امریست کامل ودقیق ، زیرا، معلوم است که‌حزب در مقایسه باتوده ها قطره یی در مقابل بحری بیش نیست ، و از جانبی هم میدانیم که حزب متشکل از پیشتازترین و آگاه ترین نمایندگان طبقه یا طبقات معین اجتماعی است نه کل طبقه این امریست کلی برای همه‌انقلابات وباز در شرایط گسترش انقلاب دموکراتیك و آن هم دریك جامعه کاملا عقب نگهداشته شده که طبقات و بالخصوص‌اقشار مختلفی وجود دارند که در امر مبارزه‌بر ضد امپریالیزم و فیودالیزم صادق اند ، چطور میتوان به این همه نیرو ها پشت‌پا زد .

همزمان باپیروزی انقلاب ثور مساله مبرم تشکیل جبهه باز هم مورد نظر حزب بود و حتی پلان مشخص عملی آنرا نیز پیش‌کشیده بود بهمین خاطر این مساله (تشکیل جبهه ملی پدر وطن) در خطوط اساسی و ظایف انقلاب که به تاریخ (نزده) ثورسال (۱۳۵۷) تصویب و انتشار یافت مطرح و منعکس گردیده بود . ولی دیری نگذشت که سایه ی سیاه باند جنایت کار وفاشیست امین برسرنوشت جامعه ما مسلط گشت . امین به حیث و فادار ترین نماینده سیاتا توانست جنبش مترقی و انقلابی را ضربه زد او هزاران هموطن شریف ، انسان دوست ، انقلابی ، متعهدووفادار به امر انقلاب را گروه ، گروه به زنجیر وزندان کشید و دسته،دسته در کشتار گاه های خود سر به نیست کرد . امین باباند سفاکش در جنایت پیشگی دست اسلاف شان چون هیتلر ، عبدالرحمن وهاشم جلاد را بستند . شاید در معاصر جنایت کاران چون او و باندش ، پول پوت و باند مائو یستی اش را در کمپوچیاسراغ کرد و بس . حکومت تروروواختناق طراز فاشیستی امین دریچه‌ی همه اشکال زندگی صلح آمیز ودموکراتیك را در مدت کوتاه حکمروایی اش ، در همه عرصه ها برروی مردم زحمت کش مابست . البته در زمینه تشکیل جبهه ملی پدر وطن که طرح علمی ومستدل حزب ازسال ها قبل از پیروزی انقلاب بود و همزمان با اولین روز های پیروزی انقلاب گام های عملی نیز در جهت تحقق آن بر داشته شده بود ، نیز خیانت واضح صورت گرفت و این مساله تحت نام های ریاکارانه ، بخاطر بدنام ساختن ایدیولوژی انقلابی‌و منحرف ساختن مسیر انقلاب به‌بیراهه ها ، کتمان شده وبه تاق نسیان گذاشته شد . حکومت امین وامینی ها دیگر در میان مردم‌پایه نداشت و ناگزیر به سقوط بود وچنان هم شد. در شام ششم جدی نیرو های وطن پرست مردم ما و ار دوی رهایی بخش افغانستان تحت رهبری نیرو های اصولی حزب بابراه اندا ختن قیام‌نیرو مندی طلسم ظلم وبیداد گری امینی ها را شکستاند و برای همیشه بر تسلط جهنمی ایشان خاتمه دادند . بدین‌ترتیب انقلاب ملی و دموکراتیك ثور از بیراهه نجات یافت وبر حق اند مردم ما که می گویند :« مرحله‌نوین انقلاب مرحله رهایی حزب ، مردم ووطن است . »

پا به پای پیروزی مرحله نوین انقلاب ، نیرو های سالم و اصولی حزب با اتکا به اصولیت ،ایدیولوژی علمی و پروگرام علمانی تنظیم شده حزب دموکراتیك خلق افغانستان و با درك درست از ساختار جامعه افغانستان مساله تشکیل جبهه را پیش کشیدند . همه شاهد اند که ببرك کارمل منشی عمومی کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ورئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان در شام ششم جدی سال ۱۳۵۸ برای‌مردم ما چنین نوید دادند :

بقیه در صفحه 65

نقد و معر فی کتا ب

زندگانی سیاسی میرعلی شیرنوائی

مولف : اکا د میسین و.وبارتولد
بر گر داننده به دری: پو هاند میر حسین شاه .
ناشر : ریاست کلتورو هنر.
یکصدو شش صفحه

میر علی شیر نوا یی بدو نتردید یکی از ستار گا ن قدر او ل فرهنگ کشور ما ست . اکنو ن که بیش از پنج سد ه از روز گار زندگا نی او در می گذرد . نام او همچنا ن برای ماگرا می است . اندیشهٔ تفکر ، نگرش او بر مسایل پیرا مـــو ن خویش در خور ستایش فرا وا ن است علی شیر نوا یی شخصیـت چند بعدی دارد.

او هم مرد قلم است و هم مر د سیاست و کشور دا ر ی ، و هم از سنگر مرد م دفاع می کند. وقتی به شماره‌ی کار های خیراندیشانه او می نگریم به این نتیجه می رسیم که در تاریخ شخصیت هایی ازین گونه یاو جود ندارد و یا اگر باشد کم است اگر از شمار ه تالیفا ت، آثار منظوم و منثور او به زبا ن‌های دری و تر کی که به(سی‌و دو) عنوا ن میرسد در گذ ریم که همه درجای خود قابل اعتنا،توجه ویاد آور ی‌است و ژر فا ی معلو ما ت ، دانش و تسلط اورا بر فر هنگ دری و تر کی می رساند او بیش‌از (یکصد و سی‌و سه) بنگاه خیریه مانند مسا جد ، مدارس ، پل ها، رباط ها ، باغ های عمو مـــی ، خانقاه ها، مزارات ، شفا خا نه‌ها رابنیاد نها ده و یا به تعمیر دوبارهٔ آن پرداخته است ، که در مجمو ع حس انسا ن دو ستی و مـــر د م گرایی اورا می رساند در تاریـــخ کمتر پیشینه دارد که دولت مردمی به مسایل فر هنگی تا جا یـــی تو جه داشته باشد که میر علـــی شیر نوایی. دولـت مردان ا گـــر گا هی صفحه ا ی راسیا ه کرده‌اند شعری گفته اند ، تابلو ی پدیـــد آورد ه و یاسیا ه مشق ها یی کرده اند برای تفنن و سر گر می بو د ه است نه نیاز مند ی و حســـــ مسوو لیت . میر علی شیر نوا یی اگر شعر ی گفته ، تر جمه‌وپژوهشی انجا م داد ه خطی نو شته و یـــا تابلو ی نقا شی ای پدید آو رد ه آن از سر نیاز بود ه است وبرا ی گسترش افق ها ی فر هنگ.و هرچه پدید آو رد ه با مسوو لیت وآگا هی بود ه است بار ی چهار دیوا ر ی های زر اند و ده ی در بار هیچگاه میر علی شیر نوا یی را از وظیفه اش بدور نکرد ه است او به ایـــن باور بود ه است که «بنا های آباد» ویران می شو ند کا خهـا وبـاره های سلطنتی را باد و بـــــارا ن‌و گذشت ز ما ن‌خرا ب می کنند اما نقش فر هنگ است که پا یدا ر واستوار می ماند . بار ی میرعلی شیر نوا یی بیشتر ین‌و قت خو د صرف کار های تحقیقی اد بـــی و هنری می کرد ه است و ازین دیدگاه او مو قعیت ویژه و شایسته ا ی دارد . و قتی چهر ه اد بی، هنری، میر علی شیر نوا یی که پس‌بسیار در خشند ه و چشمگیر است ا ز نظر می گذ رانیم به سیمای‌سیاسی او می نگریم که همچنا ن تابند گی دارد . میر علی شیر نوا یی ا ز آن سیاست گرا ن خشك اند یشی ، متعصب و تاریك بین نیست. مسایل اجتماعی را با تدبیر ، خرد، سنجش وآگا هی به پیش می برد در دوران وزار ت او در در بار سلطان حسین بایقرا به درد ها ، نیاز ها وبدبختی های مرد م تو جه فراوا ن شـد ه است . برای هیچیك از عمال خود اجاز ه آ ن را نداد ه است که دلی را غمگین نماید و خاطر ی راافسرده ویابه بازا ر ی آزار ی برساند .

در زمینه ، آثار ، پژو هش ها واشعا ر میر علی شیر نوا یی که همان سیمای فر هنگی او را مـــی سازند پیش از ین تحقیقـــا ت فراوا ن به سا مان رسید ه است‌در اتحاد شورو ی به پیمانه بیشتر و در افغانستا ن ،تر کیه و ایرا ن و هندوستا ن متناسب با امکا نا ت اما در بار ه سیما ی دیگر او کـه همان تدبیر . کشور دار ی‌وسیاست است کو شش کمتر ی انجا م شده است که انتشا ر کتا ب ار زند ه دانشمند خا ور شنا س اتحـــا د شوروی بار تو لد می تواند مقد مه‌ای باشد برای کو شش های‌گسترده آیند ه درین بار ه و زمینه‌مترجـم کتا ب « زندگانی سیاسی میر علی شیرنوا یی » در بار ه مو لف می نویسد :

«هرو قت میخوا هیم تا ریـــخ فر هنگ کشور خود وارا ضـــی مجاور آن را در کتب دانشمندا ن ارو پا یی وروسی مطا لعه کنیم . بار تو لد با داشتن آثار گرانبها ، یقینا در ردیف او ل قرار می گیرد ویلهم . معرو ف به واسیلـــی ولادیمیر ویچ بار تو لدبه سـا ل ۱۸۶۹ در شهر سنت پتر سبور ك (لینن گراد حا لیه) به دنیا آمدو در پو هنتو ن سنت پتر سبور گ

تحصیل نمود و در دوازده اپریل (۱۸۹۶) در همان پوهنتون به تدریس آغاز کرد در سال ۱۹۱۲ به عضویت اکادمی روس شامل گردید و تا روز وفات (نزده) اگست ۱۹۳۰ به آن عهده باقی ماند».

مترجم درادامه گفته های خود می آورد.

«بار تولد ـ از زبان های شرقی به عربی. فارسی و ترکی کاملا آشنا بود و از کتبی که به این سه زبان نوشته شده بود به خوبی استفاده می کردو متون آنهارا انتشار میداد. معروف‌ترین اثر این دانشمند که میگویند در تاریخ نویسی فصل تازه ای کشوده کتاب ترکستان اوست ولی آثار دیگرش نیز از مقاله ورساله وکتاب که تعداد آن به سه صد میرسد و در موضوعات جغرافیایی تاریخی، باستان شناسی، سکه شناسی، نژاد شناسی، متن شناسی و فقة اللغه مردمان آسیای مرکزی وارا ضی دیگر اسلامی نوشته شده. همه عمیق و دارای مطالب بسیار ارزنده است. مترجم به ارتباط ارزش واهمیت کتاب (زندگانی سیاسی میر علی شیرنوایی» یاد آور میشود.

«... بار تولد در تالیف این رساله به ماخذ اصلی نظر داشت وباروش دقیق تاریخ نویسی خود آنرا تالیف نموده در ارزش این اثر بعد ها گفتند که در بحر وسیع تحقیق در باره آثار میر علی شیر نوایی این رساله یعنی» زندگانی سیاسی میرعلی شیر نوایی «چون مروارید ی می درخشد واین خصوصیت تا حال هم ادامه دارد.»

«کتاب زندگانی سیاسی میر علی شیر نوایی پیش از ین‌به وسیله مترجم به دری برگردانیده شده است و این بار به مناسبت آغاز دهه تحقیق بر آثار و احوال میر علی شیر نوایی» تجدید چاپ‌میشود. البته با در نظر داشت اینکه در چاپ دوم پاره یی تغییر وافزوده های روی داده است. کتاب با تصویری از میر علی‌شیر نوایی آراسته است، اثر خوانی علمزی و پس از آن پیش گفتار کتاب می آید که در بر گیرنده یا داشتی از و زیراطلاعات کلتور است در این اشاره و ار مختصر آمده است:

«شاد مانم که با آغاز دهه تحقیق در باره امیر علی شیر نوایی و عصر او رسالهٔ که خاور شناسی نامدار پروفیسر واسیلی بار تولد در زمینه یکی از ابعاد شخصیت نوایی نگاشته است به چاپ میرسد این اثر بار‌تولد در اصل به زبان روسی بودو در درازای سال‌ها ی زیادی‌تنها کسانی از آن برخوردار می شدند که زبان روسی میدانستند.» دانشتند.»

استاد مینورسکی این اثر رابه زبان انگلیسی بر گرداند و به این وسیله زمینه آن فراهم آمد که کتاب مورد استفاده گروه‌کثیری قرار گیرد و اینك چاپ دوم آن به دری در دسترس علاقمندان قرار دارد که در گزارش آن دانشمند معاصر پوهاند میر حسین شاه زحمت فراوانی بر خود هموارداشته وبدینسان است که زمینه‌استفاده از کتاب برای جامعهٔ دری زبان نیز فراهم می آید. کتاب‌درشش فصل و یاعنوان بخش بندی می شود با آنکه نام کتاب زندگی سیاسی امیر علی شیر نوایی نا. یافته است به اوضاع و احوال فرهنگی زمان او نیز اشاره‌های درین کتاب وجود دارد که محقق وپژوهنده را بی نیاز از مراجعه به متون فرهنگی که در باره‌میر علی شیرنوایی نگاشته آمده است می سازد درین بخش هانشان داده میشود که در دوره‌تیموریان هرات به اوج از شکوهمندی فرهنگی رسیده است. هنر نگاره گری دوره تکامل خود را می‌پیماید وبه دست هنر مند نابغه ونگاره گر بی همتا «بهزاد» به شهرتی جهانی می رسد. شعر کهن دری آخرین نمایندهٔ بزرگ خود مولانا جامی را به جهان می شناساند. هنر خطاطی وموسیقی هم رواج ورونق شگفتی پیدا می‌کند ونمایندگان بزرگی را به جهان بشریت می شناساند. این درخشش فرهنگی دوره‌تموریان هرات رانمی توان بی ارتباط به زندگی امیر علی شیر نوایی و پشتیبانی بی دریغ او مطالعه‌کرد در یاد نامه ها و تذکره ها آورده اند که میر علی شیر نوایی اهل خرد و هنر واندیشه را موردنوازش بی پایان قرار می داد. در اثر دخالت های مستقیم او در بار سلطان حسین بایقرا به مجمع بزرگی از هنر مندان، شاعران، نویسندگان مبدل شده بود. تا جایی که سخن چینان و حسودان در سلطان دمیدند که در اثربخشش ها و سخاوت مندی های میر علی شیر نوایی خزانه پادشاهی‌خالی شده است. این روایت نشان دهنده آن است که میر علی شیرنوایی در راه گسترش، رواج وپخش فرهنگ دری‌و ترکی نقش شایسته ای داشته‌در کتاب زندگی سیاسی میرعلی شیرنوایی که یك کتاب صرفا سیاسی باید باشد به این بخش یعنی پخش فرهنگ و گسترش آن در دوره نیز توجه شده است.

بار تولد در نوشتن این کتاب زحمت بی شماری بر خود هموار داشته است از ماخذ و منابع دست اول و قابل اعتمادی استفاده کرده است. منابع این کتاب در آخر هر صفحه نشان داده میشود که به خوانندهٔ پژوهنده وعلاقمند آثار میر علی شیر نوایی جالب است بار تولد بسیاری از متن‌ها وتذکره ها و تاریخ هایی را که در باره آثار و احوال میر علی شیر نوایی اشاره های دارند موردتردید قرار می دهدباآگاهی‌یك محقق واقعیت بین و دانشمند صحیح ترین و مستند ترین قول را درباره اومی پذیرد روایت های مجهول‌به اثبات نرسیده و غیر دقیق را در باره میر علی شیر نوایی نمی پذیرد. بار تولد در این کتاب بیشترین اتکا رابر متن هایی دارد. که در زمان زندگی علی شیرنوایی تدوین شده اند و یا از نظر تاریخ نگارش به زمان نزدیك شده به قول دوورخ آگاه‌خواند میرو میر خواند که در شمارمعاصران میر علی شیر نوایی اند بیشترین اتکا را دارد. بار تولد با سبك عالمانه ای که در تحقیق و تاریخ نویسی دارد برای اثبات قول خویش به چندین منبع و متن‌و ماخذ مراجعه می کند تا سخن خودرا جنبه علمی و تحقیقی به بخشد و این میتواند نشانه دقت وواقعیت بین این پژوهنده های دانشمند باشد در فصل دوم این اثر که بار تولد در راه نگارش وتدوین آن سال ها زحمت‌کشیده وحتی رنج سفر را بر خود هموار ه داشته و به اقوال و افواه شفاهی هم توجه کرده است بر سرزمین هرات، موفقیت، فرهنگ وسر آمدن آن توجه شده است. دراین بخش بار تولد نشان می دهد که در دوره میر علی شیر نوایی در اثر کار، تلاش علاقمندی و توجه او چگونه شهر هرات عظمت از دست رفتهٔ خود را باز می یابد ودر شرق مانند نگینه ای می درخشد در اساطیر هم نام هرات گرامی داشته شده است و در دوره‌میر علی شیر نوایی شکوهمندی این شهر باز سازی و نادره مردانی را در دامان خود می پرورد که شایسته ترین افتخارات و شادباش ها را سزاوار اند. فصل سوم کتاب به تبار و دوره جوانی علی شیر نوایی اختصاص یافته است در این بخش کتاب نشان داده میشود که چگونه مردی از تباری نه چندان به شهرت رسیده در اثر کار زحمت و تلاش‌همیشگی خویش به چکادی از دانش هنر و سیاست می رسد. که توجه جهانیان را به سوی خود می کشاند درین بخش کتاب خوانندهٔ در می یابد که اگر انسان ارادهٔ کند می تواند چکاد های برین‌افتخار را فتح نماید بر شکوهمندی و جلال تمدن و فرهنگ بشری بیفزاید وخویشتن را به جاودانگی برساند.

جوانی علی شیر نوایی با مطالعه، تفکر، پژوهش همراه بوده است، یار همیشگی اوکتاب ودانشمندان و اهل دل بوده است واو از روز های جوانی خویش عظیم ترین استفاده ها را کرده است.

شهرت، لیاقت، دانش،آگاهی تدبیر و رفتار مردم گرایانه میر علی شیر باعث آن گردید که گروهی از حسودان، تنگ نظران، و آنهایی که از خود مایه واندوخته ای ندارند و به گونه ی وابسته و سربار ی زندگی می‌کنند نظر سلطان حسین بایقرا رادر باره میر دانشمند علی شیرنوایی تغییر بدهند و او مدتی معضوب واقع شود اما واقعیت هرگز پوشیده نمی ماند. جوهر استعداد

بقیه در صفحه۵۳

مارتین لوتر کینگ

ترجمهٔ قاسم «سرمد»

قسمت دو م

من هم یك انسانم

. . .

مارتین لوتر کنگ رهبر سیاهان

چگونه بقتل رسید؟

سا عت پنج پنجا ه و هفت بعد از چاشت روز پنجشنبه داکتـــر در بالکن اتا قش قد م گذ اشت تا پیشس از صر ف نا ن شب و گردهم آیی قدر ی هوا ی تازه بگیرد .

در مهما ن خا نه (برور) ویلا رد درواز ه تشنا ب را برو ی خودبست وتفنگ را برو ی چو کا ت کلکین جابجا کرد . فاصله بین اووهد ف (دو صدو پنج) فت بود .

داکتر برو ی بر ند ه خم شد و با درایور و دوستا نش که‌درمحل بار کینگ موتل ایستا د ه بود ند به گفتگو پرداخت .

ویلا رد در تشنا ب تفنگ‌را به روی شا نه اش قرار داد و هد ف را که در فا صله‌کمتر از طول‌میدان فتبا ل قرار داشت نشا نـــه گرفت .

هوا بسیار سرد بود دریـور به داکتر پیشنهاد کـرد در الـنـای مارش بالا پو ش بپو شد کنگـــك ایستاد ه شد و قصد داشت باتاق خود بر گردد .

ساعت شش و یك دقیقه رانشان میداد و یلا رد نفس عمیقی کشید انگشت شها د ت دست راست او با آهستگی ماشه سرد تفنگ را به سوی خود کشید .

آنهاییکه سقو ط داکتر را برو ی بالکن ندید ه بودند چنین پنداشتند که انفجا ر پتا قی صورت گر فته باشد .

گوله به الا شه و گردن مقتو ل اصابت کرد ه بود . قاتل یقیـــن حا صل کرده بود که فیر گلو له دو می لازم نبود . او اسلحه را در یك قطی مقوا یی گذ اشت‌وخریطه اش را نیز بر داشت واز اقا مت‌گاه خود خار ج‌شد . ویلا رد اسلحه‌و خریطه را در کنار سر ك رها کردو ازنظر ها غایب شد .

همد ستا ن کنگ و باشند گا ن موتل به بالکن ، جاییکه داکتربخاك افتا ده بود شتا فتند . یکی ا ز دوستا ن و ی سر ش رادر آغو ش خود گر فته بود . یك سفیدپوست در حالیکه قطیفهٔ بدست داشت به کنگ نزدیك شد و آنرا بروی‌زخم گذاشت . و خو ن همه جا را فرا گرفته بود.

یکی از دوستا ن نزد یك داکتر که امکا ن انتخا ب و ی به صفت جانشین کنگ در «کنفرانس‌رهبری عیسو یا ن جنوب » میر فت‌احساس میکرد که نجا ت داد ن کنگ بسیار ناو قت شد ه بود او به با لیـــن دوستش نزدیك شد و بزانو افتاد اشك در چشم هایش حلقه زد ه‌بود وسه بار کلمه مار تین را بز با ن آورد .

وقتی امبو لا نس به محـــــل واقعه رسید آثار حیا ت به‌سر عت از کالبد داکتر زایل می شد مرد درحال احتضار ساعـت (شش‌و شانزد ه) در اتا ق اضطرا ر ی شفا خانه سنت جوز ف برد ه‌شد یك تیم (دوازد ه) نفری داکتران سفید پوست برا ی (پنجاه)دقیقه از هیچ گو نه کو ششس برای‌نجات مارتین دریغ نکردند و لی گلو لـه نخاع شو کی داکتر را قطع کرده بود . هرگاه‌او نجا ت‌می یافت ا ز گرد ن به پایین برای همیشه فلج می بود . یکی از داکتر ان اند کی بعد از مرگ کنگ اظهار نموده‌بود که کنگ هنگا م دخو ل به‌شفاخانه جان داد ه بود .

ساعت (هفت و پنج) دقیقه‌مرگ رهبر حقو ق مدنی سیا هان اعلا م گردید .

بیست و پنج دقیقه پسانتـــــر یکی از اعضا ی دفتر . کنگـــــك که چشم هایشس از گر یه وفریا د آما س کرد ه بود از شفا خا نه‌خارج وبه روز نا مه نگارا ن اظهـــا ر داشت « کنگ را کشتند » یکی‌دیگر ازدوستان اوگفت کنگ همیشه در انتظا ر قتلشس نبود و لی دیگرا ن وقوع آنرا انتظا ر نداشتند .

در اتلانتا به (کور یتا کنگ) همسروی از ممفیس ذریعه تیلفـون اطلاع داد ه شد که کنگ زخمـــی شده است. شاروال اتلانتا کـــه‌از حادثه اطلاع یافته بود به خا نـه کنگ شتا فت تا (کور یتا) را به میدان هوا یی برساند . طیا ر ه در انتظا ر بود تا موصو فه راببالین شو هرش برساند .

موتر شاروا ل از جا ده ها ی‌غبار آلود و بارا نی اتلا نتا جانب میدان هوا یی براه افتاد . در میدان‌هوایی پیشس از آنکه همسر کنگ بـــه طیار ه داخل شود یك نفر شاروال را از مرگ قطعی مارتین اطلاع داد.

شاروا ل مو صو فه را د رتر مینل میدان هوا یی متوقف وبو ی گفته بود که داکترا ن از نجا ت‌شوهرش عاجز آمده بودند . کوریتا بخا نه اش باز گشت تا شب را با(چار) طفلشس سپری نماید .

پولیس ممفیس فورا اطـراف موتل مورین را محا صر ه نمودند شایدا ن عینی اظهار میدا شتندکه قاتل بعد از رها کرد ن اسلحه در کنار جا د ه ذریعه یك مو تر تیز رفتا ر سفید رنگ از محل فـــرار کرده بود ، راه ها ی عمد ه بسته شد و ادار ه تحقیقا ت فدرا ل یك تعداد نمایندگا ن خودرا بـــر ا ی جستجو ی قاتل به ممفیس فرستاد ولی قاتل از نظر ها غا یب شـد ه بود .

مرگ مارتین با عث آشو ب ها وشورش ها ی شد که در امریکانظیر آن دید ه نه شد ه بود . نگر وهای ماتم زد ه در کو چه های شهرهای مهم آ ن کشور یعنی ممفیســـــ واشنگتن ، شیکا گو ، بالتیمـــو ر دیترا یت ریختند و به ماتم دا ر ی پرداختند .

بقیه در صفحه ۵۰

نهم سپتمبر یا روز سالگرد انقلاب بلغاریا

روز هجدهم سنبله سال ۱۳۶۰ یا نهم سپتمبر سال ۱۹۸۱ مصادف است به سی و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب مردم بلغاریا چه درین روز تاریخی بود که سی و هفت سال قبل ازامروز (درسال ۱۹٤٤) مردم قهرمان وانقلابی بلغاریا موفقیت بزرگی رانصیب دیدندو باسرنگون ساختن حکو مت دیکتاتوری فا شیستی انقلاب سوسیالیستی را به پیروزی ر سانیدند و تاسیس جمهوریت سوسیالیستی بلغاریا توسط « گیورگی د یمتروف» فرزند قهر مان آنکشور اعلام گردید، از این روست که مردم بلغا ریا هرسال این روز تاریخی کشور خویش را جشن می گیرند و مقدم آن را گرامی میدارند.

پیروزی مردم بلغاریا بر سلطهٔ فا شیزم وسیستم استعماری سر آ غاز سا ختمان جامعه نوین سو سیالیستی وانکشا فا ت سیاسی ، اقتصادی واجتماعی در آن کشو ر بشمار می آید واین پیروزی ثمره مبا رزات پیگیر و دوامدار ی بود که توسط مردم قهرمان ومبارز آن کشور بر ضد فاشیزم و استعمار براه انداخته شده بود .

بعداز ختم جنگ دوم جهانی و ظایف خطیری در برابر دو لت و مردم بلغاریا وجود داشت، باید اقتصاد ملی آنکشور به سرعت ر شد می‌یافت وامکانات زیست بهترمردم زن کشور فراهم می‌گردید .

مردم بلغاریا بعداز پیروزی انقلاب به موفقیت های زیادی درساحه های مختلف زندگی نایل آمدند و پیشرفت های صنعتی و زراعتی آن کشور که سیستم ا قتصادی آن کشور را انکشاف می بخشد اکنون به مراحل عا لی و پیشرفته‌ای رسیده است. محصولات صنعتی آن کشور در سال ۱۹۷۵ به مقایسه سال ۱۹۵۰ هجده چند ازدیاد را نشان می دهد ، بلغاریا امروز ازنگاه صنعت الکترونیك در جهان مقام ششم را حایزمی باشد وتولیدات مطمئن صنعتی آن توجه خاص جهانیان را بخود معطوف داشته است .

مردم بلغاریا نه تنها ازنظر اقتصادی ایکه در فروغ پیشرفت های انقلابی میسر گر دیده اند متکی بخود اند بلکه بسا ازکشور های دیگری از جهان نیز از این تر قیات وپیشرفت های مردم بلغاریا در ساحه های علمی، تخنیکی وزراعتی مستفید گردیده اند . انواع مختلف ماشین آ لات ومحصولات فابریکات این کشور به ممالك دیگر جهان صادر می‌گرددومتخصصان ودانشمندان کشور بلغاریا در ممالك مختلف قاره های آسیا، افریقا وامریکای لا تین بسود زحمتکشان ودر جهت ار تقای سطح حیات اقتصادی واجتماعی آنکشور ها دوش بدوش زحمتکشان آنهاکار می‌کنند. و حدت وهمبستگی بلغاریا با سایری کشور های سو سیالیستی بخصوص کشور بزرگ صلح جهان کشو ر شورا ها در امر پیشرفتهای روز افزون و چشمگیر اقتصادی آن کشور مساعدت خو بی نموده است .

کشور سو سیالیستی بلغاریا منحیث یکی از کشور های عضو جا معه همکاریهای متقابل اروپا یعنی کو میکان نه تنها با کشور های برادر سو سیالیستی همبستگی و روا بط حسنه بر قرار نموده است بلکه عندالموقع از تمام نیرو های انقلابی و نهضت‌های آ زادی‌خواه جهان حمایت و پشتیبانی های بید ریغ خودرا ابراز نموده است و همچنان ا براز خواهد نمود .

مردم افغانستان آزاد وانقلابی که با خلق قهرمان واستعمار شکن بلغاریای جوان روابط عنعنوی و کهنی را دا را می باشد نه تنها این روز تاریخی یعنی پیروزی انقلاب سو - سیالیستی را به خلق ز حمتکش آن کشور تبریك می گویند بلکه مو فقیت های مزید ایشان را در راه تر قیات و پیشرفت های مزید سیاسی ، اقتصادی واجتماعی آ رزو می برند.

گرچه روابط میان مردمان جمهوری دمو - کراتیك افغانستان و کشور قهر مان وانقلابی بلغاریا تاریخ قدیمی دارد و لی این روابط بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن که آخرین حلقهٔ استبداد فاشیستی در کشور مادر هم شکست بطور محسوس و روز افزونی بمشاهده می رسد . مردم قهر مان وانقلابی افغانستان که سالیان درازی را درزیر سلطه ر ژیم های مستبد وابسته به دودمان رسوا و تاریخ زدهٔ یحیی بسربرده بودند با پیروزی انقلاب آزادی بخش ثور آ زادی واقعی خودرا نصیب گردیدند و قدرت سیاسی را از ید جباران وستمگران تصاحب نمودند و باپیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب ثور در تحت رهبری حزب دمو کراتیك خلق افغانستان و طن مردم وانقلاب خویش را از توطئه سیاه‌سازمان جهنمی ایالات متحده امریکا «سیا» نجا ت بخشیدند مسلما از حمایت و پشتیبانی های بیدریغ همه نیرو های صلحدوست و آ زادی پسند جهان در راس اتحاد جما هیر شو روی سوسیالیستی در امر بزرگ د فاع از و طن مردم وانقلاب خویش در برابر تجا و ز ا ت ، مداخلات و جنگ اعلام‌ناشده ، ار تجاعی ، هژمونیستی وامپریالیستی بر خور دار اند بلغاریای قهرمان وانقلابی یکی از کشور های دوست وبرادر مردم افغانستان بوده و این دوستی و برادری خلقهای هر دو کشور تاریخ درازی دارد .

ما آرزومندیم رشته نا گسستنی دو ستی میان مردم ما و مر دمان صلح دوست، ترقی خواه و آزادی پسند بلغاریای قهرمان بر استحکام خود روز بروز به افزاید ونیرومند ونیرو مندتر گردد .

لیکو نکی : الیا سوچ کوف

ژباړونکی : پو هنیار محمد هاشم بشریار

غلا شوی مغزونه

د اسو شیتید پرس خبری آژانس په دغو نږدی وختونوکی را پورورکړ چی ځینو آسیا یی دولتو نو چی په مخکی یی نورو هیوادو ونو ته دخپلو متخصصینو او ما هرانو د مها جرت او تللو له کبله تا سف څرګند اوه، اوس ددغه پرابلم په برخه کی «ثانوی یابل ډول فکرونه»لری. ولی‌ددهن دغه بدلون ؟ په ظاهری تو ګه څکه دغه متخصصین یا د پو هی خاوندان خپلو کورو نو ته پیسی لیږی او د بیکاری د مسا لی په اسانتیا کی مرسته کوی .

راځی واقعی وضعه او حا لت تر وقت او ازموینی لاندی ونیسو.اما لومړی یو څه دهغی تاریخچی ته کتنه وکړو .

څرنګه چی پو هیږو ، کوم‌وخت چی آسیا یی او افریقا یی هیوادو نو داستعمار یوغ مات کړه هغوی خپل ځانونه د اقتصاد له مخی‌وروستـه پاتی او دودی په حال کی ولیدل. هغوی وپوهانو ، تخنیك پوهانو، ډاکټرانو ، ښوونکو او داسی نورو پرسونل او کار کوو نکو له مخی‌د زیات کموالی او تنګسی سره لاس او ګریوان وو. ددی لپاره چی ملی ژوند احیا اوپه‌هغه کی بریا لیتوبونه ترلاسه شوی وای ، نو متخصصین او ما هران باید ژر تر ژره روزل شوی وای ، او له بلی خوا هغه‌تجربی چی داقتصاد له مخی په پر مختللیو هیوادو نو کی په‌لاس‌راغلی وی دودی په‌حال کی نړی لپاره د هغی د سواد او پو هی د ډیری ټیټی سویی له‌کبله دنظره لویدلی وی .

دغه پرابلم یا مساله‌نن ورځ‌څرنګه چی دودی په حال کی هیوادو نه‌د دوه چنده کار سره مخا مخ کیږی، لانوره هم غامضه او پچپلی‌شوی ده: له‌یوی خوا هغوی‌مجبوردی د موجودی تجربی په عاریت اخیستلو سره هغه خلاله منځه یوسی چی‌دوی‌په‌ساینس او تکنا لوجی د پر مختللیو هیوادونو څخه بیل او لری ساتی ، او له بلی خوا هغوی یوا ځی د خپلو تحقیقا تو او څیړنو د ودی له مخی کولای شی چی علمی او تکنا لوجیکی لوړی‌سویی ته ورسیږی .

ددغه وروستنی هدف په نظر کی نیو لو سره ، ډیر و نو یو استقلال او خپلوا کی ته رسید لیو هیوادونو په ګړندی تو ګه سره د روز نی پروګرامو نه پیل کړی دی . په دی لړکی ډیر زیات ځوانان باندنیو هیواد ونو ته او همدا رنګه شوروی اتحاد ته استول شوی دی . دلسو کلو نو په موده کی څلو یښت زره د مختلفو ځانګو متخصصان د شوروی اتحاد د سوسیا لستی جمهور یتو نو اود نورو سوسیا لستی هیوادو نود ښوونی او روز نی په لوړو موسسو کی روز ل شوی دی .

پاتی په ۵۳ مخکی

دختر فالیزوان

نوشتهٔ :

د ستگیر نایل

در دشت و سیع به نظر می رسید که‌شفق دمیده است . ستاره هائیکه در دامن‌لاجوردین آسمان چشمك می زدند ، کم‌کم از نورشان کاسته میشد .

(جوره) لحاف را از روی خود پس کرده سرجای خود نشست ، پس از آنکه بادهای کمرش را شکستاند ، نیم خیز شداماکسالت وخستگی کار روز گذشته که از دم صبح تا خفتن مصروف نقل دادن غله از خرمن‌بخانه بود ، مانع شد . شعاع آ فتاب سحر گا هی از پس کوهها نورافشانی میکرد.یکباربیادش آمد که امروز همراه (بابه رشید) همسایهٔ خود در (لاش) فالیز ، و عدهٔ کمك کرده است . واسکت خودرا که درزیر بالشت مانده بود ، پوشید واز بستره بر خاست و تقریبا ساعت هفت ، هفت و نیم صبح بود که خانهٔ بابه ر شید که در دشت ، آنطرف‌تر از فالیز خود ((چپری))زده بود ، رفت.

جوره را تمام مردم قریه به عنوان‌یك‌آدم جنجالی، بدگذاره ولی با غیرت و شجاع می شنا ختند . جوره از دیر ز مان به‌اینطرف (عایشه) د ختر بابه رشید را دو ست‌داشت ودر و قت های خورد سالی که در مدرسه هم سبق بودند ، یکدیگر را می شنا ختند عایشه هم جوره را به نسبت گذشته های دو رش ، به نسبت صفای قلب و با غیرت بودنش ، دوست داشت .

همان روز که جوره بخانهٔ بابه رشیدرفت، احساس عجیبی می‌کرد .درذهنش اندیشه ها وتصوراتی دور می زد . بابه رشید همانروز به اشتراك جوره واو لاد های خود فالیز را لاش کرد . خر بوزه هارا یکطرف و تربوز هارا طرف دیگر ، جدا جدا ماند . نه ده بچهٔ ودختر خورد وبزرگ از قریه آمده ا طراف بابه رشید را گرفته بودند که برایشان‌خربوزه بدهد بابه رشید هم به هرکدام آنها خربوزه وتربوز به اندازهٔ زور شان داد و گفت : ((برین حرام زاده ها !)) همان روز عا یشه هم با آمدن جوره پیراهن گلدار قشنگی پوشیده بود و گاه گاه از زیر چادر گل سیبی اش به جوره دزدیده نگاه میکرد .

ساعت چهار بعد از ظهر بود که بابه‌رشید یك جوال را خر بوزه و تربوز پر کرده به جوره داد که خانهٔ خود ببرد . یکروز که جوره باز هم بمقصداجرای کاری بخانهٔ بابه رشید میرفت ، عایشه را در راه دید که کوزه را بشانه گرفته بود واز چشمه‌آب می ـ آورد . جوره در حالیکه بدنش از خوشحالی زایدالوصفی می لرزید ، خودرا به عا یشه نزدیك کرد و گفت :

ـ ((عایشه ، امروز چطور تنها آ مدی ؟ بابه خانه بود ؟

عایشه دیوانه وار به او می نگریست ولی بزبان حرفی گفته نمی توانست . چشمهایش به جوره مانند یك آ هوی و حشی و ر ا م نشدنی دو خته شده بود . یکبار با علامت تردید سری تکان داد :

ـ((نی، خانه نبود .))

هیجان عجیبی به هر دو دست داده بود . هر دوی شان د لبا ختگان ساده وبی آ لایشی بودند که طرز ابراز احساسات عا شقا نهٔ خودرا نمی فهمیدند . جوره ، بعد ازلحظات زیاد همین قدر بخود جرئت داد که گفت :

ـ عایشه ، می فهمی ؟ خوشم می آ یی ! بیحد خو شم می آئی ! به خاطر همی بودکه چند بار مادر خوده خانهٔ تان روان کدم تاتره طلب کاری کنه !))

عایشه ، گیسوان سیاه و درازش را که پریشان شده‌بود ، می بافت واز زیر چشم باشرم روئی به جوره می نگریست .

یکبار با خجالتی گفت :

ـ((پدرم خو گپ های مادرته قبول کد ، پس چرا معطل استی ؟))

جوره آه درد ناکی از سینهٔ خود کشید وباناله گفت :

ـ ((معطل حاصل استم .))

عایشه در حالیکه به اطراف خود باناراحتی می دید ، گفت :

ـ ـ ((ایستادن ما و تو ده اینجه بیش ازین خوب نیس ، اگه کسی ماره به بینه‌دگه بما چی آبرو می مانه ، ده بین همسایه ها چطور سر بالا کنیم .مخصوصا ار باب قادر که‌به خاطر بچهٔ خود به مه چشم دو خته !))

جوره تکانی خورد ، خشم و نفرت بر فکر واندیشه و روان جوره نسبت به ار باب‌قادر سایهٔ تیره و درد ناکی ا فگند و در حا لیکه دندانهایش را بشدت می‌خائید به عایشه‌گفت:

ـ((تو برو عایشه ا ما مه باز هم‌به‌ارباب قادر ثابت خات کدم .))

ماههای تابستان یکی پس دیگرمیگذشت. یکروز ار باب قادر جوره را بخانهٔ خو د خواست تا از زبان خودش در بارهٔ عا یشه چیزی بشنود . ار باب قادر ازجوره‌پرسید:

ـ((کار های د هقانی خوده چطور کدی جوره ؟))

ـ((یك خر من مانده و بس .))

ـ((به نامزدی خود پول پیداکدی؟ ا گه به کمك احتیاج باشی مه حاضر استم .))

جوره مقصد ار باب را درك کرده با خشم گفت :

ـ((مه به کمك آ دمهائی مثل تو احتیاج ندارم ، مه همیشه از بازوی خود کمك خواستم .))

ار باب با خشم غرید .

ـ گپ خوده برابر عقلت بزن . مره چی شده ؟ ملك وزمین ندارم ، عزت وآبرو ندارم، چی ندارم ؟

جوره ، بازهر خندی گفت :

ـ ملك و زمین ؟ شما همیشه به‌ای چیز های خود می نازین .

ـ چرا نه نازیم ، ملك و زمین وپول هم عقل اس و هم دانائی !

جوره سر خودرا پائین گرفت و چیزی نگفت ، ار باب ادامه داد :

ـ بابه رشید د ختر خوده به بچهٔمه داده، بعد ازین ده بارهٔ او د ختر از د هنت چیزی نشنوم".

جوره دیوانه وار خود را به ارباب نزدیك کردو گفت :

ـ غلط اس ، غلط اس ! او دختر بچهٔ تره نمی گیره.

ـ چرا نمی گیره ؟ مه به زور پول وقدرت او دختره می خرم ، به خاطر تو فهمیدی ؟

جوره در حالیکه بشدت می لرزید با عصبانیت داد زد :

ـ به خاطر مه ؟ خوب ، دیده شوه .

و با خشم از خانهٔ ار باب بر آمد. پس ازان جوره دانست که دشمنی و مخالفت اوبا ارباب قادر هر روز بیشتر شده می ر ود و درك کرد که معطل کردن در کار خود بر مشکلات او می افزاید . لذا باقبول رنجها وتکالیف فراوان به جمع‌آوری حا صلات خود همت گماشت . ار باب قادر هم پس ا زا ن تاریخ بیکار ننشست . یکروز بخانهٔ با به رشید رفت تا دختر او رابه پسر خود خواستگاری کند . گرچه چند بار بطور غیر مستقیم هم بگوش بابهٔ مطلب را رسانده بود .

ـ بابه رشید ، تو می فهمی که تابه‌امروز مه بخانه تو نیامده ام ، ا ما حالا که‌یاد تره کرده آمدیم ، باید که ننگ ما را بجا کده واز خانهٔ خود خوش ر خصت مان کنی .

بابه رشید که قبلا از مخالفت ار باب باجوره خبر داشت و ضمنا بخاطر جوره بدختر او چشم دو خته بود ، خود را به بی خبری زده گفت :

ـ قدمهای تان بالای چشم ، اما مقصدشما را نفهمیدم ار باب صاحب !

ـ مقصد مه روشن اس ، می‌خوا هم پسر مره به فرزندی خود قبول کنی و د ختر‌خوده به او به زنی بتی .

بابه رشید ، لحظه‌ئی بسکوت فرو رفت ، قطرات عرق از پیشانی اش بز مین د ویدن گرفت . ار باب گفت :

ـ گپ مره جواب نگفتی .

ـ دختر مه حالا شوی نمی‌کنه ار باب !

ـ چرا شوی نمی کنه ، دخترکه جوان شد ، باید پشت بخت خود بروه !

ـ ما د ختر خوده بکس دیگری گپ زدیم، حالی چطور می توانیم قول خوده بشکنانیم ؟

ـ خوب ، گپ ای قسم اس ، ولی‌مه باید بفهمم که او شخص کیست .

بابه رشید بانر می و آ هسته گفت :

ـجوره ! ارباب باخشم پرسید :

– جوره بچهٔ بیوه‌ره می گوئی؟ ده‌ای‌قریه جوان های پولدار و ملك دار کم بودکه‌دختر خوده به یك بچهٔ بی سروپا که بیك لقمه‌نان محتاج اس ، می تی ؟

– هر چه هست ، حالا به مادرش قـــول دادیم ، چاره چیس ار باب .

ارباب قادر از شانهٔ بابه رشید گرفت وبا خشونت گفت :

– تو از بچهٔ مه بهتر آدم یافته نمی‌توانی، مه به خاطر یك مطلب است که ای کاره‌می‌کنم واگر نه ... تو باید ا صل گپه بفهمی، گوش کو ! یك لك افغانی پول نقد تو یانه برایت میتم و دگر کمك هم از دستم رسید از تو دریغ نمی‌کنم ، فقط اینقدر کـــه تو ننگ ماره بجا کو .

سپس دستش را از شانه بابه رشیـــد پس کرد واز جا بلند شد که برود . بابـه رشید با التماس دستی به ریش ار باب‌برده گفت :

– ما از بسیار سابق با او بچه و پدرش دوستی داریم ، به او قول دادیم ، و عـــده کردیم ، چطور می توانیم بو عدهٔ خود و فـا نکنیم ؟

ار باب قادر با خشم غرید :

– اگر تو گپ مره قبول نکنی ، مه مجبور استم از را هبای د یگری پیش بیایم. تـــو باید به قدر وعزت خود بدانی ، و گـــرنـــه تازنده باشم نمی مانم که دختر خوده شـــوی بتی . تافر دا آ خرین فکر خوده بکو و بعد به من احوال بته خدا حا فظ !

وقتی ار باب از خانه بر آمد ، بابه‌رشید خودرا در امواج پر تلاطم ا ندیشه‌غرق‌دید. در بارهٔ زور مندی ار باب فکر میکرد ، صداقت ودوستی جوره را پیش چشم خود مجسم‌می‌نمود و زمانی گرفتن یك لك افغانی تو یانه هم او را بسوی خود می کشاند . چـــون بخانه نزد زن خود آمد تامو ضوع را با او در میان بگذارد ، گیج و متحیر بود ، نمی‌دانست کدام راه را انتخاب نماید . ما در عایشه که ا ضطراب فکری و روانی اوراحس کرده بود و بی تابانه در انتظاربود تانتیجهٔ گپ او را با ار باب قادربشنو د ، پرسید :

– خوب ، ار باب قادر چی می گفت ؟

– هی ...! گپ ار باب قادر بسیارکلان‌اس تومی فهمی که جوره ده قریهٔ ما یك بچهٔ بی پروا وسرزور اس وهیچ وقت گپ کـــلان های قومه سر خود نمی مانه ، پدر خدا بیامرز جوره دو قطعه زمین داشت که یـــك قطعـه زمین خـــو ده بـــه همـی ا ر بـــــ اب گرو داده بود .پدر جوره که مرد و جـــوره بامادر و یك برادر خودده خانه ماندند ،درطی چند سال جوره توانست که پیسه گروی‌ره به ار باب بته و زمین خوده بگیره . امااربا‌ب ده وقت تحویل زمین می گفت که زمینه‌ازپدرت خریده‌ام . تااینکه مردم ارباب قادره ملامت کردند و زمین به جوره تعلق گرفت و همی گپ بود که ار باب با او عقده گرفت . حالا که جوره به د ختر ما گپ مانده ار باب‌برضد جوره می خواهد که این مو ضوع ره خراب بسازه و عایشه ره به بچهٔ خود بگیره و....

مادر عایشه که بی تابانه ا نتظار شنیدن بقیهٔ مطالب را می کشید ، جلو حرفها ی شوهرش را گرفت :

– ها ها ! مه هم تااندازه‌نی از زبان‌بعضی ها شنیده ام که مخالفت ار باب با جوره از همی گپ ها پیدا شده ، ما خو به مادرجوره وعده کدیم که پس از جمع شدن حا صـلات موضوع ره یکطرفه می کنیم .

– گپ ماخوهمین طوربود، اما ارباب بسیار بسیار زشت بمن گفت و یاد آوری کد که یك لك افغانی تویانه بشما میتم بشرطی کـه از موضوع جوره بگذرین !

زن بابه رشید باشنیدن این حرفها بل‌بل به او نگریست و در دل زمزمه کرد : ((یك‌لك افغانی !)) و یکبار تغییر اندیشه داده‌باحالتی که د لسوزی اش را نشان میداد گفت .

– ما و شما زورای مردماره نداریم، ارباب راست میگه ، هر کار بکنن می تانن ما باید خوده باآنها ده بلا نیندازیم و هر قسم میشه ار باب قادره از خود خفه نسازیم ، خـــوب فکر خوده بگیر و آینده ره هم پیش نظر خود بیار .

بابه رشید آه درد ناکی کشید و در حالیکه به زن خود با خشم وبی اعتمادی می نگریست گفت :

– جوره در هر جا و به هر کس گفته کـه همو قسم که ار باب قادره در بابت زمین در بین مردم قریه مسخره وبی آبرو سا ختـم، ده موضوع عایشه هم بد نام وبی عزت خواهد سا ختم .

– ای گپ ها جائی ره نمی گیره ، هرکس میدانه که زور ، زوراس و کمزورهم کمزور، آب زور همیشه سر بالا میروه ! ما و شما باید کار خوده بکنیم .

بابه رشید در اثر اصرار زن خود ، چند روزبعد به‌ارباب قادر احوال داد که قناعتش فراهم شده و حاضر است که دختر خود را به‌پسر او به زنی بد هد .

ار باب قادر باشنیدن این خبر که پیام آور پیروزی او به حریف بود ، مبلغ بیست هزار افغانی با مقداری از مواد خو را که و د یگر ضروریات بخانهٔ بابه رشید فرستاد ووعده کرد که بقیه را در شب عروسی می‌پردازد ، بشرط آ نکه مو ضوع را یکباره حل وفصل نماید .

جوره که در آن روز ها مصروف جمع آوری حاصلات خود بود و یك قطعه زمین خود راهم گروکرده‌بود ، از ارسال کردن مصارف‌تویانه وتصمیم بابه رشید اطلاع یافت . پیش از آنکـه تابوت آرزو هـای بـربـاد رفته اش را بگورستان هو س ها و ضابطه های اجتماعی ببرند ، بخانهٔ بابه رشید رفت تا حقیقت را از آنها جویا شود . جوره بخوبی ا حساس‌کرد که روحیه و پیش آمد بابه رشید و زن او طوریست که جوره توقع آنرا نداشت ، گفتار وحرکات آنها به نظرش تصنعی و نفرت‌انگیز آمد . بنابرین مایوس از خانهٔ بابه ر شید برآمد .

گره ها و عقده های دلش در برابرارباب و هر آنچه زور مندان و دوستان فریب کار وفرصت طلب بود ، رو یهم انباشته میشد. یکبار قاطعانه تصمیم گرفت که شب عروسی ویا هر و قت دیگر که فرصت د ست بد هد، ار باب را به جزای اعمالش برساند . لـذا به عشق آ تشین خود که سالها جوانه های آنرا در باغ رویایی دل خود پر ورانیده‌بود، می اندیشید . به فر دا فکر می کرد ، به فردا های دور که اگر خودش نباشد ، بـه استقبال برادر کوچکش می آید ، ســلـول های زندان ، رنجها و آوار گیهای ما درش‌را پیش چشم خود مجسم میکرد . اما امیدوار بود که هنوز یك قطعه زمین دارد که مادر و برادرش می توانند بااستفاده ازان ز نـــده بمانند .

چند روز بعد آن تر تیبات عروسی گرفته شد . مردم قریه بخانه ار باب قادر جمع‌شده بودند . چهره ار باب از دست یازی به عشق آتشین آن دو دلداده و شکست دادن جوره از خوشحالی گل‌گل می شگفت . محفل‌عروسی بر گزار شده بود . عایشه را بر اسپ سوار کرده بودند که بخانهٔ داماد می بردند. یکعده جوانان و هنر مندان محلی آ هنگ((شاه‌بالا)) را با صدای بلند و دلنشین خود پیشاپیش اسپ های داماد و عروس می خواندند ودیگر سوار کاران و پیاده ها از د نبال آنها روان بودند .

همان شب جوره در حالیکه بغض حسـد گلویش را گرفته بود و چشم هایش ا ز ریختاندن اشك حسرت مانند شعله آ تش گشته بود ، کاردی را که در خانه دا شت ، در زیر چپن خود گرفت و به محفل عروسی رفت .

شبی تاریك بود و در روشنـی کـمرنگ اریکین ها و جنب و جوش مردم کسی خوب شناخته نمی شـد ، جـوره ، جهـره یـك آدم انتقام جو و حسود را بخود گرفته‌بود.بدنش بشدت می لرزید واعصابش با نهایت خود خراب و بد بود .

جوره مو قع می پالید که ار باب یاداماد را هدف خود قرار داده شکم شانرا با کارد، بدرد .

مدعوین همچنان باشور و هلهله بسوی خانهٔ ار باب در حرکت بودند ، تااینکه د هن دروازهٔ قلعهٔ ار باب رسیده ایستاده شدند و عروس را هم از اسپ پائین کردند . یکی‌از خویشاوندان ار باب گوسفندی را از د رون قلعه بیرون کشیده پیش روی ا سپ عروس ذبح کرد . ار باب نیز از اسپ پیاده شده در گوشه‌نی ایستاده شد و با غرور و سربلندی صداکرد :

– برین درون قلعه ، همونجه‌بیت بخوانین که زنها هم به بینن . ا مشب ، شب خوشی وشادی اس ، هاهاهاها !!

جوره به نسبت ازدحام مردم خودرابه‌داماد رسانیده نتوانست ا ما ار باب را در گوشه‌نی خلوت‌تر یافت و باسه ضرب کارد در تاریکی شب‌شکمش را پاره کرد ! واز صحنه فـرار نمود . درین و قت صدای هیبت ناکی بگوش مردم رسید !

– آخ...خ بگیرین که مره کشت !!

اطرافیانش با عجله بسوی آواز شتا فتند. نعش ار باب مانند کوهی بزمین ا فتاده بود. او را از زمین بالاکرده بدرون قلعه بردند ، ولی در نیمه های شب در گذشت.

ارباب در آ خرین د قایق عمرش که بـــه سختی نفس می کشید ، و لبهایش خشك شده‌بود وبه گپ زدن پیش نمی آمد گفت :

– جو ....ره... بود ! جوره ...

و فر دای آن جوره را به جرم قتل، بـــه زندان بردند ! (پایان)

در کشور های مترقی همه وسایل برای اطفال آماده ومهیا می باشد

به‌ارتباط سیمینار حقوق طفل

اطفال به‌حقوق اساسی شان نایل می شوند

... از آنجائیکه دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بنابر ماهیت مترقی و مردمی اش تامین همه حقوق انسانی رابرای هرفرد کشور ارزومند است در مورد تحقق وتامین حقوق اطفال نه تنها ابراز پشتیبانی صادقانه‌نموده بلکه تعهد سپرده و می سپارد ۰

خوانندگان گرامی آگاه‌اند که بنابربی خبری وبی دانشی یك تعداد کثیر مردم در کشور های رو به انکشاف منجمله در افغا نستان‌و نظربه عقب ماندگی و معضلات اقتصادی و اجتماعی درین جوامع ، تحقق حقوق اساسی اطفال که‌به آن اشاره شد در برخی از موارد بامقاومت هاو برخورد هائی مواجه میشود که بدینو سیله اطفال این کشور ها بعضا بـــه مقایسه کشور های انکشاف یافته و مترقی از رسیدن به حقوق‌اساسی شان دور می‌مانند ولی نظام های مترقی‌حتی در جوامع عقب مانده نیز نظر به توجه خاصی که‌به اطفال وآینده شان دارند زمینه‌تامین اهداف مذکور تاحد زیادی مساعد ساخته میشود ۰ علاوتا درك واحساس آگاهانه و ضرورت موضوع به‌کشور های فقیر وعقب مانده نیز اجازه نمیدهدتامنبع و ظرفیت بزرگ انسانی را که اطفال سنین پائین تراز چهارده سالگی شان تشکیل‌میدهد نادیده بگیرند ، زیرا ممالك روبه انکشاف بنبر خصوصیات دمو گرافیکی و اقتصادی واجتماعی که دارند دارای نفوس جوان بوده واطفال سنین پائینتر از چهارده سالگی‌آنها بین ٤٠ تا ٤٥ در صد مجموع نفوس شانرا تشکیل داده که بایست مورد هر نوع توجه قرار گیرند ، گذشته از آن همین اطفال امروز اند که بعد از سپری شدن مدت زمانی‌نیروی کارو قوای بشری وتولید کنندگان نعم مادی کشور را تشکیل میدهند ۰

چـون اطفال دارایی و سرمایه گـرانقیمـت بوده و جوانان و چشم‌امید آینده کشورمیباشد مواظبت وپرورش آنها از جمله مسوولیت‌های مهم ما میباشد ۰ به تاسی ازین امر جمهوری دمو کراتیك افغا نستان در سالهای اخیرو پس از انقلاب ثور خاصتا دردوران استقرار مرحله نوین وتکاملی آن تدابیر و معیار های مختلفه قانونی واجرائیوی رادر جهت بلندبردن سطح زندگی اطفال و خانواده هائیکه به آنها ارتباط داشته تغذیه و پرورش میشوند ، رویدست گرفته کـه با تطبیـق آن تـوقـع میرود این گروه عظیم انسانی به حقوق و ضرورت لازمه زندگی نایل گردند ۰

احکام اصول اساسی جمهوری دمو کراتیك افغا نستان ، مندرجات رهنمود هاو شاخص های پلان های انکشافی ، فرامین و مقررات ولوایح متعدد و متنوع در بخش های مختلفه حیات‌اقتصادی واجتماعی به وضاحت علاقه‌مندی و دلچسپی د و لـت و مقـامـات مسوول دولتی وحزبی رابه‌اطفال کشور منعکس‌میسازد برخی ازاین‌قوانین ومقررات در بعضی ازساحات درمعرض تطبیق واز مایش قرار گرفته اندتابه ملاحظه آن ضروریات اطفال مبرهن شده و اصلاحات وبهبودهائی درزمینه تطبیق آن‌رونما شود ۰

ماده (٢٦) اصول‌اساسی جمهوری دمو کرا- تیك افغانستان در زمینه اطفال وخانواده های طفال کشور چنین حکم میکند : (فامیل ،مادر ،طفل تحت حمایت خاص دولت قرار میگیرد)۰

علاوتا ماده (٢٩) اصول اساسی حـــق اموزش ، تامین صحت ، کار و غیره ضروریات ولیه طفل و خانواده آنرا تضمین میکند ۰

احکام اصول اساسی وسایر قوانین دولت و قوانین و فرایض دینی پیرامون طفل توسط برخی از فرامین شورای انقلابی جمهوری مو کراتیك افغا نستان که در عرصه هـــای ختلفه اقتصادی‌و اجتماعی صادر ونافذگردیده جددا تاکید شده است ، طور مثال احکام فرمان شماره (٢٦) شورای انقلابی تعلیمات

نوعی از بازی های سالم برای کودکان

اجباری ومجانی ابتدائی وتحقق این ارمان‌رابرای کلیه اطفال کشور تاکید می کند .

همچنان فرمان (۲۸) پالیسی دولت را پیرامون مجادله علیه بیسوادی و محو کامل بی سوادی ذکور و اناث کشور منعکس میسازد که تامین آن در در ازمدت بهبود واصلاحات قابل ملاحظه ای رادر حیات اقتصادی واجتماعی انسان های این مرز وبوم تضمین میکند . علاوتا برای جلو گیری از کار اطفال ونشوو نمای لازم شان وبه خاطر سوق دادن بیشتر اطفال به موسسات تعلیمی در لوایح وقوانین مربوط به کارو کارگر کشور در موسسات و ادارات رسمی تولیدی برای اطفال سنین پائینتراز ۱۵ سال ودر فعالیت های خدماتی برای اطفال سنین پائنتر از ۱۸ ساله اجازه کار داده نشده است .

باوجود یکه تاحال مجموعه پالیسی منسجم و تطبیقی اطفال کشورتهیه و تدوین نگردیده، مطالب و مثال های ذکر شده بالا میرساندکه اجزا و عوامل طرح چنین پالیسی به صورت

در کشور های مترقی اطفال از همه مزایایی زندگی انسانی بهرمند اند .

پراگنده در لابلای مواد قوانین و فرامین ولوایح ومقررات دولت موجود است که با استفاده از آن میتوان در طرح پالیسی وپروگرام های انکشاف اجتماعی اطفال مبادرت ورزید .

پایه گذاری و تامین رشدو انکشاف همه جانبه و مطلوب اقتصادی و اجتماعی وبلند بردن سطح زندگی وترقی وتکامل اجتماعی توده های ملیونی کشور منجمله اطفال ماکه از سالیان متمادی تحت سلطه نظام فیودالی قرار داشته مستلزم کارو پیکار خستگی ناپذیرو متداوم کلیه مردم زحمتکش وروشنفکر ومترقی افغا نستان بوده و ایجاب بکار برد سیاست هاوشیوه هاو معیار های قانونمند و آزموده شده اقتصادی و اجتماعی را می نماید. بعد از انقلاب ثور خاصتا پس از استقرار مرحله نوین وتکاملی آن سیاست واستراتیژی انکشاف اقتصادی و اجتماعی بر پایه های جهان بینی مترقی واصول و متود های نوین استوار گردیده که در دراز مدت رفاه مادی ومعنوی مردم کشور را تضمین میکند .

برای رفع سریع عقب ماندگی های دیرینه اقتصادی واجتماعی این میراث رژیم های فرتوت گذشته وبه خاطر ترقی اجتماعی وارتقای سطح زندگی مردم رنجدیده کشور کلیه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بادر نظر داشت شرایط وامکانات مالی ومادی در چوکات پلان های علمی تنظیم شده است . برمبنای اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان و مطابق پالیسی های حزب ودولت قدامت هاو و اولیت ها ، پلان ها بر وفق موازین ومنافع‌ملی تشخیص شده وازمنابع‌مالی وقوای بشری داخلی و مساعدت های مالی و تخنیکی خارجی استفاده معقول و مطلوب بعمل می‌آید.

پلانگذاری در کشور مابه مثابه وسیله‌و اساس نیل به اهداف بزرگ جمهوری دمو ـ کراتیک افغا نستان به منظور محو کامل عقب ماندگی اقتصادی و تحقق تحولات ودگر گونی های مترقی اجتماعی وارتقا ی سطح زندگی مردم واعمار جامعه نوین تلقی گردیده وهدف عمده آن انکشاف همه جانبه و معقول تمام رشته های اقتصای و اجتماعی به منظور تامین وارضای هر چه کاملتر نیاز مند یهای مادی ومعنوی مردم ما میباشد .

باقیدارد

از: رؤف راصع

به مناسبت بر گزا ر ی سیمینار طفل و قانو ن

فریاد کودک ،فریاد خفه شده زمان ما

مسا له تعمیم حقو ق کو د ك ، به آنگو نه که این سازنـد گا ن فر دای جوامع انسا نی ، ازمجموعه مزایا ی انسا نی بر خور دا رباشند ودر شرایطی نا هنجا ر از نظـر صحی ، فر هنگی و اجتما عی با ر آیند و بز رگ شو ند ، مسا لـهٔ بزرگ قر ن ماست ، مسا له یی که دشوار ی ها یی فراوا ن رادر روبرو دارد و این‌دشوار ی ها متو جـه کشور ها یی است که در ردیـف عقب نگهدا شته شده ها به شما ر می آیند و شرایط و ضوابط ناهنجار ونا بسا ما ن اقتصا د ی وسیا سی‌و فر هنگی پسمانی های چشمگیر ی را در رو ند تکا ملی ز ندگی‌اجتماعی شما ن بار آو رد ه است .

کشور های عقب نگهدا شته شد ه های فراوانی چـا ر چوب تنگـك و ا خـتـنـا ق آ و ر ضوابط غیر انسا نی سالا ر منشی زیسته وبه این تر تیب با تسلط سیاست های : همه چیز در خد مت یـك اقلیت‌وبر ضد تما می رنجبر ا ن و توده های میلیو نی ، از سو یـی بیمار ی و بیکار ی و بیسوا د ی‌در میا ن شا ن ر خنه کرد ه و ازسوی دیگر تما م نیرو ها ی تو لیـد کنند ه ز حمت کشی در فقرو مرض در گیر شده اند ، طبیعی مینماید که این مصا یب خاص بز رگسالان نماند ه ودر سرنو شت کود کا ن نیز تاثیر سوء میگذارد .

نگر شی به خصو صیت ها و ویژ گی های کود ك جا معه ما درچند دهه اخیر بیانگر این واقعیت تلخ است که مر گ زود رس و تـا پیش از سن مکتب به پیما نـه بسیار و سیع در میا ن اطفا ل‌شیوع داشته و این فا جعه بحد ی‌وسعت یافته است که تو ما ر زندگی چهار کود ك از هر نه کود ك را برچیده است.

از سو ی دیگر فقر و نا دا ر ی دریك پهنا ی گستر د ه ملی ، عدم مو جودیت یك رو ش در سـت در تقسیم و تو زیع خد ما ت تعلیم وتربیه و مو جودیت سیستـم انحصار ی فر هنگی مو جب گشتـه است که یا برا ی بیشتر ین گرو ه کود کا ن درسن مکتب ، شر ایـط شمو ل به مدرسه مهیا نبا شد ویا خانوا ده به خاطر نیاز شد یـد اقتصا د ی و عد م توانا یی به اداره امور اقتصا د ی خانوا د ه ، حتی‌در ناز ل ترین سطح ممکن آ ن،ناگزیر گردد که کود کا ن را به پیشه ور ی وآموزش یك حر فه تشویق کند تا در سواد آموز ی برا ی اوتلا شـ داشته باشد که به این تر تیب آینده طفل با نابسا مانی های فراوا ن به همرا ه گردید ه و هم همه روزن های نو ید بخشس برای آینده بهتر بروی جامعه مسدود گردیده بود.

تحمیل کار های دشوار وبالا تر از توا ن جسمی کود کا ن نیز که امر ی است تاثر انگیز وزاد ه‌فقر در شرایط نا هنجا ر ی از این‌مانند به فراوا نی دید ه میشودوسلا متی کود ك را از همان سا ل ها ی نخست ز ندگی و بعد از آن لطمه فراوا ن میز ند .

این ها و ده ها مورد دیگـر بسا ن اینها سخن های نگفته و به زبان نیا مده کود ك دو ران ماست

بقیه درصفحه۵۲

کنگره جهانی زنان
مساوات آزادی ملی صلح

زنان مترقی سراسر جهان برای استقبال ازیك رویداد بزرگ یعنی کنگرس جهانی زنان که از تاریخ ۸-۱۳ اکتوبر سال ۱۹۸۱ در پراگ مرکز چکوسلوا کیا کشایش خواهد یافت آمادگی میگیرد . این کنگرس به ابتکار فدراسیون بین المللی زنان درجلسهٔ بیروی فدراسیون دموکراتیك بین المللی زنان که از ۹ الی ۱۱ اپریل سال ۱۹۸۰ در برلین سازمان یافته است . در جلسه تصمیم گرفته شد تاکنگره تحت‌شعار (برابری) استقلال ملی وموسسات اختصاصی آن .

در جریان کنگرس سخنرانی های در بارهٔ موفقیت های زنان در کشور های سوسیالیستی مبارزهٔ زنان در کشورهای سرمایه داری پروبلم های زنان‌کشور های درحال رشد وکشور های نوبه استقلال رسیده وهمچنان سخنرانی های از جانب زنان کشور هاییکه علیه استعمار و بخاطر استقلال ملی میرزمند ایراد خواهندشد. توده های و سیع زنان در امر تدارك کنگرس سهم میگیرند . در عدهٔ از کشور ها کمیته‌های سرمایه داری بخصوص نیمهٔ اول دههٔ زن در ارتباط بابحران اقتصادی دایر خواهد شد .

در کشور ماهم بخاطر آمادگی برای این کنگرس کمیته ملی تاسیس یافته که بخش اطلاعات درمورد کنگرس ـ دایر نمودن سیمینار ها ـ لکچرها وملاقاتها در ارتباط با اهداف ووظایف این کنگرس جهانی را بدوش خواهند داشت .

فدراسیون دموکراتیك بین المللی زنان ا ز نخستین روز های موجودیت خود بخاطر حل واقداماتی رادر عملی نمودن آن اتخاذ نموده است .

در نوامبر سال ۱۹٤٥ در کنگرس بین‌المللی زنان در پاریس ۸٥۰ نماینده زنان جهان که در جریان جنگ دوم جهانی بر ضد فاشیزم مبارزه مینمودند گردهم آمدند .

در سال ۱۹٤۸ دومین کنگرس جهانی که مانیفست دفاع از صلح را تصویب نموده در بوداپست دایر گردید .

طرح قطعنامه های ملل متحد مانند اعلامیه محو تبعیض درمیان زنان در سال ۱۹٦۷ و قطعنامه که درسی وچارمین اجلاس عمومی ملل متحد در سال ۱۹۷۹ در مورد محو تبعیض به ابتکار فدراسیون به تصویب رسید .

همبستگی باخلقهای جهان که بخاطراستقلال ملی میرزمند همیشه مقام ارزنده یی در فعالیت فدراسیون دارد . مانند کمپاین جهانی بر ضد جنگ امپریالیزم فرانسه در هندو چین کمپاین

جاویدان باد همبستگی همه خلقهای جهان

وصلح تدویر یابد . هدف کنگره سر تاسری زنان در (پیام به زنان جهان) در جلسهٔ بیروی فدراسیون تائید گردید در ین پیام گفته‌میشود به تشدید فعالیت سازمانهای ملی زنان تحکیم وتوسعهٔ نفوذ آنها وهمچنان توسعه همکاری بانیرو های‌که درراه حقوق زنان مبارزه مینماید باید مساعدت شود .

در کار کنگره یکهزار نماینده و مهمان ا ز تمام کشور های جهان اشتراك خواهند کرد . در جلسات کمیسونها وپلینوم ها مسایل ذیل مورد بحث قرار خواهند گرفت .

مبارزه زنان درراه صلح وخلع سلاح

زنان و مبارزه برای استقلال ملی ومترقی

تساوی حقوق زنان در جامعه

مسایل زنان زحمتکش ازآنجمله زنان دهقان زن وخانواده .

همکاری سازمانهای زنان باموسسه ملل‌متحد ملی تاسیس میشود که اساس فعالیت ایشان استوار بمرام فدراسیون میباشد .

مرام در سال ۱۹۸۰ در کوپن هاگن در کنفرانس سرتاسری در چوکات دهه زنان به تصویب رسیده بود . کنگرس جهانی زنان به دموکراتیك ترین شیوه ای آماده میگردد. مواد تهیه شده برای کنگرس در اجلاسیه های گروپ کار که در ترکیب آنها نمایندگان اکثر سازمانهای بین المللی وملی اشتراك دارند . مورد شورو بحث قرار میگیرد. گروپ های کار در قاره های مختلف تشکیل گردیده اند تا پروبلمهای زنان در سراسر جهان را بتواند انعکاس بدهند.

جلسهٔ گروپ های کار در دهلی تحت شعار (زنان جهان در مبارزه بخاطر صلح و بر ضد مسابقات تسلیحاتی) درلزبن وزحمتکشی زن ونابسامانی وضع آن در کشور های پیشرفته پرابلم ها ی اجتماعی زنان ـ کارگران زن دهقانان زن ـ روشنفکران وکارمندان زن همه جانبه مبارزه نموده وآنانرا در مبارزه بخاطر تامین حقوق مساوی در فامیل وزندگی سیاسی اجتماعی وکلتوری در جامعه در صفوف خود فشرده تر ومتحد سازمان داده است . همین اکنون در سراسر جهان اشتراك زنان درساحات مختلف زندگی اجتماعی واقتصادی کشور ها توسعه میابد .

یك برسه ارزش های مادی و معنوی توسط دست های زنان تولید وایجاد میگردند .

مبارزهٔ زنان بخاطر دفاع از حقوق ایشان روزبروز فشرده‌تر میگرددر نتیجه‌این‌مبارزات پیگیر در ده سال اخیر زنان جهان به موفقیت های چشمگیر وشایانی ازدفاع ازحقوق سیاسی خویش نایل آمده اند ملل متحد قطعنامه های رادرجهت تامین حقوق مساوی آنان تصویب برضد مداخله نظامی امپریالیزم امریکادرکوریا اعزام هیئت ها از طرف فدراسیون در اردوگاه های آواره گان فلسطین و در مناطق اشغالی اسرائیل وگذاشتن اطلاعات حاصله در اختیار افکار عامه جهان وملل متحد .

ـ کمك مادی ومعنوی به زنان و اطفال در مبارزات خلق ویتنام برضد تجاوز ایالات متحده امریکا .

ـ تدویر و تنظیم سیمینار بین المللی در در سال ۱۹۷٤ تحت عنوان (زنان جهان درمبارزه به خاطرصلح متحد انه) در سال ۱۹۷٦ تحت عنوان (زنا ن وخلع سلاح همه جانبه) نتیجهٔ فعالیت مثمر فدراسیون دموکراتیك بین المللی زنان میباشد.

سازمان ملل متحد طبق ابتکار فدراسیون دموکراتیك بین‌المللی زنان سال ۱۹۷٥ رابحیث

سال زن اعلام داشت که هدف آن جلب توجهٔ جامعهٔ جهانی حکومات وملل متحد درموردپروبلم هاووضع زنان در جهان معاصر بود .

شعار این سال (برابری - ترقی وصلح) بود در جریان سال زن در سطح بین المللی دواقدام بزرگ صورت گرفت .

که اولی آن کنفرانس جهانی ملل متحد در مکسیکو درماه های جون ودومی آن کنفرانس جهانی در ارتباط با کنگرس بین المللی زنان در برلین (۲-۲٤) اکتوبر بود .

فدراسیون دمو کراتیك بین المللی زنان‌در سال ۱۹۷۵ بخاطر خدمات شایان در مبارزه بخاطر صلح پایدار تشنج زدائی بین المللی به‌دریافت مدال‌طلایی - صلح بنام ژولی‌کیوری مفتخر گردید .

در سال ۱۹۸۰ بمنظور ارزیابی نتایج تطبیق طرح در پنج سال گذشته کنفرانس جهانی ملل متحد در کوپن هاگن بتاریخ ۱٤ -۳۰ جولای دایر گردید .

درسپتمبر ۱۹۷۹ کنفرانس بین المللی دفاع از صلح وآیندهٔ در خشان و خوشبخت برای همهٔ اطفال به افتخار سال جهانی طفل دایر گردید وتوجهٔ حکومات اکثر کشور هارا به ضروریات اطفال جلب نمود و مورد دلچسپی اجتماع جهانی قرار گرفت .

با وجود این در کشور های کپیتالیستی تا بحال تبعیض در مورد زنان در کلیه ساحات حیات اجتماعی موجود است .

فرق بزرگ وتفاوت چشمگیر بین دستمزد زنان ومردان وجود دارد زنان اولین قربانی های مرض بیکاری اند .

از جمله ۸۰۰ ملیون بیسواد در سراسر جهان ٦۰ فیصد آنرا زنان تشکیل میدهند .

اطفال نیز در اکثر کشور هادر فقرو خیمی قرار دارند - گرسنگی - فقر- مرض‌وفیات دوران طفولیت ملیون ها اطفال را تهدید مینماید .

در کشور های کپیتالیستی بیشتر از صد ملیون طفل بین سنین ٤- ۱۱سالگی به‌مکتب نمی روند . به اساس ابتکار فدراسیون بشریت مترقی‌در سراسرجهان روز بین‌المللی دفاع از اطفال را تجلیل مینمایند .

بدینوسیله تصمیم خلل ناپذیر خودرادر مبارزه بخاطر بهتر ساختن شرایط زندگی اطفال در سراسر جهان بیان میدارند .

موضع گیری فعال فدراسیون دمو کراتیك بین المللی زنان در مبارزه بخاطر حقوق زنو طفل موجب توسعه وگسترش اعتبارو محبوبیت فدراسیون گردیده وگروه های تازه ئی از جامعه مترقی زنان به صفوف آن می‌پیوندند .

فعلا فدراسیون دمو کراتیك بین المللی زنان ۱۲۹سازمان از۱۱٤کشورهای‌سوسیالیستی وکپیتالیستی در حال رشد را در صفوف خویش متحد ساخته‌وبه‌این‌ترتیب بطور واقعی یك سازمان بین المللی محسوب میگردد .

کنگرس جهانی زنان در پراگ به بخش انفکاك ناپذیر جنبش بزرگ جهانی در دفاع از صلح و خلع سلاح مبدل خواهد گردید و کمك خواهد نمود تا زنان جهان متحدانه‌و فعالانه در مبارزه بر ضد جنگ بخاطر استقلال ملی و حقوق سیاسی - اقتصادی و اجتماعی زنان سازمان یابند .

آزادی زن آزادی انسان است

دراین او اخر تصمیم اتخاذ شد که مسابقه ساختن مجسمه یادوبودزن آزادهٔ خاور شوروی در تا شکند مرکز از بکستان اتحاد جماهیر شوروی برپاگردد درین مسابقه پیکر تراشان ماهر تاشکندی اشتراك نمودند که درنتیجه لیونید ایا بتسف وولاد یمیر لونف برنده شناخته شدند،آنهاموفق شدند سیمای وهیکل دل انگیز زن ممتاز وشایسته ازیك راکه بهره منداز همه زیبایی ها، فهم وشعورعالی و احساس شایسته است ترسیم نماید که پیکر- تراش توانسته واقعا همان طوریکه لازم است تقدیم کننده سمبول یك چنین انسان شایسته وواقعی باشد .

مجسمه یادوبودزن آزاده خاورشوروی درتاشکند

بی مورد نخواهد بود تا در باره شخصیت انسانی زن در اتحاد جماهیر شوروی به وژه بعدز انقلاب کبیر اکتوبر گزارش مختصر غرض آگاهی خوانندگان صفحه زن ارائه‌گردد .

درسال ۱۹۱۷ انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر در روسیه به پیروزی رسید ، یکی از پراهمیت ترین دست آورد های قدرت‌شوراها تامین واقعی تساوی حقوق زن با مرداست.

قانون اساسی شوروی در تمام شئون زندگی ضامن برابری حقوق زنان بامردان است زنان درکسب تحصیل وانتخاب شغل از همان حقوقی مستفید اندکه مردان می‌توانند استفاده برند . آنها در بدل کار بامردان دستمزد مساوی میگرندواز امکانات یکسان‌ترفیع،تقاعدو غیره بر خوردار اند .

کار زن ودر قدم اول زحمت وی به حیث مادر توسط قوانین خاص حمایه میشود .

قانون اساسی تامین کننده مساوات کامل حقوق زن و مرد در انتخاب همسر و تشکیل خانواده است ، نیل زنان به تساوی واقعی حقوق شان با مردان ، در زندگی اجتماعی واستقلال اقتصادی زن از مرد ، در نقش و موقعیت وی در خانواده‌اثر بسزایی واردنموده است .

ازدواج از قید معامله گری مالی و دیگر خواهشات خود خواهانه آزاد وبه موصلت قلب‌ها،مبدل شده‌است. مناسبات‌فامیلی واقعاء دمو کراتیك جای مناسبات قبلی را پر نمود باکسب اطمینان کامل اهمیت اجتماعی،نیرو واستعداد خلاقانه زن نه تنها در جامعه بلکه در فامیل نیز مورد احترام قرار گرفت احترامش نزد شوهر واطفال فزونی گرفت. نقش زن در تربیه اطفال و پرورش موازین عالی اخلاقی در نسل جوان عظیم وخارق العاده گردید ،خانواده و مادر در اتحاد شوروی از پشتیبانی مادی و معنوی‌وهمکاری های‌همه‌جانبه دولت واجتماع انسانی برخوردار اند .

زن شوروی هما نطوریکه درین پیکره‌رساو زیبا مشاهده می‌کنید در جدیت وفعالیت خود نسبت به امور اجتماعی ممتاز است فعالیت‌وی تنها در پیشبرد امور منزل محدود نمانده بلکه در تمام شئون سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ودر مجموع‌همهٔامور کشوری اشتراك می‌ورزد. زنان همراه ودوشا دوش مردان در ساختمان جامعه واقعاء عادلانه و تشکیل‌زندگی نوین حصه مگیرند در اتحاد شوروی « مواظبت همه برای یهبود هر کدام وتوجه هر کس نسبت به خوشبختی همگانی آئین زندگی را تشکیل میدهد .»

рис. Никифорова В.

شا عر ی بز رگ از کشـــو رشورا ها

استاد میرزا ترسون‌زاده

شاعر محبت و دوستی

مبارز بزرگ راه صلح و قهرمان کارهای سوسیالستی

به مناسبت هفتاد مین ز اد روزسخنسرا ی بز رگ و محبو ب‌خلق تاجیك در سر تا سر کشـــو رپهنا و ر و فر هنگ پرور اتحا د جما هیر شورو ی و کشور هـا ی‌متر قی جها ن کنفر انس هاومحفل ها ی اد بی و شعر خوانی دایر می‌گردد ، و در این محافل پر شکو ه اشعا ر شا عر و اشعار شعرایی که در وصف شا عر سرود ه انـــد خواند ه میشود و خاطرا ت هـــم‌سفرا ن شا عر در سر تا ســـر جها ن و دوستا ن هم قلم آن به‌نشرمیرسد .

در سپتمبر سا ل جار ی در شهرهای دو شنبه و ماسکو کنفرانس بزرگی باین مناسبت دایر میگردد که‌در آ ن سخنسرایا ن و دانشمندا ن نا مدا ر ی از کشور های جهـــا ن‌اشترا ك میکنند و از آ ن شا عـــر پرشور و حماسه آفرین یا د مـــی‌نمایند .

مجله ز یبا ی ژوندو ن که‌معروف‌ترین مجلهٔ جمهور ی دمو کرا تیك افغا نستا ن د ا شـــت صفـحاتـــی ا بـــه منا سبـــت ا یـــن زاد روز زاد روز استاد میرزا تر سو ن‌زاده‌شا عر مبارز خلق تا جیك‌بدست آورد ه‌است و اینك به پاس‌خد مات‌بزرگ فر هنگی و اد بی استـــا د وعلاقه بز رگ و دو ستی بـــی‌پایا نی که شا عر به خلـــــق افغا نستا ن دا شـــت صفاتـــی‌رابـــه منا سبت ا یـــن ز ا د روز تخصیص داد ه است و ما گلهـای‌سر خی از گلستا ن جا و دان‌رنگین کا ر و ان خو ا ننـــد گـــا ن ار جمند ژ و نـــد و ن بـــا اشعار وشگو فا ن آ ن شا عر توا نا وگا ن‌ار جمند ژو ندو ن با اشعا ر این شا عر انقلا بی بیشتر آشناگردند و لحظا تی را با افکا ر و اشعا ر او که پر از محبت ، وطن‌پرستی و انسا ن دو ستی می‌باشد بگذ رانند .

دکتور ابهر

شاعر

شاعرا ، از سو ختن دا ر ی‌خبر،
پس مکن‌از آتش سو زا ن حـذر ،
سو ختن پو لا د و آ هـــن‌آفرد ،
از شرار ی تـازه گلخـــن آو رد .
پر حرار ت گر نمیشـــــدآفتا ب ،
زندگـی‌میگشت از سر ما خـرا ب ،
بی حرار ت سنگ بود و دل‌نبود ،
دلکشاوپر صفا منز ل نبـــو د .
بی حرار ت نه د میـــدن‌بودرسم ،
نه شگفتن، نه رسیـــد ن بود رسم .
بی حرار ت در لبا نت خند ه‌نیست
خنـــد ۀچو ن مشعل تابند ه نیست
شاعرا ، از سو ختن هر گزمنا ل ،
سو ختن‌را دوست میدارد و صا ل ،
تا نسوز ی سا ختن مشکـــل‌بود ،
دل بجانا ن با ختن مشکل بـــود .
شعر هم با ید ز ند فـوار ه‌ای ،
از تگ‌دل مثل آ تشپـار ه ا ی .
سر زند از د ل بد ل کار ی‌کند ،
نر متـــرسنگین د ل یار ی کنـــد .
یار دارند که چه با شد سوختـــن ،
در وفادار ی سبق آمو ختـــــن .
شاعرا ، از سو ختن دا ر ی‌خبر،
پس مکن‌از آتش سو زا ن حـذ ر .

ترانه عشق

شا عر بی عشق مر غ بـــی‌پرست ،
بی حرا ر ت‌ماه و بیجا ن پیکر اســـت .
شاعرا ن را عشق حا تـــم‌میکند ،
سـربلند رو ی عا لم میکنـــد.
عشق شا عر را به جنبشـ‌آورد .
در ســـرمیدا ن سنجشـ آو ر د .
قطره ا ی خوا هی اگر ، دریادهد ،
گو شه ای‌خوا هی اگر ، دنیا دهـــد .
گر نماید یار یك نظاره‌ای،
شا عر آ رد ازفلـك سیاره ای .
یار اگر گو ید با آتشس ز ن ،زند ،
چا ه باسر کن ، اگر گو ید کنـــد.
گر نو زاد غنچهٔ خنـــدا ن‌شود ،
گـــر بجنگد طفلك گر یا ن شو د .

تصحیح ضروری :ـ باعرض معذرت در قسمت بالای همین‌صفحه اشتباه طباعتی صورت‌گرفته‌است که ذیلا تصحیح می گردد : به عـوض سطر(٦)اینطورخوانده شود: (افغانستان‌است وافتخار اولین نشرات رابمناسبت‌هفتادمین). همچنان سطر (۱۳) قبل ازسطر (۱۲) وچنین خـوانـده شـود : (وشگوفان آن شاعـــر توانا وزبردست‌چیده‌ایم‌تاهمسفران). به‌همین ترتیب درآخرسطر(۱۸)ستون(۳)صفحه (۲۵)کلمهٔ(که سده) اضافه شود .

غمز ه ا ی که دلبر طنـــا زکرد ،
شاعران‌را بند ه در شیرا ز کـر د .
خا ل هندو ملك دلهـــا ر اگرفت ،
هم سمـرقند و بخارا را گر فـــت ،
ما که از شیرا ز یا ن کـــم‌نیستیم
درسخاو ت‌کمبعل هـــــم نیستیـــم .
هرچه خواهد یار ا نعا مـش‌کنیم ،
جا ن ودل را صد قهٔ نا مش کنیم .
یار ما ار زند هٔ دنیا شـــدست ،
بو د زیباباز هم زیبا شـــد ست .
یك نظر کن مو ی بین ورو ی‌بین ،
گو ش‌کن معنی گفت و گو ی بیـن.
نا زنین گو یی اگر گـــل‌میکند ،
بو سه‌ده گو یـــی تحمل میکنـد .
در تکلم در تبسم یـــا راوست ،
د رمحبت حاکم مختا ر او ست .
نه کسی او را فرو شد ، نـه‌خرد ،
نـــه‌بزو ر ی نه بز ر او رابرد .
چو ن فر آید از سر کـــو ه‌بلند
شا د ی‌واد ی نشین گردد دو چند .
چو ن فرا ید آیـد آو از ا در ه ،
عکســ‌خود رابین در آب شر شر ه.
قا متت گو ید که زیبا یـــی‌منم ،
چشـــم تو گوید که دانا یی منـم .
شهـر ت آزا د ی ز ن د ر منست
نور دانش‌قدر ت فـــن در منســت .
هستیش صبح شب تا ریك‌شد ،
داستا ن‌شا عـــر تا جیك شـــد .
یار ما و د لبر شیـــر ا زیان ،
فر ق آن‌از این ـ ز مین و آسمـا ن ،
چشم آ ن تر سد شعا ع‌بر ق‌را ،
رو ی‌این‌رو شـــن نماید شر ق ر ا .
هد یه آر م من به او دو قطعه‌را ،
قطعـه‌های آسیا ، افر یقـــه ر ا
بخشمش دو قطعه مشهو ررا ،
قطعـه‌های سر کش و مغـــرور را.
قطعه ها ییرا که خو نهـــاریخته ،
خا ك‌های دشمنـــا ن را بیخته .
قطعه ها ییرا که عصیـــا ن‌میکنند ،
ظلـــم‌را با خا ك یکسا ن میکنند .
قطعه ها ییرا که مثـــــل‌آفتاب ،
سربر آور دند از زیر سحا ب .
دختر تا جیك ای امیـــــدگل ،
تحفه‌ما را نما لطفا قبـــو ل .

• • •

ترانهٔ رو د

رود کو هی تو سرا یی‌بهوا ی د ل مـــن ،
جور ساز ی نفست ر ا به‌صـــدا ی د ل من .
شور در سینه نها ن ،رقص‌کنـــا ن می گذ ر ی ،
اگه هستی مگر از درد ودوایـی دل مـــن ؟

• • •

تو هما ن چشمه که جوشید ه و فوار ه شدی ،
اشك شفا فترین جگر خـاره شـــد ی .
چشمه درکوه بدی جـوی‌شدی، رود شدی ،
نور چشما ن من و دید هٔ نظـــا ر ه شـــد ی

• • •

فرزند تو می آید

کسا آغوش مهر انگیز خود را ای دیار مـــن ،
تو ای گهوار هٔ اجـــدا دهای نا مدا ر مـــن ،
زمین و با غها ی پـــــرصفا ی لاله زار مـــن ،
دها ت و شهر ها ی پرزشا ن و افتخا ر مـن
که سو یت میهما ن‌گردیده‌فر زند تو می آیـد .

• • •

هما ن طفلی که با صد نازونعمت پرو ریدی تو ،
همان طفلی که از بهـــرسعا دت آفر یدی تو ،
همان طفلی که آ ن را د ربهای جا ن خرید ی تو،
هما ن طفلی که بود هـــم‌آرزو و هم امید تـو ،
بزرگ و قهر ما ن گردیده فر زند تو می آیـد

• • •

دلاو رآن پسر روز ی کـه‌مردا نه به میدا ن ر فـت،
بقصد دشمن غدار رفت برضد فا شیستان رفـت
بمثل آتش قهر و غضب‌از تا جکستا ن ر فـــت ،
چه فر زند و فا دا ر وطن‌با عهد و پیما ن ر فـت ،
وطن را پا سبـــــا ن‌گردید ه فرزندتو می آید ،

• • •

پسر نگذ اشت که این‌ملك‌شا دی جا ی غم گر دد ،
بجا ی عد ل و انصا ف وکرم ، حا کم ستم گردد ،
پسر نگذ اشت که قد ربشر خا ك قد م گر دد ،
سر با لا ی خلق ما بـــه‌نزد خصم خم گـــردد ،
اجل بر دشمنا ن گردید ه‌فر زند تو مـــی آید .

• • •

به استقبا ل آ ن گل مثـل‌پا ی اندا ز می آیـــد ،
مبار ك باد «ـ از پا میـــرواز دروا ز می آیـــد .
دل از شا دی به مثـــل‌باز در پروا ز می آیـد .
بگو شم نغمهٔ «شهبا ز »از هر ساز می آیـد ،
سرو د شا عرا ن گردید ه‌فر زند تـــو می آید ،

بیا محبو ب!آمد یار توچون‌انتظا ر آ ن بو ســـ ،
از آ ن رخسا ر ها ی آشنای مرد میدا ن بو ســ ،
تو هم ای ما در خو شبخت،با مهر فراوا ن بوس ،
تما شا کن ر خشس را گر م‌وجو شا ن بو س ،ماجندان بوس ،
که فخر ما درا ن گردید ه‌فر زند تو می آیـــد

وطن

بهار آمد زعمرم باز یکسال دگربگذشت،
تما م زند گـی‌آهسته از پیشس نظربگذ شت.
بمثل گو شت و نا خن همیشه‌باوطن بودم ،
اگر چه‌نصف‌عمر بهتر ینم در سفربگذ شت

• • •

وطن ، در هر کجا آمد بسرفارم هوا ی تو ،
من از آنسو ی اوقیانو س بشنید م صدای تو
اگر چه بار ها افتادم‌ازیارودیارم‌دور ،
ولی آمد بگوش من صدا ی رود های تو
به و قت باز گشتن چون‌رسیدم بر حدو د ت من ،
زسرتاپا شد م‌مفتو ن و شیدا ی نمودت من
نشستم در زمین تو ، پرید م‌در هوای تو
به آوا زدرودت من به آهنگ‌سرورت من
اگر چه بر ها افتا دم از یارودیار م دور ،
به سیاحی مراکردند گرچه دوستان مشهور،
ولی من در همه جا ، در هرکنج‌وکنار دهر ،
همیشه با وطن بودم، همیشه بـــا و طن مسر ور،

بخت‌جاو دا ن

چه غم دارم دیار خـوبتر‌ازبوستان دارم ،
قو ی عزم و ظفر ایجا دخلق قهر ما ن دا ر م ،
به بالا ی سرم مرغ سعادت میکند پـــر وا ز ،
زمین سبز و خر م ، آبهای زر فشا ن دارم .

بقیه درصفحه ٥٤

می ناب

شب چو در بستم و مست ازمی نا بش کردم
ماه اگر حلقه بدر کو فت‌جوابش کردم
دیدی آن ترك ختا دشمن‌جان‌بودمرا
گر چه عمری بخطا دوست‌خطابش کردم
منزل مردم بیگانه چو شدخانه چشم
آنقدر گریه نمودم که‌خرابش‌کردم
شرح حال دل پروانه چوگفتم باشمع
آتشی در دلش افکندم و آبش کردم
غرق خون بود و نمیمرد زحسرت فرهاد
خواندم افسانه شیرین و بخوابش‌کردم
دل که خو نا به غم بود وجگرگو شه درد
بر سر آتش چور تو کبا بش‌کردم
زندگی کردن مـــن مردن تدریجی بود
آنچه جان کند تنم عمر حسابش کردم

فرخی یزدی

زاهد بودم ترانه گویم کـر دی
سر فتنه بزم وباده جویم کردی
سجاده نشین بـا و قاری بودم
باز یچـه کود کـان کویم کردی

مولانای بلخی

گنج

بی‌رنج

تکه کن سر انجام خود را ببین
چوکاری بیابی بهی بر گزین
برنج اندر آری تنت را رواست
که خود رنج بردن بدانش سزاست
برنج اند را ست ای خرد مند گنج
نیابد کسی گنج نابرده رنج

فردوسی

دم آتشین

تنها نه دل ز دست تو ای نازنین‌پر است
ازداغ‌سینه وز سرشك آستین پراست
آسودگی مجوی که در راه زندگـــی
صد تیردر کمـا ن قضا از کمین پر است
گیسوی خویش باز مگر شا نه‌کرده یار
کاینسان‌جبین آئینه ازجوش‌چین پر است
ای آفتا ب رو ی تـو از انجـــم‌سر شك
مانندچر خ دا منـم ای مه جبین پراست
دارد نشا ن ز فکر تو در عالـم‌آنچه هست
یعنی جهان زنا م تو همچون نگین پر است
اکنو ن نسو خت سینه حکیم ازجفای دهر
ایـــن‌کوره از ازل زدم آتشین پراست

عبدالحکیم «حکیم ضیائی»

• • •

رباعیات

شب تا به سحر همی کنم زاریها — از شدت تنها یی و بیما ریهـــا
از هجر فکند یم بد شوا ریهـــا — ای یار کجا شد آن همه یا ریها

• • •

جانم بدو لعل جانفزا ی تو فـدا — رو حم به نسیم عطرسای تو فـدا
آشفته دلم بعشوه های تو فـــدا — فر سوده تنم بخاك پای تو فدا

• • •

رفتی و بچشمم‌از تو تا بست‌هنوز — چشمم زخیال تو پر آبست هنوز
تن ز آ تش عشق توکبابست‌هنوز — باز آ که دل ازغمت خرابست‌هنوز

امیر علی شیر نوائی

مور

مینی او بنکلاوی
ویشل گیدای ...
نوما به یکی :
یوه مینه
او
یوه بنکلا
غوره کړی وای ...
او
هنه هم :
دمور تر خواره تامه لاندی !

دوکتور زیار وړی ـ ۱۳۶۰

آثار خودرا بگذار

از درختان د یگران بر چین
وزپی د یگران درخت نشان
در بنا های مر دمان بنشین
داد شادی و خر می بستان
کز پس تو نشست خلق شود
این همه خانه و همه بستان

مسعود سعد سلمان

مستی و مستوری

مرا تا نقره باشد میفشانم
ترا تا بوسه باشد میستانم
چه دا منها گل باشد درین باغ
اگر چیزی نگوید با غبانم
نمیدانستم از بخت همایون
که سیمرغی فتد در آشیانم
تو عشق آموختی در شهر ، ما را
بیا تا شرح آن هم بر توخوانم
سخنها دارم از دست تودر دل
ولیکن در حضورت بی زبانم
بگویم تا بداند دشمن و دوست
که من مستی و مستوری ندانم
مگو «سعدی» مرادخویش برداشت
اگر تو سنگدلی من مهربانم
اگر توسرو سمین تن بر آنی
که از پیشم برانی من برانم
که تا باشم خیالت میپرستم
و گر رفتم سلامت میرسانم

سعدی شیرازی

رباعی

دیشب که بکوی یار میگردیدم
دانی که پی چه کار میگردیدم؟
قربان خلاف وعده اش میرفتم
گرد سر انتظار میگر دیدم

ابو سعید ابوالخیر

درد دل

نه درد دلم رادوا میکنی
نه بر گفته خودو فامیکنی
نه یکشب بحالم نظر میکنی
نه فکر ی زروز جزا میکنی
نه کام دلم یکنفس میدهی
نه از قید جورم رها میکنی
چرا زخم بر دوستان میزنی ؟
چرا کام دشمن روا میکنی ؟
بخون غریبان کمر بسته ای
مکن جان مکن جان خطامیکنی
فغانی بر آریم زجور تومن
بگویم که با من چه ها میکنی
چوجان در هوایت دهم مردوار
جفا با من آخر چرا میکنی ؟
ترا در جهان نیست عیب جز این
که بیداد بر آشنا میکنی

امیر خسرو دهلوی

شعر : د «سنگر»

دبیلتون شپه

خورین شو په گو گل کی زړه خیګرزما
اوری دبیلتون کانی په سرزما
مارا شور خوی له هوا خمکی ته
اور دمینی سو خوی وزرزما
ماور پسی دیری منلی وکړلی
رانغله هیڅ خای کی په نظر زما
خدایز ده چی په چرته ډاډه زړه گرځی
ناخلی ناخلی هیڅ خبر زما
خو پوری چی زه ورته رسیږم
وی به په دی لاره کی سفر زما
زه دبیلتون شپی زړه کی مزل وهم
رابه شی اخر دژوند سحر زما
تیره به داشپه دبیلتون تیره شی
تودبه شی او تود اسوړسنگر زما

صددل

گر جایت ای جان در دل نمی بود
کار من و دل مشکل نمی‌بود
همچون دل من ایکاش جا نا
در بند زلفت صددل نمی بود
دل از خد نکت بسمل نمی شد
گر چشم مستت قا تل نمی بود
گر تیر نازت بروی نمی خورد
مرغ دل من بسمل نمی بود
در باغ وبستان باآه و افغان
بلبل نمی بود گر گل نمی بود
تاریك روزم چون شب نمی شد
گردل بز لفت مایل نمی بود
کارت نمی‌بود گر بردن دل
«ابهر» زجورت بیدل نمی بود

شعر از امیرخاشاك

خرام

ره به ره جانانهٔ ماباز میکارد خرام
دلبر لیلاوش در واز میکارد خرام
از گل ونورو پرپروانه زیب اندوخته
گویی اندر عالم اعجاز میکارد خرام
زیب روی اوست‌ازپرواز عالم درنظر
لیك ایلایاربی پرد از میکارد خرام
میوزد اززلف‌اوبرملك جان مشکین‌صبا
آری آری گل باصبا انباز میکاردخرام
از جمالش نورو زیبایی به راهش ریخته
همچو ترك حافظ شیراز میکاردخرام
پیش پیش آن پری‌دل پردهٔ جانرا «امیر»
باز کرده طرفه پای انداز میکارد خرام

د« راز» خوږ یانی ژباړه

د بیوزلو هیوادونو په باره کی واقعیتونه

تقریبا د ټولی نړی د ملتو نـــو استازی د ۱۹۸۱ کال د سپتمبر له لومړی نیټی څخه تر ۱٤ نیټی (د ۱۳٦۰کال د سنبلی له لسمی څخه‌تر درو یشتمی پوری په پاریس کـــی‌را ټول شوی او د ۳۱ ډیرو لږووده کو ونکو هیوادو نو په باره کی چی‌دنړی ډیر بیوز لی ملتو نه دی حالت او څرنګوا لی به تر څیړنی او کتنی‌لاندی ونیسی . لاندنی یاد ونی د دغو هیوادو نو په باره کی مهـــم‌واقعیتو نه په لنډه تو گه وړاندی‌او ځینی هغه مسالی‌چی د پاریس‌جرگه‌ورسره مخا مخ ده مطرح کو ی .

د بیو زلو هیواد و نو مشخصات:

ـهغه ۳۱ هیوادو نه‌چی د ملگرو ملتو نو له خو ا د ډیرو لـــږو وده کوو نکو او بیوزلو هیوادو نو پـــه حیث‌پیژند ل شویدی د افغا نستان له دمو کراتیك جمهور یت، بنگله‌ـ دیش ، بینن ، بهو تان، بو تسوانا، بورو ندوی ، کیپ‌و ردی،د مر کزی افریقا جمهوریت ،چاد کـــومـــوروز دمو کراتیك یمن ، ایتوپیا ، گامبیـــا گینـ ی ، گینی بیساو، ها یتی،دلاس دخلکو د مو کراتیك جمهور یـــت، لیسو تو ، ما لاوی ، ما لدیو ،مالی نیپال نایجر ، رواندا،ساموا سوما لیا سودان، یو گندا تانزا نیا ، لـــوړه ولتا اویمن څخه عبارت دی .

ـهغه ممیزات چی د هغو له مخی بیوز لی هیوادو نه ور باندی پیژندل شویدی دسړی په سر دډیر لـــږ عاید ، په لویا نو کی د با سوادو خلکو د شمیر لږوالی ، او د صنعتی تولیداتو له لږ والی نه عبارت دی.

په لږ وده کوونکو ۳۱ هیوادو نو کی د سړی سر عاید په منځنی‌اندازه اوس په کال کی ۱۸۳ ډالرو تـــه رسیږی . د لویا نو یوازی څلور مه برخه سواد لری او صنعتی تو لیدات ډ ه سلو کی یوازی ۸ ملی محصولات په بر کی نیسی .

ـد نړی د زیا تو شتمنو او ډیرو بیوزلو هیوادو نو تر منځ تو پیریا خلا په چټکی سره پرا ختیامو می.

په صنعتی پر مختللیو هیواد ونو کی (چی اقتصادی بازار لری) دیو تن خالص دا خلی محصو لات چی په ۱۹٦۰ کال کی ی د بیوز لو هیوادو په نسبت ۲٦ خلی پراختیا موندلی ده په ۱۹۷۹ کال‌کی‌څلور څلوریښت څلو ته زیات شویدی .

ـسر بیر ه پردی ،زیات بیو زلی هیوادو نه ستونزی او جغرا فیایی نامساعد مو قعیت هم لری. دغـــه هیوادو نه یا په وچه کی پرا ته دی ، یا غرنی دی یا له و چکالی او سیلاونو سره مخا مخ دی . یا نا منا ســـب سر حدونه لری چی‌دتیر و استعماری قدرتو نوپه وسیله ټا کلی شویدی.

نفوس :

ـتقریبا۲۸٦ میلیو نه تنه (چی له چین نه پر ته) د نړی د ودی په‌حال کی ټولو هیوادو نو د نفوسو په‌سلو کی دولس نیم تشکیلوی په بیوزلو هیوادو نو کی ژوند کوی.

ـ په بیوز لو هیوادو نو کی د نفوس وده په منځنی اندازه په کال کی په سلو کی ۲،۷ده . د نـــفوس سو په دغی ودی سره‌مجموعی نفوس په‌هرو ۲٦کلونوکی دو چنده کیږ ی او د دغی پیړی تر پایه به په بیوزلو هیوادو نو کی د پنځوسو میلیونو په شاوخوا کی خلك میشته شی.

ـهغه ښاری نفوس چی په‌سلوکی پنځوس یی همدا اوس په کثیفـــو ځایو نو کی چی اساسی خدمات نه لری او سیږی د نفوسو د مجمو عی ودی نه له دریو څخه‌تر څلور څلو گړندی وده کوی .

ـپه بیوز لو هیوا دو نو کی پـــه ۱۹۷۷ کال کی (داهغه وروستی‌کال دی چی په دغه باره کی احصا ئیوی معلومات په لاس کی دی) یوازی‌په سلو کی ۸٦ د ضرورت وړ کالوری په واك وه . ا ویا میلیو نه تنه یاددغو هیوادو نو د نفوسو له درو بر خو څخه یوه بر خه د کو چنیا نو له درو بر خو څخه ددو بر خوپه شمول د کافی غذا له کمبود سره مخامخ دی.

ـد مو جود و شواید و له مخی، دهغو خلکو شمیر به چی په افریقا کی له لوږی‌اوسوء تغذی سره مخامخ دی تر ۱۹۸۵ کال پوری ښایی دوه څلی زیات شی .

ـپه بیوز لو هیواد و نو کی د مړینی اندازه (د یوکلنی عمر ته‌له رسید لو مخکی‌دما شو ما نو د مړینی شمیر) په زرو کی ۱٤۲ تنه دی په داسی حال کی چی د ودی په حال کی هیوادو نو کی په منځنی اندازه څلور نوی‌او په صنعتی هیوادونو کی په زرو کی دیرشو ما شومانو ته رسیږی .

ـ په بیوزلو هیوادو نو کـــی دعمـــر منځنـــی انـــدازه پنځـــه څلو یښت‌کلونو او په مخ په‌انکشافو هیوادو نوکی ۵۳ کلو نو او پـــه صنعتی هیوادو نو کی ۷۲ کلو نو ته رسیږی .

ـپه بیوزلو هیواد و نو کی‌دنفوسو لـــه در یـــمی بر خـــی څـــخـــه لږو خلکـــو تـــه ر و غتیـــا یـــی اوبه رسیږی ،په ما شو ما نو کی یی د مړینی عمده عامل د پیچ اونس ناستی ناروغی بو لی .

ـ (له لیسو تو او ساموا) څخه پر ته‌ټو ل بیوزلی هیوادو نه لـــه ملاریا سره مخا مخ دی په نا یجر کی ملاریا له څلور می بر خی څخه‌زیات ماشوما ن وژنی .

ـد پاریس د جر گی د عمومـــی منشی رپوټ خبر داری ورکوی چی بیوزلی هیواد و نه په هغه صورت کی چی نفوس ، په تیره بیا د کار قوا، یی چی د زیات تو لید سبب گرزی پوره روغتیاو نه لری، ځانونه خپلو سترو هد فو نو ته نه شی رسو لی . په چاد کی اټکل شویدی چی په یوه کال کی د وه میلیونه ورځی کار صنا یع کیږی .

کر نه .

ـپه بیوز لو هیوادو نو کـــی د نفوسو په سلو کی له اتیا زیـــات خومخ په انکشا فو هیواد و نو کی په سلو کی ۵۹ تنه‌دکر نی د سکتور له‌لاری ژوند کوی .

ـ په بیوز لو هیوادو نو کی د یوه تنه د کر نی تولیدات مخ په‌کمیدودی او اوس د یوه کار گر تولیدات دمخ په انکشافو هیوادو له نیما یی څخه لږ دی .

ـبیوز لی هیوادونه اوس دغذایی موادو مهم وارد کوو نکی دی . د ټولو صادراتی عوایدو په سلو کی ۲۸ یی د غذایی موادو په وارداتـــو لګیږی .

د اوسنیو ترندونو د دوام پـــه صورت کی به د بیوز لو هیوادو نو هیوادو نو دغذایی موادو کمبود تر واز ا ز خـــپـــه ضرر کـــه رپـــ ـه‌بنـ ـه‌ت ۱۹۹۰ کال پوری په کال کی له لسو میلیو نو ټنو څخه‌زیاتو ته ورسیږی.

ـپه زیاتر و بیوز لو هیواد و نو کی کر نه دوخوره پری مه مره پـــه عنعنوی لارو متکی ده . په دغـــو هیواد و نو کی د کیمیاوی ســـری استعمال په هر ایکرکرل شوی ځمکه کی‌په منځنی اندازه پنځو کیلو گرامو او په ټولو مټ په انکشا فو هیوادونو کی ۱۸کیلو گرامو ته رسیږی .

ـد ځمکی ریفورمو نه او د پا تگی اچو لو د زیا توا لی له پاره د ملکیت مصو نیت ، د تغذیی د سطح لوړول او په خپله کار گر پوری د کاڑ د حاصل اړه پیدا کول یو حتمی او اساسی کار دی خو د عمومی منشی په‌رپوټ کی کنفرا نس ته څرگنده‌ـ

شو یده چی دبیوز لو هیوادو حکو-
متو نو په وروستیو کلو نو کی د
مالکیت د بنی د بدلون یاد تولیدی
منا بعو د کنترول په باره کی نسبتا
کم اقدامات کړیدی .

– په زیاتره بیوز لو هیوادونو
کی ښځی د کر نی د تو لید اتو له
نیما یی زیات په غاړه لری. زیاتره
وخت داسی کیږی چی د نا رینه ؤپه
نسبت ښځی په کرو ندو کی زیات
کار کوی خو په کر نه کی ښوو نه‌او
روز نه او پا نگه اچول په نارینه‌ؤ
پوری اړه لری .

صنعت

– په ډیر و لږ وده کوو نکو یا
بیوز لو هیوادو نو صنعت په منځنی
تو گه یوازی په سلو کی ۸٫۳ د
کور نیو محصو لاتو مجموع په‌برکی
نیسی . د کار قوا یوازی په سلوکی
اته چی هغه هم په عمومی تو گه د
نارینه وو له پاره وی په صنا یعو
کی استخدام شویدی .

– د صنعتی فعا لیتونو دریو څخه
دوه بر خی د کور نیو او مه‌موادوله
لومړنی پرو سس څخه جوړ دی . په
۱۹۷۵ کال کی داو مو موادو د خلق
شویو ټولو ارزښتو نو له نیما یی
زیات دصا یعو په واسطه د تمباکو
او مشرو باتو د محصو لاتو پوری
اړه لری .

صادرات

–په بیوز لو هیواد و کی د یو تن
دصادرا تو د پیرو دلو قدرت په
۱۹۷۰ کال کی له ۳۳ ډالرو څخه په
۱۹۷۹ کال کی ۲۱ ډالرو ته را ټیټ
شویدی .

–د ټولو بیوز لو هیوادو نو د ټول
ارزښت له نیما یی زیات یوازی په
اتو متا عو پوری منحصر دی . لکه
قهوه ، چای ، تمبا کو ، پو مبه ،میوه
جات، میوی ، زنی ، غوړینی دانی،
ژوندی دانی .

– په بین المللی تجارت کی د
بیوزلو هیواد بر خه د پو مبی ،جوت
او تمبا کو په تجارت کی د ۱۹۷۰
کال په لسیزه کی زیاتوالی را غی
خود د غو هیواد و د نورو مهمو
صادراتو بر خه په بین المللی تجارت
کی یا کمه شوه او یا ثابته پا تی
شوه .

– د بیوزلو هیواد ونو د ښځو
مهمو صادرا تی متاعو حقیقی قیمت
چی له قهوی ، چای ، غو ښی، کیله
او بوری څخه عبارت دی ښا یی په
راتلو نکو پنځو کلونو کی کم
شی .

–د بیوزلو هیوادو په صادر و په
صادراتو کی د صنعتی محصولا تو
بر خه یوازی په سلو کی ۱۵ ده له
دغو محصولاتو څخه زیات لکه قیمتی
ډبری لږترلږه‌دپروسس او استخدام
ایجاب کوی.

–که څه هم د بیوزلو هیوادو د
صنعتی محصو لاتو د صادرا تو
ارزښت چی د نړی شتمنو هیوادونو
ته‌یی صادر وی په ۱۹۷۰ کال کی
له۵۱ملیونه‌ډالروڅخه‌په ۱۹۷۹کال‌کی
۹۵۰ میلیو نو ډالرو ته زیات شو.
خو دشتمنو هیوادو دصنعتی محصو-
لاتو د ټو لو واردا تو په سلو کی
۱٫۰ په بر کی نیسی یوازی بنگله-
دیش ، هایتی‌اونا یجر دری‌هیوادونو
ددغو محصولاتوپه سلوکی ۷۵صادر
کړیدی . دانکتاد دسنجشونو له‌مخی
شتمنو هیواد و نو ته د بیوز لو
هیوادو نو دصادرا تو دریمه برخه
د تعرفه یی اوغیر تعر فه
خنډو نو او محدو د یتو نو
سره مخامخ دی د خو متا عو
صا درا ت چی د بیو زلو
هیواد و نو له نظره مهم دی‌دخو
ملیتی سترو شرکتو نو له خوا
کنترو لیږی او دغه ستر شرکتونه
دی چی عمدتا په تجارت او یا دمار-
کیتونو په پراختیا کی ور ته کار
اخلی .

هغه مطا لعی چی دانکتاد له خوا
شویدی څرگند وی چی د مثال په
توگه د کیلی‌په‌تجارت کی د صادراتو
وده او پراختیا په حقیقت کی د تولید
ونکو د عواید واو بهر نیوشرکتونو
چی د ما رکتنگ چار ی په‌انحصار
کی لری د عوایدو تر منځ توپیریی
زیات کړیدی .

دجها نی تجارت په سلو کی
۸۵ څخه تر له ۹۵ پومبه
چی د بیوز لو هیوادو نو
دوهمه عمده صادرا تی متاع ده، د
پنځلسو ستر و شرکتونو له خوا
کنترو لیږی .

وار دا ت

– د بیوزلو هیوادو نو د وارداتو
لگښت پر ته له دی چی حجم یی
زیات شی له ۸٫۵ بلیو نه ډا لرو
څخه په ۱۹۷۷ کال ۱۳٫۱ بلیونه
ډالرو ته په ۱۹۸۰ کال لوړ شو.

–څینی بیوز لی هیوادو نه د خپلو
اسعاری عواید وله دووئلثو څخه
زیات د سون دموادو په وارداتو
لگوی .

–د دی مهم عامل چی بیو زلی
هیوادو نه په دی بر یا لی شویدی
چی د خپلو پلان شویو انکشا فی
فعا لیتو نو په سلو کی شپیته تمویل
کاندی ، عایدات مخ په لږوالی او
قیمتو نو مخ په زیا توا لی دی .

مساعدت

–که څه هم د بیوزلو هیوادو سره
دمرستو حجم په ۱۹۷۰ کال کی دیوه
تن له ۱۳ ډالرو څخه په ۱۹۷۹ کال
کی د یوه تن ۱۹ ډالرو ته لوړ شو
خود دغو هیوادو نو د صادراتو د
پیرودلو د قدرت لږوالی په همدی
موده کی له هغی زیات ؤ.

–له‌بیوزلوهیوادو سره‌داو،ای،سی.وی
(دازاد بازارداقتصاد لرو نکی‌صنعتی
هیوادونه) د غړو له خوا مر ستی
په سلو کی ۷۶–او په سلو کی ۱۲
داو،پی ،ای ،سی له‌خوا اوپه سلوکی
۱۲ د ختیځی ارو پا د نورو سو –
سیا لستی هیوادو نو او چین له‌خوا
منځ ته را ځی .

– په ۱۹۷۹ کال کی په سلو کی
۲۸ څو اړخیزی مر ستی (د بین-
المللی ساز ما نونو له خوا) او به
سلو کی ۱۸ دوه اړخیزی (د یو
هیواد نه بل هیواد ته) مرستی له
بیوز لو هیوادو سره شویدی .ناروی
ایتالیا، ډنمارك ، سویډن ، فنلند
کاناڈا او نیدر لند هیوادو نه په‌سلو
کی ۲۵ خپلی‌مرستی‌بیوزلو هیوادونو
ته اختصا صوی .

–که څه هم ناروی د مثال‌په توگه
دخپلو په سلو کی ۰٫۲۸ نا خالصو
ملی محصو لاتو سره د امریکی د
متحدو ایالاتو نه څو ارلس مرتبی
زیا تی ورکوی.خوصنعتی هیوادو نه
په‌منځنی توگه د خپلونا خالصو ملی
محصو لاتو په سلو کی ۰٫۰۶ لـه
بیوزلو هیوادو نوسره مرسته کوی.

هدفونه

–بیوز لی هیوادونه غواړی دخپلی
ودی آهنگ په را تلونکو پنځوکلونو
کی دوه ځلی زیات کړی . که‌دغه
هدف تر سره شی . اقتصادی وده
به‌دنفوسوله ودی زیا ته شی،بیوزلی
هیوادونه به د لومړی ځل له پاره
لږتر لږه د یوی پیړی په څلور مه
برخه کی د عاید له‌حقیقی زیا توا لی
څخه گټه وا خلی .

– پنځلس بیوز لو هیوادو نوخپله
صنعتی وده په منځنی تو گه په‌کال
کی تقریبا په سلو کی ۱۳ اتکل
کړیدی . دغه هدف ته‌په رسید لو
سره ، په ۱۹۷۹ کال د یوه تن تولید
نه ۱۵ ډالرو څخه په ۱۹۹۰ کال ۴۰
ډالرو ته لوړ شی چی البته لاتراوسه
هم د مخ په انکشا فو هیوادونو له
پاره د اتکل شوی سطحی له‌پنځمی
بر خی څخه لږ دی .

–په کر نه کی د پا نگی اچو لو
زیاتوالی په کال کی په سلو کی د
څلور وپه اندازه چی په ۱۹۹۰ کال
کی به تقریبا ۱۲ملیاردو ته ورسیږی
دغذایی موادو واردات نیما یی ته
راکښته شی .

– بیوز لی هیوادو نه دغو هدفونو
اونورو مقا صدو ته درسید لوله
پاره تر ۱۹۹۰ کال پوری په کال کی
۲۴ ملیارد ه ډالره مرسته غواړی.
دغه اندازه په مرستو کی څلور ځلی
زیاتوا لی ښیی خوله‌هغی سره سره
یوازی په سلو کی ۰٫۳۷ زیا توا لی‌د
نړی د شتمنو هیوادو نو عاید ات‌په
همدی موده کی په بر کی نیسی .

جواب به نامه های شما

باسلام وصلوات ، میپر دازیم به‌پاسخ نامه ها :

دوست عزیز عبدالقدوس نهضت‌فراهی متعلم لیسه عمر شهید .

همکار ارجمند ما بعداز دعا وسلام‌مینگارد : «آقای جواب نویس ، درین نانه چیزی به نام فکاهی که نمیدانم‌هست یانه خدمت تان ارسال کرده‌ام که خدا کند قبول افتد . همچنان در باره شعری که در شماره ٤٨ ـ ٤٩ سال ١٣٥٩ در صفحه ٣٠ مجلـــه‌ژوندون زیر نام «بهانه» به نشـــر رسده توضیح میخواهم که آیااین‌پارچه شعر ازمولانا جلال‌الدین‌بلخی است یا از مولانا جامی . باید بگویم‌که سوال از آنجا در نزدم پیدا شد که در یکی از کنسرت های گـروه‌مشترك زیبا و گلشن ،«خرماشیرین وا» این شعرراز جلال الدین محمد بلخی معرفی نمود. حالااز شما جواب نویس خوا هشمند م تا بگویید کـه‌اشتباه از کیست ؟ از شما یا ازآن خواننده ».

اشتباه از ماست همکار عزیز ،که‌سهوا آن شعر بنام مولانا جامی قید شده است در حالیکه آن شعـــر ازمولانا جلال الدین‌بلخی‌است بخوانید:

دیدم نگارخودرا میگشت گردخانه — بر داشته ربابی میزد یکی ترانـه
باز خمه‌چو آتش میزدترانه خوش — مست وخواب دلکش ازباده‌شبانه
در پرده عراقی میزد بنام سا قـی — مقصود باده‌بودش‌ساقی‌بدش‌بهانه
ساقی ماه‌رویی در دست اوسبویی — ازگوشه در آمد بنهاد درمیانه
پر کرد جام‌اول زان‌باده چومشعل — درآب هیچ دیدی کاتش‌زندزبانه
برکف نهاده‌آنرا ازبهر عاشقانش — آنگه بکرد سجده بوسید آستا نه
بستد نگار ازوی اندر کشیدآن‌می — شدشعله هاازآن‌می‌برروی‌سرروانه
میدیدحسن خودرامیگفت‌نیك‌وبدرا — نی‌بود ونی‌بایدچون می‌درین‌زمانه
شمس‌الحق‌جهانم معشوق‌عاشقانم — هردو بودبه پیشم‌جان وروان‌روانه

...و فکاهی ساخته و پر داخته«عشق در دفتر» شما ،نه نو شخند داشت و نه نیشخند ، لهذا از چاپ‌باز ماند . به امید موفقیت تان ،روز و روز گان تان خوش بگذرد .

دوست عزیز ذکرالله (شریق) ازفاریاب :

به برادر عزیز سلام میگویـــم وامید واریم که سلامت باشید . پارچه ادبی (پاس تنهایی) را خواندیم ، اماگفتنی است که پارچه های ادبـــی استا دان این رشته را بیشتـــــربخوا نید و بـه زبان‌وکاربرد کلمات و لغات توجه بیشتر نمایید . اینهم‌نوشته شما:

«در یك شب مهتابی روی زمیـن‌از تابش‌نور زرین‌جمال دختر آسمان رنگ دیگری داشت. فضای لایتناهی‌در سکوت وخاموشی فرو رفته بود، نسیم سحر گاهی دماغ آدمی را تازه‌ومزاجش را قوام می بخشید، برگ های درختان آهسته آهسته‌می لرزیدستار گان از فراز کهکشـــان و از شدت روشنی بما خیره می نگریست‌تا گهان چهره مانوس پرویـــنم از لابلای انبوه در ختان سر سبز دربرابر دیدگانم جلوه کنان نمایـــان گردید . تبسم و نیم نگاه وی در دوجنونم را دو چندان گردانید . آخ ! چه عجیب است دریغا! چنین شب‌زنده داری و پاس تنهایی .

آه ! این رویایی پروینم نبود، بلکه‌عشق‌پاك وآتشین پایان‌ناپذیر اوبود که نیمه شب مرا در بادیه پرآشوب‌همراهی میکرد ... پیکر افسرده نا‌توانم را به شور آورد. متوجه اندام‌زیبای دلنواز او شدم ، دست بیاض و کف بلورین وی بانگاه دل انگیزیادی از خاطره های جاوید داشت . بیخود از جای خود بر خاستم و بـه‌سوی او رفتم تا به ....» و نمیدانم تا به کجا؟ امید است به مـــراد دل‌رسیده باشید .

دوست عزیز محمد امان بینامتعلم‌لیسه عمر شهید :

با سلام عرض شود که پذیـرای‌همـکاری شما هستیم ،اما ایـــن نوشته تان چون کم و کاست بسیارداشت از نشر باز ماند ، معذرت ما را ببذیرید . بیشتر کوشش نماییدموضوع خوبی برای قصه پیدا کنید و آنگاه باز بیشتر کوشش نماییدکه‌آنرا درست بیان نمایید ، موفقیـت شما همکار عزیز را خواستاریم.

دوست عزیز صدیق زاده محصل‌پوهنځی زراعت :

سلام ما را نیز بپذیرید . حـــل‌جدول متقاطع را به متصدی صفحه مسا بقات و سر گرمها حوالت کردم‌همکاری تانرا میخوا هیم . خـــدا حافـــظ .

دوست عزیز خالده عالمی وسیده‌عالمی متعلمان لیسه جهان ملکـــه غزنی .

سلام دوستان .طرح جدول‌متقاطع‌شما را به متصدی صفحه مسا بقات و سر گرمها سپردم تا برای نشـرآماده گردانـــد . از همکاری متمر خویش دریغ نورزید ، سعاد تمندوکامکار باشید .

دوست عزیز بل بیرسنگ بهواد فارغ التحصیل لیسه استقلال

همکار عزیز مابعداز احوال پرسی‌مینگارد : « دو ستان عزیز روزیکه مجله شماره هفدهم را میخوا ندم درجریان مطالعه پیشنهادی در فکـرم خطور نمودکه اینك‌برای شمامینگارم‌من خواستار تشویق هر چه بیشتر داستان نویسان جوان می باشم ،بناخواهش مینمایم در هر سه ماه‌شش یا هشت داستان کوتاه از ارسـال‌کنند گان مجله را به چاپ رسا نید هر داستا نیکه از جمله این داستانهامورد علاقه خوانند گان قرار گرفـت به آنها جایزه بدهید و نویسنده آن‌رانیز بشناسا نید.دریك سال‌چهار داستان برنده جایزه خواهد شد وبه‌همین اساس می توانید در اخیرسال از این چهار داستان یکی آنرابهترین‌داستان سال مجله ژوندون معرفـی نمایید، پس دراینجاست که علاقـه‌مندی داستان نویسان جوان معطوف میگردد و باعث بروز استعداد هـای‌عالی میگردد . کار کنان محترم !اگر با پیشنهاد من موافق باشید ، پس‌نباید کار را برای فردا گـذاشت ، بهتر خواهد بود که از همین حـالاشروع نمود . من نه تنها خواستار نظر مثبت شما هسـتم بلـکـه ازعلاقمندان مجله ژوندون نیز خوا ـ هش میکنم که نظریات خویش را دراین زمینه ابراز دارند ».

بانظر تازه و بکر تان موافقیـم.اماهیچ آگاه اید که‌آنچه بنام داستان به‌این اداره میر سد داستان نیست،گفتار و نوشته گنگ و مو هو مـی است که نامش را سخاو تمندانه ، نویسنده آن داستان کوتاه گذاشته است . ما نمیدانیم با کدام ارزش‌هامحك بزنیم که آنرا قصه کوتـاه بدانیم . قصه انشای درست نداردبگذریم. اگر مجالی دست یابدشاید باز نویسی گردد ، اما قصه املا ی‌درست هم ندارد . چه میتوان گفت؟ ازپای بست ویران است، خواجه‌درفکر ایوان است ما نمی دانیم ، آیـا کسانی که هنوزدرست نوشتن‌رانیاموخته اند، میتوا نند قصه‌نوشتـن را بیاموزند و طرحی در افکنـنـد وهنر مندانه قصه یی بیاغازند ودرد من و تو را بر زبان بیاورند . نه ،ماکه فکر نمی کنیم .

شما خو شبختانه میگویید که درهر سه ماه شش یا هشت داستا ن کوتاه از قصه نویسان مبتدی رابه‌نشر رسانیم ، مابه جز یـکی دو تا قصه از مبتدیان دیگر چیزی درهیات‌قصه ندیده‌ایم و اگر سراغ دارید و میتوانید در هر هفته یك قصه کوتاه(دست ششم و هفتم) بفر ستیـد

ممنون میشویم و به فال و قرعـــه‌جایزه یی هم تدارك خواهیم دید ،آن هم از دخل نزده جواب نویس .سخن‌شما را قبول داریم و کار امروز را به فردا نمی گذاریم ، همین حـــالاشروع می کنیم ، شروع می کنیم ، شروع می کنیم . هر چه شروع می‌کنیم گفتیم شروع نشد ، چـــرا ؟ قصه خوبی از مبتدیان نیافتیم کـه‌حد اقل برای چاپ آراسته گردد . به انتظار قصه های قصه نو یسان‌جوان ، تازه کار ، با استعـــداد ، دقیقه شماری می کنیم ، این گوی واین میدان. واین قصه مولانا جلال‌الدین را به شما همچون (بـرگ سبز) پیشکش می نمایم ، بخت‌قرین تان باد .

آن غریبی خانه‌می‌جست از شتاب — دوستی بر دش سوی خانه خراب
گفت او این را اگر سقفی و بدی — پهلوی من مر ترا مسکن شـدی
هم عیال تو بیا سودی اگـــر — در میانه داشتی حجـــره دگـــر
وررسیدی میهمان روزی تـــرا — هـــم بیا سودی اگر بود یت جا
گفت آری پهلوی یاران به است — لیك ای جان در اگر نتوان نشست

دوست عزیز عبدا لقهار امان

«نخست سلام و احترام از تـــه دل‌تقدیم میدارم ، امید مورد پذیـــرش قرار گیرد محترما ، چندی میشود که‌برای مجله خود شعر نمی فرستم ، برای آنکه تا هنوز همه وعده های‌که داده‌اید، اشعارم رابه چاپ‌نسپرده‌اید ، شاید به خاطر من که آزرده‌نشوم، حقیقت‌را اظهارنداشته‌اید... من شعر به خاطر آن نمی سرایم که‌نشر شود یا کسی آنرا بخواند و یا بگوید آن شعر از فلان کس است ...اینبار باز چند قطعه شعر برایتـــان ارسال میدارم ، امید است ...»

از این سه پارچه ، دو پارچه‌شعرتان در خور صفحه «از میان نوشته های شما» است که اگر اجازه مـــی‌دادید به حیله طبع آراسته میگردید اما فرموده اید «فقط در صفحه شعـــرالابه زباله دانی» ولی چنین عجولا نه سخن‌شمارانمی‌پذیریم وشماهم‌قبول‌کنید اینجا که در باب‌شعر تان سخن میگویم زباله دانی نیست.

آدم صفتم کفرو مسلمان نپذیرم — انسانم وجزخصلت انسان نپذیرم
در محکمه باطل‌وحق چنین‌قضاوت — بر خویشتنم لعنت وجدان نپذیرد

نخست ازنظر دستور زبان‌به‌شعرتان نگاه می کنیم : آیا کفر ومسلمان هر دو با هم درست میاید . بایستی‌هر دو اسم فا عل میبود ، یعنی‌کافر و مسلمان . و این چار مصراع بـابقیه شعر تان که دنبال خواهد آمد ارتباط منطقی و درست قایم نمی‌کندو چه بسا اگر همین چند نکته رااز شعر خویش حذف میکرد ید ،هیچی‌کم نمیشد ، بلکه پخته تر هم میشد. (آدم صفتم کفرو مسلمان نپذ یرم)فهمیده نمی گردد که چه را نمـــی نمـــی پـذ یـر یـد و چـر ا نمی‌پذیـریـد « انسا نـــم و جزخصلت انسان نپذیرم» باور داریم که انسان‌هستید اما چه را نمی پذیرید ، باز درست نموده نشده است که چـــه‌میخواهید بگویید . (در محکمه باطل و حق چنین قضاوت) کدام قضاوت‌تا خواننده شعر شما هم به حمایت یکی بر خیزد ، کدام سو را بگیرد؟از کی دفاع کند و بر کی بشورد ؟ و این محکه چه گونه محکمه است؟و حاصل قضاوت این‌محکمه چیست؟ «بر خویشتنم لعنت وجدان نپذیرم»چرا بر خود لعنت می فرستید ؟ چرا سو کمندانه خود را به دار میکشیدچرا ؟و هزار ها چرای دیگر ؟ وجدان نپذیر فتن چرا؟ مگر وجدان ، ازنظرگاهی، خوب و بد را ادراك نـمـی کـنـد افـزون بر آ ن و جـدان‌نپذیرم د رسـت نیست با یستـی چنین میبود «حکم و یا چیز دیگر ،نپذیرم». اما اظهار میدارید که حکم با مسلمان و انسان‌هم قافیه نیست،میدانم . و بالاخره چرا وجدان نمی پذیرید ؟ هیچ معلوم نیست ، همین‌چند مصراع را که حلاج کردیـــم . بگویید چه معنی دارد ، خواننده‌شعرتان چه مفهوم میگیرد شما فرموده‌اید (من شعر به خاطر آن نمی‌سرایم‌که نشر شود یا کسی آنرا بخوا ند) چرا؟ ازقدیم وندیم‌گفته اند که شعراز بهر مردمان گویند و اگر چنیـــن نیست چرا بما فرستاده اید . مـــی‌گذاشتید که در کیسه ، و در خلوت تنهایی خویش زمزمه اش میکردید.

من ازدل دریای جبین دربکف‌آرم — همت بودم منت باران نپذ یـــرم
هنگام اجـــل گر بدهد آب حیاتم — نیم نفسی‌از خضرهم احسان‌نپذیرم
در کنج قناعت بدهم جان زکف‌اما — بار کرم خوان کریمان نپذیـــرم

شعر دیگرتان را بخوانیم :

زروی مکر هم گوشی ندادی‌بهرفریادم
به لبخندی درو غین هم نکردی اندکی‌شادم
بصد خو شبا وری خردم فریـب‌ساد گیهایت
چه دانستم‌که آخر مید هی ای رند بر بادم
بیك عالم تمنادام مهرت برگزیدم‌لیـــك
نه پرور دی‌به آب و دانه نی کـــردی آزادم
ترا با ناز پروردم بتا این اشتباه‌بنـــگر
که من بادست‌خود کندم‌سراسر بیخ‌وبنیادم
صفای چهره ات ممکن رود ازخـاطرم روزی
ولی بی‌مهری ات هرگز نخواهد رفت از یادم
بدانشگاه عبرت صد کتاب آمـوختم از تو
به درس زندگی حقا تو یی استـــاد استادم

اگر او استاد استاد شما باشد ،حال و روز شما چه خواهد شد ؟آیا مکررا میامو زید و لبخند مصلحتی‌ودروغین را بکار می بندید و دیگران را ساده لوحانه میفریبید و رندانـه‌بازی میدهید ؟ زیرا از استاد استاد آموخته ایدو آنچه اوپسندد ، هنـراست .

اگر ازدیدگاه دیگری نظر اندازیم،استاد شما مکر و دسیسه را نمـی پسندد و دروغ نمی گوید حتی بـــه‌اشاره لبخند . آدم بیچاره‌یی چـــون شما را می فریبد و رندانه سر بـه‌نیست میکند که خدا نکند بـا صد تمنا دامنش گرفتی لیکن به‌دانه دلت‌شاد نساخت و با دست خود تیـشه در ریشه خود زدی‌وبی مهری اش‌رادانستی و صد کتاب آمو ختی کـــه حقا استادت اوست، ولی نمیدانیم‌به چه دلیل ؟

به این دلیل که او بی مهر است؟به این دلیل که او زند گیت را تباه کرده است . یا به این دلیل که بـــه‌اشتباه تان ننگر یست . و بالا خره بدانشگاه عبرت صد کتاب آموختیدولی نمی گویید که چه آمو ختید تا ما به کار بندیم و در سرا شیبـــی‌عشق نلغزیم . فریاد شما چه بود که او گوش نداد ، و بسیار سخنـــان‌دیگر ... بخوانیم شعر دیگر شما را

میروی و مگر ایدوست دگربازنیایی
بـــاردیگر به سراغ من بیمار نیا یـــی
فکر باز آمدن خویش بسویم نـــه‌نمایی
هان‌اگرآمدی اینگو نـــه دل آزار نیا یـــی
دل نه باز یچه بود نیك پسند ش‌و اگر بار
با چنین‌شیوه نا خوا سته هشدار نیایـی
تا که واقف نشدی از دل پروانه‌و بلل
میل گلشن نکنـــی جـا نب گلزار نیا یـــی
در دیار یکه محبت بود آیین قدیمش
آمـدی‌نیك بیارند تبهکار نیا یـــی

از تبصره میگذ ریم و یاد آور می‌شویم که شعرشما ازنظر فنی‌نسبتا خوب است و با چشم انداز گسترده‌به شعر و هنر بارور تر میـگردد . امید واریم همکاری مثمر تـــان ازگزند با دو باران مصون بماند .

جوانان وخدمت مقدس زیربیرق

وطن خانه مشترك ما است همانسانیکه همه ماو شما حـــق داریم ، از آب، خاك و هوای آن استفاده بعمل آورده در زیر آسمان شفاف ونیلگون آن امرار حیات نمائیم وظیفـه داریم تادر راه عمران و اعتلای آن از هیچگونه‌سعی وعمل بر تمرو خستگی ناپذیردریغ نه نموده در مواقع ضرورت‌بر ضد دشمنان آن شجاعانه وقهرمانانه بر زمیم واز خود شجاعت ودلیری نشان دهیم ٠

تاریخ درخشان جامعه ما گواهی می‌دهد هنگامیکه استعمار بدنهاد انگلیس بر ضدوطن مردم وآزادی ماچشم طمع دوخت ، مردم ماچه مرد وچه زن چه پیرو چه جوان واز هر کجایی از وطن که بودند با وسایل دست داشته برای دفاع از حاکمیت ملی، استقلال ملی شرف وآزادی خویش جوان مردانه و قهرمانانه بپا بر خاستند و باهمه نیرو و توانیکه داشتند از وطن و مردم خود دفاع نمودند وبه دشمن شکست های سنگینی وارد آوردند ٠

آری ! امروز که انقلاب نجات بخش ثور در کشور پیـروز گردیده وباتحول ٦ جـدی وارد مرحله نوین وتکاملی خود شده‌است دشمنان ارتجاعی و امپریالیستی شرف وآزادی زحمتکشان افغا نستان بر ضد انقلاب ملی‌و دمو کراتیك ثور بپابر خاسته اندواز یك سنگر نامقدس علیه مردم،انقلاب ووطن‌ماا‌عمال سبوتاژ کارانه یی را انجام می دهند .

ولی جوانان آگاه و انقلابی میهن ماکه حس وطن پرستی و شجاعت را از اجداد و نیاکان باشرف خود به ارث برده اند بادرك شرایـط حساس و تاریخی‌جامعه‌ووطن خود به‌درخواست دولت انقلابی خود پاسخ مثبت داده بر اساس مصوبه اخیر شورای وزیران جمهوری دموکراتیك افغانستان مورخ ۸سنبله ۱۳٦۰ جوقه‌جوقه وگروه گروه به مراجع مربوط حاضر می‌گردندو برای دفاع قهرمانانه از وطن ، مردم و انقلاب شکوهمند ثور ودست آورد های دوران ساز آن جهت سپری نمودن خدمت مقدس زیربیرق ثبت نام می نمایند .

جوانان ما امروز بااین عقیده وایمان کامل که هما نطوریکه اجدادوپدران قهرمان وحماسه ساز آن هادر برابر مداخلات ، حملات و تجاوزات استعمار انگلیس از خود شجاعت وقهرمانی نشان‌داده‌بزرگترین قدرت استعماری جهان رابه زانوی ادب نشانده بودند خودنیز اجیران زرخرید ارتجاع و امپریالیزم را که از خارج کشور تمویل وتسلیح می‌گردند و جهت اجرای اعمال خرابکارانه‌به‌کشور آزاد وانقلابی مااعزام‌میشوندبه زودی هرچه تمامترمحوو نابود سازند بااستقبال گرم وپرشورازمصوبه شورای وزیران جمهوری دمو کراتیك افغا نستان به صفوف قوای مسلح کشور روی می‌آورند و یقین کامل داریم که هیچ قدرت ارتجاعـــی‌و امپریالیستی نمی تواند اراده پولادین جوانان آگاه انقلابی و زحمتکش وطن مارا به شکست مواجه سازد عاقبت پیروزی از آن خلق افغا‌نستان وزوال ونابودی از آن دشمنان مردم افغانستان خواهد بود ٠

رسالت جوانان

اصلا حات وقتی در یك جامعـــه صورت میگیرد که اولتر از همه خود را اصلاح نموده باشیم و با مقررات جامعه و خواستها و نیاز های‌جامعه به دیده احترام بنگریم .

امروز ما عادت داریم که انتقـاد کنیـــم ، ولی آیـا یکبار بـــه‌خود متو جه شده ایم که چه مـی کنیم، مثـــلا بار-هار سانه های گروهـی روز نامه‌ها ، جراید ،مجلات ،رادیو، تلویزیون وغیره‌وغیره‌درمورد وقایع و حادثات ترا فیکی سخن ها گفتـه اند ، اما با تمام این ها کمتر شنیده شده است .

شما در عکس کودکان و نوجوا ـ نان را مشا هده میکنید که با وجود بار ها اخطار ترافیك باز هم خود‌ـ سرانه و لجو جانه در پایدان موتر ازدحام را به راه انداخته و با اینکه موتر در حرکت است از دستگیـر موتر خود را آویزان نموده اند . این حـرکـات که ناشی از ندا نـستن قوانین ترافیکی محسوب میشـــود بعضا باعث حاد ثات دلـــخرا ش ترافیکی میشود که خانواده های را در ماتم وسوگ می نشانند به خاطر جلو گیری از این نوع حادثات و به خاطر نظم و نسق عا مه، هـرکس مخصو صا هر جوان مکلف اند تابا دیدن چنین صحنه ها کسانی‌راکه چنین صحنه ها را بوجود می آورند متوجه حر کات نادرست شـــــان ساخته و از چنین حرکات باز شان دارد .

این مامول زمانی بر آورده میشود که خود جوانان ما که امروز رسالت بزرگ در قبال وطن و جامعه شـان دارند . قانون شکن نباشند و نظـم اجتماعی را مرعات نمایند .

وقتی جوان یا جوانانی‌که دایم‌دم ازقانون و مقررات و نظم اجتماعی می زنند بر خلاف توقع جامعه و خو‌ـ است آنها دست به این کار ها می زنند چطور کودکـان ونو جوانـان سخن هاو گفته های جوانان را در مورد قانون و نظم اجتماعی بپذیرند. خوشبختانه امروز جـو ا نـان‌مابـا رسالت عظیم و تاریخی که دارنـــد ملتفت این نکته گر د یده اندکـــه جوانان ما از هر وقت دیگر مجری قا نون و نظم اجتما عی انـــــد

اگر یك جوان‌رسا لتمند می ببیند که کودکی و یا نو جوانی ویا شخص سالخو رده‌یی خلاف مقررات رفتـار میکند باجبین گشاده و با خـوش رفتاری که سرمایه اخلاق و رفتار ـ نیك یك جوان شمرده میشود به‌طرف مقابل تفهیم نماید کـه ایـن کـار خلاف قانون است و همچنان بااین حرکت شان ممکن خطرات جانی و مالی نصیب آنها گردد با تذکر این موضوع که تمرد از قانون ومقررات بزرگترین خیانت محسوب میشود، بر جوانان است که در همه شئون زندگی اجتما عـی سعی و تـلا ش خود را ادامه دهند و هیچ چیز مانـع این حرکت آنها نگردد آن وقت است که مابه جرئت خواهیم گفت جوانان ما رسالت تاریخی خودرا دریافته اند و به یقین همینطور است و خواهد بـــود .

به این شکل‌آویزان شدن درموتر یا خطرات جانی ندارد ؟

مسوول این کارها کیست شما یا دختر تان؟

بدون شك اولین قدم های را که یك کودك بر میدارد و حر کـات‌را اجرا میدارد آن را از خانواده اش‌فرا گرفته است و این قانون طبیعـت است .

وقتی خانواده توقع دارد که نـو جوان و جوان خانواده دارای فـلان صفات نیکو باشد ، باید اولتر ازهمه اعضای خانواده به رفتار و کـردار خود متوجه باشند ، زیرا قرارقانون طبیعت کودکان و جوانان که خود از دامان خانواده تربیه و پرورش می یابند ازرفتار و کردار والدین خویش می آموزند .

چندی قبل‌در یك خانواده ، مادر که به منزله رئیس و هـمه کـاره خانه محسوب میشود بر دختر جوان خود قهر میشود و با عصبا نیـت میگوید : من نمیدا نم از دست ایـن دختر حرف ناشنو و بی تربیت چه کنم ، هر قدر میگویم که در مسایل خانه بامن همکاری نمایدکو چکترین تاثیری بر او نداشته و د ا یـما

بقیه در صفحه ٤٦

اندیشه‌های جوانان

عبدا لعلی کوهی

جوانان چشم و چراغ فـــردای کشور خود اند،جوانان وقتی رسالت تاریخی خود را در قبال وظایـــف و مسوو لیت های اجتما عی درك کرده میتوانند که نخست تیوری انقلابی بیا موزد و این تیوری و دانش را در خدمت مردم قرار دهند .

وظایف نسل جوان ما در قبـــال شرایط انقلابی افغا نستان آنقـــدر مهم است که‌کو چکترین تخطی از ان گناه‌بزرگ‌مسحوب میگردد. برجوانان ماست تاپیوند های خـود رابامردم مستحکم نمایند. به مردم‌پیام روزرا دهد وبه نیازهای مردم پاسخ‌وحدود امکانات آنرا فراهم آورند .

• • •

محمد حبیب محب زاده :

تاریخ شاهد است که کشور ما همیشه در طول زمانه شاهد فراز و نشیب ها بوده و مردم این خطه با- ستانی با روح آزاده که در خـــون و رگ آن ها نهفته است از ناموس و آزادی وطن حراست نموده انـــد امروز که وطن به ایثار و از خـــود گذری جوانان نیاز دارد به جوانـان است تا در راه آزادی کشور از هیچ گونه قربانی دریغ نه ورزند .

• • •

محمد جان:

جلب و احضار قسمی سر بازان کـه‌ازطرف شـو را ی و ز یـران تصویب گردیده ، به همه جوا نـان و کسا نیکه شامل این مصو به مـی میگردند لازم می افتد که با روحیـه وطن پرستی و از خود گذری در راه دفاع از وطن و دست آورد هـــای انقلاب ثور از هیچگو نه قر با نی دریغ نه ورزند .

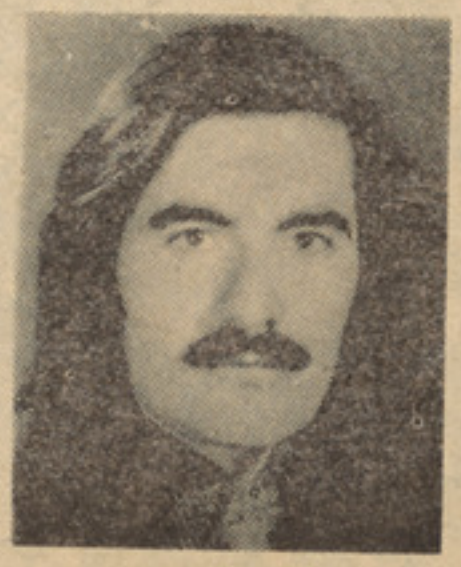

عبدالعلی کوهی

محمد حبیب محب زاده

محمدجان

جوانان وروابط خانوادگی

رخداد های زندگی بعضا به‌انسان موقع میدهد که به زند گیش مخصوـ صا به زندگی خانواد گیش فکر نماید و آن را به صورت واقعی ارزیا بـی نماید . به مشکلات خانوا دگی اش که ناشی از عدم مسوو لیت اعضا ی خانواده مخصوصا زن وشوهر مـی باشد فکر کند ودرمورد راه حـــل های آن و طـر ق جلـو گـیری‌از اختلاف های خانوادگی چاره بیاندـ یشند .

این مشکلات چگونه‌در بین‌خانواده ها راه می یابد و علت اسا سی‌آن در چه است .

وقتی این مشکل را از دوجهت بـا بهتر است بگویم از دونگاه برسی کنیم یکی از نگاه زن و دیگـری از چشم یك مرد خواهیم دید که هر دو خود را حق به جانب میدانند و در مسایل زندگی و روابط خانواد گـی ابراز نظر نموده و هر یـك د یگر شان را مسوول میدارند .

زن در این باره میگوید : هر قدر که زن و شوهرنسبت بیکدیگر عشق داشته باشند ، باز هم بیم آن می‌رود که شوهر دنبال زن دیگر بگردد و بوی عشق و عـلاقه پیدا کند و این امر نه از لحاظ این است که مردان ضعیف و بی اراده هستند و یا روح خیانت به همسر دروجود آنان دمیده شده است ، بلکه از این جهت است که مردان بغلط عقیده مندند که‌آنان بر زنان رجحان و بر تری دارند .و برای اثبات این امر دلیل وبرهانی اقامه نمیکنند بلکه به بعضی مسایل کهنه و خرافی که از گذشته هـــا میراث مانده اشاره می نمایند کـــه خوشبختانه امروز از این مسا یـل کمتر دیده میشود .

یکی از این مسایل کهنه و خرافی برتری و قوت مرد را نسبت به زن نشان میدهد. این مـردان مغـرور عقیده دارند که چون دارای حضائص به خصوص هستند و میتوا نند جرم خیانت به زن را پنهان دارند ازاین رو مانع ندارد که با زنان دیگـــر رابطه داشته باشند .

در گذشته زن در نظر مرد مخلوق ضعیف نا توانی بود که فقط زیبا یی و دلربایی دارد و بسیاری از مردا ن

بقیه در صفحه ٤٦

از شگفتی های جهان انرژی

از سویت یونین

میتود جدید تداوی مرض دیابت (شکر)

مرض شکر یکمرض استقلابی بوده که درآن نظم استقلاب مواد قندی برهم میخورد .

دانشمندان طب در طول سالیان متمادی درپی دریافت طرق بهتر تداوی این مرض بوده‌اند چنانچه به موفقیت های هم دست یافته باآنهم باوجود این همه تلاشهای که نموده بودند تا اکنون موفق نگردیده اند تا طریقه یا ادویه را ایجاد کنند که با استفاده ازآن بتوانند این بیماری که هنوز هم سیر مزمن دارد بصورت مطلق تداوی کرده وبیمار مصاب به مرض کاملا شفایاب گردد .

مگر در این اواخر اطبای اتحادشوروی میتود جدید ی را ایجاد نموده واز میتود مزبور که بنام او کسیجنیشن مبالغوی (اشباع حجرات عضویت توسط او کسیجن تحت فشار بلند) یاد میگردد در تداوی مریضان مصاب به‌مرض شکر استفاده میکنند .

در این طریقه تداوی یك کورس تداوی عبارت است از :

اشباع نمودن حجرات عضویت توسط اوکسجن تحت فشار بلند از ده تا پانزده دفعه دریك ساعت میباشد .

تحقیقات نشان داده است مریضانیکه به‌این میتود جدید تداوی میشوند بر علاوه که در استقلاب مواد قندی عضویت شان نظم برقرار میشود استقلاب مواد چربی وپروتینی عضویت شان نیز بصورت فوق العاده اصلاح میگردد. و همچنان در سیستم تولید انرژی عضویت شان هم آهنگی پدید آمده وبرای بیخوابی ، درد مبهم اطراف سفلی شان نیز مفید ثابت شده ودیابت (مرض شکر) عادتی را نیز اصلاح می‌کند .

از صوفیه بر س

ترجمه : محمد انعام رؤفی

سپاس وقدردانی ازبنیانگذار پوهنتون کلمنت اوهریدسکی

چندی قبل نودمین سالگرد پوهنتون کلمینت او هریدسکی صوفیه یعنی قدیمی ترین موسسه تعلیمی وتربیتی بلغاریا باافتتاح آثار تاریخی کلمینت او هریدی موسس پوهنتون مزبور تجلیل گردید .

کلمینت در تاریخ بلغاریا بحیث نزدیکترین همکار «سریل» و(متودیوس) برادران سالو ـ نیکال که به صفت یك رزمنده منطقی ومحافظه کار بخاطر حصول مقاصد خویش وبرای سازماندهی زندگی فرهنگی تعلیمی وتربیوی ملت بلغاریافعالانه مبارزه نموده اند شناخته شده‌است. پوهنتون اوهریده که توسط این شخصیت بزرگ اساس گذاشته شده نه‌تنها یك موسسه سواد آموزی ابتدایی و بدوی بوده بلکه، یك موسسه حقیقی تعلیمی نیز محسوب میگردد .

اگر اوراق تاریخ پوهنتون متذکره را ورق بزنیم خواهیم یافت که پوهنتون مزبور زمانی دراروپاحتی درجهان‌ازموقف بی‌نظیری برخوردار بود چنانچه حتی در هما نوقت یعنی زمانیکه اقلیت ناچیز مردم جهان از فیض سواد بر- خوردار بودند سالانه در حدود (۵۰۰) محصل جدید الشمول راجهت‌اکمال‌تحصیل می‌پذیرفت سازمان کلیسای جوانان را تشکیل داده و فعالیت های همه جانبه وی بودکه در قطار بنیا نگذاران دولت بلغاریا جازده است . یاد- گار تاریخی کلمینت او هریدی یك مجسمه بزرگی از او که دارای پنج متر طول بوده و توسط هنرمند مردمی کشور بلغاریا (لیومبو- میردالچف) پیگر تر اشی شده‌است که تاریخ بلغاریا بر آن میبالد با سرودستهای برونزی روبالا کشیده شده‌ودومشعل برونزی در دست هایش که توسط موصوف بخاطر آگاهی مردم بلغاریا روشن گردیده بیانگر بزرگی شخصیت اوو افتخار پوهنتون که‌توسطوی‌تاسیس گردیده مباشد .

مراسم افتتاح مجسمهٔ تاریخی کلیمنت اوهریدی در شهر صوفیه .

باخوردن جگر فشار های روحی وعصبی تا فرا تقلیل دهید

چند تن از دانشمندا ن در سال (۱۹۳٤) موفق به‌اخذ جوایز شدند که آنرا مدیو ن جگر میدانند . چه آن ها مرض کم خو نی(پرنیشتل)را برای اولین بار در تاریخ طبا بت به واسطه (ویتا مین بی- دوازد ه) با داد ن جگر به مریض مدا وانمودند اگر شما هم در غذا های روز مر ه تا ن جگر را علاو ه کنید نیـــز مستحق جایزه می شو ید. جایز ه برای دانستن و خورد ن یك چنین غذای مفید ، مکمل و خیلی عا لی، سر شا ر از ویتا مین ها، موا دمعدنی پروتین ، به علاو ه چیز های مفید دیگر که برا ی و قا یه صحـــت در جگر موجود میباشد . شوا هد در دست است که جگر انســا ن را در برابر دشمن کشند ه‌نمبریك (تشو شا ت رو حی و عصبی)وقایه میکند .

اقسا م مختلف فشار هـــا و تشو شا ت ، حساسیت در برا بر آواز های گو ش خرا ش، استعمال رنگ های ز هر دار در غذا ها ، تنفس گا ز کشند ه که از انجـن مرتر ها خارج شده هوا را آلـوده میسازد . هنگا میکه هر صبح ا ز بستر خوا ب بیدار و دو بار ه سر- تا ن رابا لای بالشس موقع شب می گذ ارید حتما در طو ل روز د ر پیشبرد امور محو له احسا ســـس خستگی میکنید پس بیایید ایـــن خستگی را با خورد ن جگر برطر ف سازیم .

درسا ل (۱۹٤۰) داکتر بنیامین ایر شو ف برای اولین باردریافت که با خورد ن جگر میتوا ن (فشار های روانی) را بر طر ف نمود . داکتر موصو ف اکنو ن‌پرو فیسور محقق بیو شیمی میباشد که بیش از (یکصد و هفتاد) مطا لعا ت وتحقیقا ت علمی را در ســا حا ت بیوشیمی انجا م داد ه است . در بر خی از این تحقیقا ت که‌در قسمت مواد غذا یی انجا م داد ه به ایـــن حقیقت پی برد که خورد ن جگرتازه ویا پو در آ ن به قسم تا بلیـــت انسا ن را در برابر فشـــار ها ی روانی محافظه میکند .

اگر جگر بتواند انسا ن را د ر برابر فلج ساز ی سلو ل ها،ناشی از تشعشعا ت و قایه نماید مساله تشو شا ت روا نی و عصبی رابا خورد ن آ ن میتوا ن حل شده تلقی نمود .

اینکه آیا این نیرو ی قدر تمنددر جگر چه خواهد بود ؟ کسس نمی‌داند اما داکتر ایر شو ف فر ضیـــهٔ علمی خودرا در مورد چنین بیا ن میدارد ... بعلاو ه مواد غذا یـــی شنا خته شد ه ، مواد غذا یی‌دیگری نیز در خورا ك ما و جود دارد که در مواقع فشار های عصبی مقا دیر بیشتر آنها طر ف ضرو ر ت‌وجود قرار میگیرد .

به عقید ه مو صو ف جگر خالص به تنها یی سر شار از این مـــواد نیرو مند غذا یی شنا خته نشد ه میباشد .

طبیب دیگر به نا م داکتـــر را- نیو ویچ از این مواد غذایی شنا خته نشد ه جگر استفا د ه نمود ه ادویهٔ از جگر به نا م عصار ه جگـــــر ساخت که به وسیله آ ن توانســت (یکصد و بیست و هفت) نفر راکه مبتلا به مرض شکر (دیابت)همراه بایکنو ع اختلال عصبی بودتداو ی کند . بعد از تطبیق دوا ی مذکو ر از و ضع صحی (یکصد وبیست) نفر از مریضا ن رو به بهـبود ی گذاشت .

داکتر را نبو ویچ عقید ه دارد که در جگر کدا م مواد شنا خته شد ه دیگر و جود نداشته که در تداو ی مریضا ن فو ق نقش بارز ی راایفا کرده باشد بلکه آن عبا ر ت ازوجود دو ویتا مین :،(بـــشش) و(بـــ دوازد ه) است که همیشه‌در طبابت برای تداو ی اختلا لات عصبی وکم خو نی از آن ها استفا د ه به عمل می آید و موصو ف در طبا بت در اثر تجر به مقا دیر خیلی کو چـك دو و یتا مین فو ق را در عصا ر ه جگر پیدا کرد و ا عـجاز غذایـی‌و دارو یی جگر را نا شی از و جود دو ویتا مین مذکور خواند .

داکتر دیگر ی جگر را و سیلـه تداو ی در چهل مورد بالا ی‌مریضانی که مبتلا به مرض (اولسر ، عضلات ساق ها) بودند قرار داد .بعضی از مریضا نی که برای (ده) سا ل از تداو ی صر ف نظر کرده بودند با پیچید ن دا که ای که در محلو ل عصار ه جگر » به کلی اشبا ع شده بود در نقا ط مر ض زد ه بعد ازمدت کو تا ه کا ملا شفا یا فتند .

همچنان از«عصار ه جگر » د ر تداو ی زخم های دیر مانده نا شی از جرا حی ، سو ختگی وامرا ضـــ جلد ی مانند آگز یما ، بیر ه وغیره نیز استفا د ه مینمایند . در یکی از راپور ها چنین آمده : شخصی که از تکلیف بیر ه رنج می برد و چها ر ما ه تحت تداو ی مخصو ص بیره قرار داشت ناکا م شـــد ، باگز فتن (دوازد ه) تابلیت جگر و سه تابلیت ملتی و یتا مین در روز برای یك هفته بیر ه های مریض‌رو به بهبود ی گذ اشت .

جگر منبع ویتا مین های «آ»و«ب»:

تجار ب ثابت سا خته که در جگر ویتا مین ها ی (بـــیك) ،(بـــدو) «بـــشش» و « بـــدوازد ه » طور وافر و جود دارد . همچنا ن‌ویتامین (ث) در هر ذر ۀ جگر موجود مـــی باشد . و قتی که از مواد معد نی حرف میز نیم ، آنها را مثلا آهن ، فاسفور س ، پتا شیم و مس که برای قلب مفید اند ، در جگـــــر یافته می توانیم .

تجر به این واقعیت را رو شـــن ساخت که (سی) نو ع غذا ی‌تازه ازجمله (چهل‌و هفت) نو ع ، د ر سا ل (۱۹٦٦)به مقا یسه سا ل (۱۹٤۲) از داشتن مس فقیربود . که این فقدا ن در گرا-ف امرا ضـــ قلبی سا ل (۱۹٦۷) سیر صعود ی قابل ملاحظه ای را نشا ن میدهد . تجر به نشا ن داد ه که فقدا ن ویا کمی مس د ر غذا باعث بلند ر فتن کولو سترو ل در خو ن گردید ه‌و موجب سکته های قلبی میگردد.ولی شما میتوانید با افزو د ن جگر در خورا ك روز مر ه تا ن کمبـــو د مس را در و جود تلا فی نمود ه‌از بلند ر فتن سطح کو لو سترو ل درخون جلو گیری نمائید.

مس هم مانند و یتا مین (ث) در ذره ، ذر ه ای جگر و جود دارد. طور مثا ل جگر هفتاد مر تبـــــه بیشتر از استیك گاو مس در خود ذخیر ه دارد .

چو ن کبا ب آبدار جگر برا ی بعضی از اطفا ل خو شمـــز ه نیست در دیگر ممالك از تابلیـــت های که از نقطه نظر غذا یی باتازهٔ آن کدا م فر ق ندارد استفا د ه مینمایند .

حال من بدتر است از شما

دو مادر که به تازگی شانزدهمین سالگر تولد پسر ودختر خـود را جشن گرفته بودند. در باره فرزندان خود صحبت می کردند . او لی آهی کشید و گفت :

ـ پسرم مرا می خواهد بکلی ناامید بسازد .هر حر فی که به او میز نم جواب میدهد !نی!

دومی آه عمیق تری کشید و گفت :

ـ وضع من هم بدتر از شما است . د خترم به هر چیزی که از او می خوا هد جواب میدهد: بلی .

بدون شرح

چگونه صرفه‌جوئی کرد

آقای مك تاریش بتازگی زن گرفته ـ برای گذرا ندن ماه عسل رفته بود در تمام مدت مسا فرت لحظه ای از اندرز دادن به زنش غا فل نما ندو مخصو صا همه را هنما یها و اندرزهایش پیرامون این نکته دور میزد که چگونه میتوان بیشتر صرفه‌جویی کرد .

در آخر ین روز سفر زن سری تکان داد و گفت :

عزیز م حالا میتوانم به تو اطمینان بدهم که کاملا یاد گرفته ام چگونه میتوان صرفه جو یی کرد وجلوی مخارج بیهوده را گرفت .

تو بمن خوب یاد دادی که چگونه باید از پول استفاده کرد.

ـ آخر ! به تو تبریك می گویم.

ـ متشکرم . حالا ممکن است چندشلینگ پوك بمن بدهی ؟

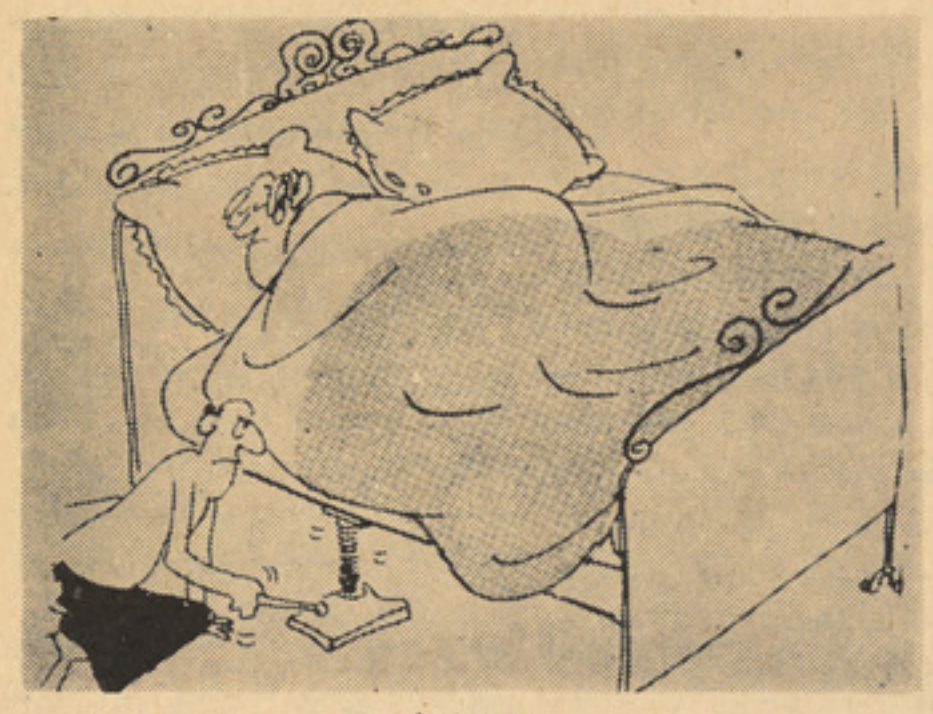

بدون شرح

زن به شوهر : عزیزم تااین سیخ خالی نشود من ازجایم حرکت نمیکنم

قبر پدرت است

در گورستان مردی در کنار قبری نشسته بود و گریه کنان تکرار می کرد:

ـ نی ، تو نباید میمردی ... تـو باید زنده میما ندی ... تو نبایـد میمردی .

یکی از رهگذران دلش سو خت. پیش رفت و گفت :

ـ حتما این قبر پدر یا پسر شما ـ است!

مرد گر یه اش شدید تر شد و جواب داد :

ـ نی این قبر شوهر اول زنـم است .

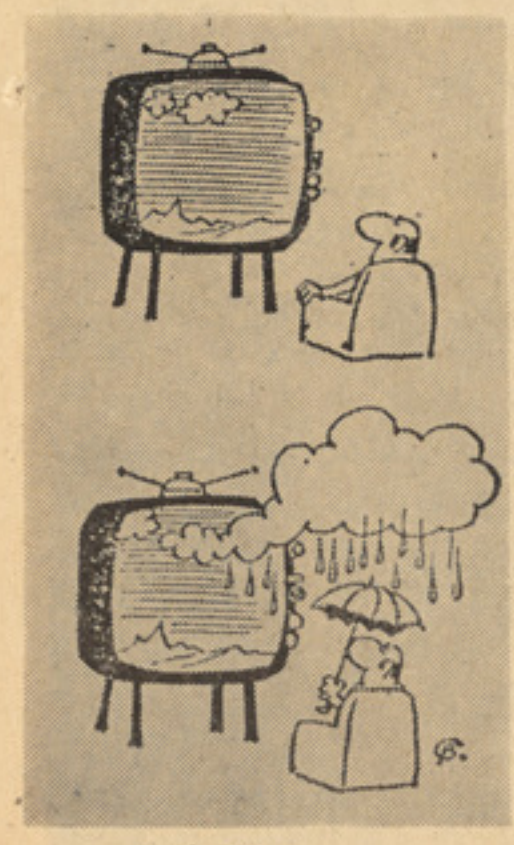

بدون شرح

چه مریضی داشت

دو دوست بعداز مدتها یك دیگررادیدند . یکی از آنها قیا فه ای بسیار ناراحت افسرده داشت. دوستش گفت :

ـاتفاق بدی افتاده است؟ این‌چه قیافه ای است که تو گرفته ای؟

مرد آه سو زناك کشیدو گفت :

سه هفته می شود که پسرم‌مرده‌است.

ـرا ستی ؟ چه مریضی داشت؟

هیچ فقط کمی ریزش کرده بود؟پس این که اینقدر ها مهم نیست.

آدم‌سخت گیری نیستم

خانمی بعد از زحمت و جستجوی‌زیاد بالاخره موفق‌شد که پیشخدمتی پیدا کند . بعد از آنکه وظایفش راشرح داد برای اینکه ا و را به‌کارش دلگرم کرده باشد گفت .

بزو دی خودت متو جه خوا هی‌شد که من اصولا آدم سخت گیری نیستم .

ـاحتیاج به یاد آوری شما نیست خودم وقتی شکل و قیا فه شوهرتان رادیدم‌متوجه این مو ضوع شدم.

بدون شرح

درعالم مستی

دو نفر مست در سالون ایستگاه راه آهن نشسته بودند . زن بسیار چاق داخل سالون شد و به طرف ترازوی اتو ما تیك رفت وسکه ای در آن انداخت و روی ترازو ایستاد. اما ترازو خراب بود و عقر به آن‌و زن را فقط ۳۲ کیلو نشان داد.

یکی از مست ها چند بار چشم هایش را مالید و به صفحه ترازو خیره شد ، بعد نگا هی به هیکل عظیم زن اندا خت و با بازوبه‌پهلوی رفیقش زد و گفت :

ـجانم چا قی را دیدی.؟ بین آن خا لی است هیچ چیزی نیس !

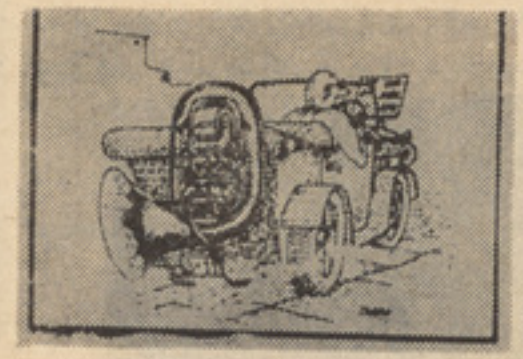

بدون شرح

داستان‌مستان

شب‌تاریکی بو د . مردی که‌تازه از رستوران پایان شد و به زحمت قدم بر میدا شت در یکی از خیا بان های خلوت کلیدی را از جیب خود بر آورد و به طرف یکی از پایه های آهنی چراغ برق رفت و به مشقتی سعی کرد کلید را در قفل دریچه ای که معمولا در پا یین تیر های چراغ هست فرو کند . مدتی تلاشی کردو موفق نشد بالاخره‌پاسبان‌سر رسیدو به شوخی به‌او گفت :

ـبرادر چه میکنی ؟ می بینی که هیچکسی در خانه نیست .

مردمست با انگشت چراغ رانشان داد و گفت :

ـ چرا آنجا را نگاه‌کنی‌حتما یك نفر است طبقه بالا روشن است.

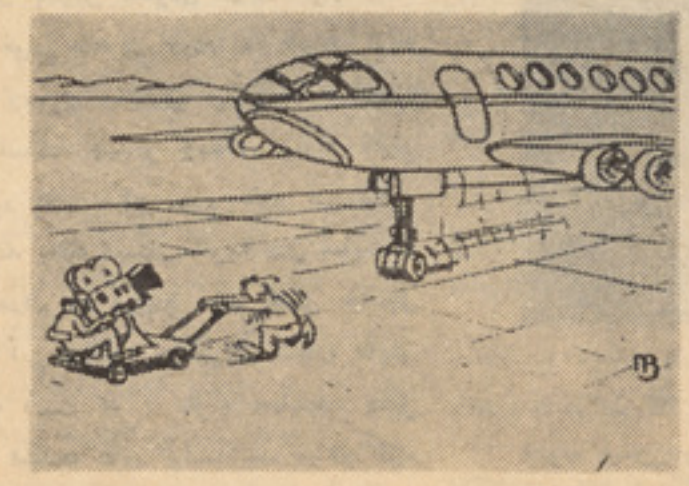

بدون شرح

تازه هایی از هفت اقلیم

ترجمه و تنظیم از میرحسام‌الدین برومند

ناتو، دشمن بزرگ بشریت

تجارت بین المللی اسلحه که بوسیلهٔ کشور های «ناتو» براه انداخته شده است مسلما در مللی که آنجا صلح حکمفرما است، تولید ناآرامی میکند • گسترش مسابقات تسلیحاتی، که مظهر جنگ افروزی کشور های ناتوست بدستیاری کشور های کاپیتالیستی روز تاروز فزونی گرفته است • تصمیم اتحاد شوروی وسایر کشور های سوسیالیستی مبنی برانعقاد یك کونوتسیون بین المللی در مورد منع ارسال اسلحه ، مخصوصا منع آن از کشور هائیکه ، آنجا مورد حملات امپریالیستی قرار دارد و همچنان جلو گیری از صدور اسلحه به تمامی رژیم های را سیستی وکلونیالیستی بیش از حد تصور نافع و در خور ستایش بوده است . معذالك مطالبات و درخواست های پیهم نیروهای صلحجو وترقی پسند جاگزین روش های مغلق و نظامی کشورهای امپریالیستی گردیده و پیوسته «ناتو» و ـ وابستگانش با مقاومت تلخ و سر سختانهٔ کشور های مترقی روبرو گردیده است• بدیهی است که در تجارب وارسال اسلحه اضلاع متحدهٔ امریکا پیشی وسبقت خویش را حفظ داشته و جمهوری فدرال آلمان که در ساختمان و ترکیب کشور های ناتو میخواهد خودش را موازی باقوس صعودی امریکا قرار دهد همچنان قوس صعودی خودرا در قسمت تولید وارسال وسایل تسلیحاتی می‌پیماید • خاصتا ارسال اسلحه وسایر وسایل ومواد نظامی در کشور های جهان سوم بطور سر سام آوری رشد یافته است. نشریهٔ «دی سایت» آلمان فدرال در شروع سال جاری عیسوی پیرامون این موضوع دریکی از شماره هایش نگا شته است که : نظربه محاسبات دقیق بسیاری اسلحه های تولید شده درکار خانه های آلمان فدرال در کشور هایی سراز یرو گسیل میگردد که درسی سال اخیر جنگ ، فقر ، هلاکت ونا آرامی همواره آنجا زبانه میکشیده است که در مجموع کشور های جهان سوم اسلحه بیشتری دریافت داشته اند • نظربه گزارش های تازه منابع امریکایی ، کنترول سلاح ، انحصار و صدور اسلحه و سایر لوازم نظامی از ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۷ هشت برابر گردیده است که این باری خطرناك بوسیله آلمان فدرال بشدت دنبال میشودو نظربه گزارشات منتشر شدهٔ رسمی صادرات اسلحه درسال ۱۹۷۹ به ارزش بیش از (۱۰۵) میلیارد مارك آلمانی بالا رفته است • درسال ۱۹۷۷ وزیرو قت آلمان فدرال صدور وسایل تسلیحاتی را به بیش از (۱،۹۲۵) میلیارد مارك آلمانی بیان‌داشته‌بود • براساس سنجش های سیاستمداران آلمان فدرال درسال ۱۹۷۸ (۲،۰۵) میلیارد مارك آلمانی که در واقع یك میلان قوی نظربه یك نشریهٔ ۱۹۸۰ فرانکفورت خوانده شده است ، بطور جدی این مصرف قوس صعودی اش را پیموده است • نشریهٔ دیگری بنام «فورس» دریکی از شماره های اول سال جاری نگاشت که : جمهوری فدرال آلمان درسا لیان ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ ارسال اسلحه را به قیمت (۵،۹۳) میلیارد مارك آلمانی ازدیاد بخشیده است که در سالیان ۱۹۷۶ ـ ۱۹۷۸ صدور اسلحه از انبار خانه ها و فابریکه های تولید اسلحهٔ آلمان فدرال به ۶۹ کشور جهانی صورتگرفته است که قیمت دریافت شده از بابت آن ونفعی که از بابت فروش آن برداشته (۴،۷۸) میلیارد مارك آلمانی خوانده شده است. واز سایر کشور های کوچك (۱،۸۶) ملییارد شرکت‌های انحصاری و تولید اسلحه آلمان‌فدرال‌چون کوروس‌مافای، هکلی، کوخ، بدین تازه‌گی ها (۴۰۰۰) وسیلهٔ دفاعی آتش برافروزکه که یك وسیلهٔ کاملا جدیداست به تایلندارسال داشته‌اند • همچنان از ین وسیله در اختیار رژیم خونخوار پنوچت نیز گذاشته شده است و همچنان وسایل تسلیحاتی دیگری چون ماشین های جنگی ، موتور های دیزلی برای زره پوش ها تایق های سریع السیر نیز بدین تازگی ها ساخته شده وبرای دامن‌زدن جنگ به کشور های دیگر فرستاده شده است

صدور اسلحه به کشور هائیکه آنجا علاقمندی وتمایل به‌امپریالیزم‌زیاداست وبیشتربانیروهای طرفدار پیشرفت وترقی اجتماعی در جدل‌اند، از طرف آلمان فدرال بیشتر صورت میگیرد

که مثلا میشود از صدور اسلحه به چلی اسرائیل ، رژیم نژاد پرست افریقای جنوبی السالوادور وامثال آن نامبرد موج اعتراضات همگام بااین روش بلند شده است چنانچه درخود آلمان فدرال همین چندی قبل پروتست کارمندان کار خانهٔ تولید قایق های تحت ـ البحری «کیل» بخاطردیکتاتوری پنوچت‌سروصدا راه انداخته وارسال اسلحه بوسیلهٔ آلمان فدرال رابدان کشور ، تقبیح ونکوهش نمودند چه مردمان بیدفاع بوسیله وسایل مذکور بیحد شکنجه می گردند . همچنان اعتراض شانرا علیه رژیم را سیستی افریقای جنوبی که به کمك آلمان فدرال وسلاح های مدرن «ناتو» بخاطر تقویهٔ رژیم اپر تاید در آنکشور همت می گمارند ، برملا ساختند .

در کنار سایر کشور های «ناتو» درعصر کنونی آلمان فدرال در آتش افروزی جنگ در کشور های جهان‌سوم‌یك رول رشد یابنده رادارا‌ست ، ودرکشور های عقبمانده چون «کاپ هون» واقع‌درامریکایی جنوبی یادرصحرا های شرق نزدیك دربسا مناطق‌ممالك‌افریقایی ویاهم در مرداب ها و باطلاق های شرق دور اسلحه ها ، تفنگچه ها، راکت ها و طیاره های جنگی جرمنی ، انسانرا بشدت بو حشت و حیرت می اندازد . بقول «هیر نبرگ» از روی محاسبات بین سال های (۱۹۷۳ـ ۱۹۷۷) هفتاد فیصد صدور وسایل تسلیحاتی آلمان فدرال رادرکشورهای جهان سوم تشکیل میدهد که ۴۶فیصد این وسایل اغلبا در قسمت های شرق نزدیك واسیای وسطی میباشد که صدور ۲۷ فیصد آن به افریقاو ۲۱ فیصدرا به امریکای لاتین نمیتوان ازیاد برد • طیاره «الفاجت» وقایق های سریع السیر وراکت های تیپ جدید «ام.بی.بی» مدرنترین وسایل نظامی آلمان فدرال درسال گذشته است • رسانه های گروهی المان فدرال روش مسلح ساختن کشور های دیگر رابوسیله آلمان‌فدرال «درواه یی بسوی بدبختی» لقب داده اند . «آلمان فدرال بایستی بخاطر سیاست نادرست مخاصمانه و دامن زدن فشار وستم وسیاست جنگ طلبانه ، خویش را تکوهش بدارد . چه روش آلمان فدرال ابدا انسانی نبوده و بخواست بشریت مترقی نیست »•

این مطلب ایست که اخیرا یك نشریهٔ مترقی آلمان بدست نشر سپرده است •

این یك مکتب است در شهر «دامور» واقع در لبنان • این زن بخاطر ویران شدن‌خانهٔ مسکونی اش در دهکدهٔ «یاخمور» که‌در جنوب لبنان موقعیت دارد ، میگرید •

البته اینهمه ویرانی ناشی از حملات ترورهای اسرائیلی است • آیا اینهمه ویرانی‌ودادن اسلحه به تخریبکاران را مگر امپریالیزم مرتکب نمیگردد ؟ یقینا !!

طبابت مدرن و تقرب تعداد تلفات نوزادان به صفر

در کلینیک زنان شفاخانه مرکزی «هانریش براون» در «سویکاو» ، سال ۱۹۸۰ یکسال فراموش ناشدنی بحساب می‌آید چه از بدو تاسیس این کلینیک تاالحال مجموعا (۷۷۲۵۰) طفل در آنجا دیده بجهان گشوده است که فقط سال گذشته این کلینیک شاهد تولد (۲۸۰۰) نوزاد بود • مسوول کلینیک متذکره علت زیادت نوزدان واینکه این کلینیک‌حتی یکنفر تلفات هم ندارد ، مودر نیزه ساختن طبابت وسنجش تدابیراساسی برای جلوگیری از بروز خطرات احتمالی، تجهیزساختن سالون هاو اتاق های ولادت باوسایل مدرن طبی، ورزیده ساختن دکتوران ونرس ها را، همه‌و همه عواملی شمرد در جهت فعالیت های شگفت انگیز کلینیک • چنانچه در تصویر می‌بینم که کودك نوزادباچه مواظبت و مراقبت دقیق دکتوران چیز فهم وورزیده پس از تولد مورد معاینات جدی قرار گرفته است تازمینهٔ رشد بهتر و صحی تراو فراهم آمده وبدون هیچنوع نقصان رشد یابد •

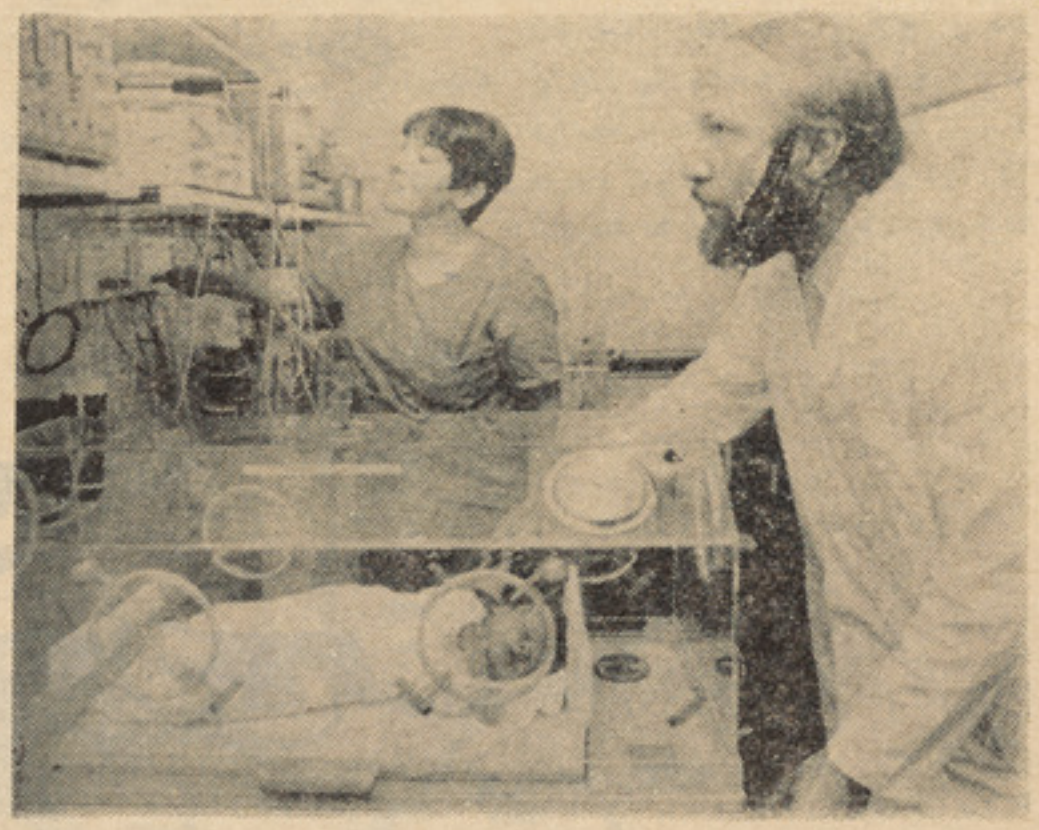

کودکان کلینیك بامدرنترین وسایل تست میگردند .

استعمار نو، دشمن سرسخت کشورهای درحال رشد

درساحهٔ تجارت شرکت های انحصاری بین المللی به استناد راپور های تازه ازسال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۷ معادل ۱۲۴۲۰۰ میلیون دالر نفع از کشورهای در حال رشد ستانیده اندکه قسمت اعظم‌این سودکه‌بالغ بر ۷۲۲۰۰میلیون دالر میگردد • درطی‌دهۀ ۱۹۷۰ حاصل‌گردیده است که اگر مفاد سالانهٔ آنرا محاسبه نمائیم ۹۰۰۰ میلیون دالر میشود • منافع عموما به اسعار معتبر بدست می‌آید که این امر منجر به متضرر شدن وضع مالی کشور های تازه به استقلال رسیده میگردد • در هر صورت ارقام متذکره نمونهٔ از گسترش استثمار است بااین معاملات استثمار گرانه ، کشور های در حال رشد سالانه‌بدون‌موجب (۲۵۰۰۰) میلیون دالر متضرر میشوند . به اساس گفته های متخصصین‌بانك‌جهانی‌وسازمان همکاری اقتصادی درسه سال گذشته قروض کشور های در حال رشد از بابت همچو مفاد گیری های کمر شکن به ۳۶ میلیون دالر سیده است • از طرفی کشور های در حال رشد بجهت فزونی قیم، برای انتقال تکنالوژی از طرف غرب خسارات هنگفت را متحمل میگردند • خسارات سابق کشور های آسیایی ، افریقایی و امریکای لاتین که بخاطر خریداری تکنالوژی تاپایان دهۀ هفتاد به آنان وارد آمده مجموعاً بیست الی چهل میلیون دالر خوانده شده است• البته قیم واقعی انتقالات تکنالوژی در شرایط کنترول بر فعالیت های شرکت بین المللی ده هزار میلیون دالر خواهد بود که در حصهٔ کشور های در حال رشد این چار چند بیشتر است که زیاد بیرحمانه میباشد • بهمین دلیل سطح پائین تادیات اضافی برای تکنالوژی به ارزش ۲۰۰۰ میلیون دالر بسیار احتمالی بنظر می‌آید •

کشور های غربی وشرکت های بین المللی باوصف‌اطمینان های مکرر در مورد تمایل شان‌پیرامون تجارت عادلانه ازسیاست‌تبعیضانهٔ خویش درساحه تجارت‌خارجی دست برنگرفته، نفع هنگفت دریافت میدارند سالانه سی هزار میلیون دالر از حجم کلی تجارت خارجی برای رفع موانع تعرفوی به مصرف میرسد •

کشور های در حال رشد غیر صادر کنندهٔ نفت ، چهارده فیصد تجارت جهانی رادر بر- میگیرند در حالیکه خسارات شان ناشی از محدودیت های تعرفوی تخمیناً به۴۲۰۰میلیون دالر میرسد . خسارات هنگفت کشور های در حال رشد نیز در نتیجه وضع تعرفه ها ی بلند که بخاطر تامین صادرات شان از طرف صاحبان کشتی های باربر کشور های در حال رشد تحمیل میگردد ، وارد میشود • تنها اروپای غربی از درك انتقال سامان آلات۹۶۰ میلیون دالر کشور های‌درحال رشد رابه‌غارت میبرد در حالیکه کشتی های امریکایی وجاپانی اموال زیاد را انتقال میدهند • این احصائیه باید کم از کم دو چند باشد وبه ۱۹۰۰میلیون دالر خواهد رسید •

بینظمی پولی در غرب شدیداً میزان تادیات رادر کشور های در حال رشد متاثر گردانیده است کشور های تازه به استقلال رسیده • در سال های ۱۹۷۰ در نتیجه تعدیل نرخ مبادلات اسعار از طرف کشور های امپریالیستی ۵۸۰ ملیون دالر خساره مند شدند • علاوه بر آن ،یك قسمت قروض‌کشور های در حال رشد که باید به اسعاری دو باره پرداخته میشد که ارزش شان در برابر دالر امریکایی بین سال های ۱۹۷۱و ۱۹۷۳بلند رفته ، به صورت اتوما تیك به ۵۰۰۰ ملیون دالر افزایش یافت • در سال ۱۹۷۸ ذخیرهٔ خصوصی پولی ساکنین کشور های‌آسیایی و امریکای لاتین دربانك های تجارتی غرب به (۷۰۰۰۰) میلیون دالر تخمین شده است• در عین زمان اوسط سود در مارکیت قروض خصوصی به هشت فیصد بالغ گردیده است• بدینترتیب باسه فیصد فرق ،(۲۱۰۰) ملیون دالر نفع آن بانك است که برذخایر شخصی بعضی از ساکنین کشور های در حال رشد فعالیت دارد • این همان قیمتی است که باید تجار کشور های در حال رشد برای شرکت درکلوپ بانکداران بین المللی بپردازند .

بخاطر صحت انگولایی ها

از سال ۱۹۷۶ بدینسو دکتوران متخصص، ماشین ولوازم اورتوپیدی و فزیوتراپی از تمامی کشور های‌مترقی جهان درلواندامصروف خدمتگزاری اند • درین کشور ماهانه ۱۵ تا۲۰ بازو وپای مصنوعی در وجود اشخاصیکه با اشکال ویاهم عوامل متعددست هاوپاهایشانرا از دست داده ،نصب‌وجابجا میگردد • این‌بازو هاو پاهای مصنوعی جدیداً ساخته شده واز پاها و بازو های اصلی تفاوت چندانی نداردو بظاهر چون اعضای اصلی بدن مینماید •

اخیراً هفده جوان انگولایی که فاقد دست وپابودند ، بانصب بازو ها و پاهای‌مصنوعی صحتیاب گردیده بکاروزندگی شان بطور عادی وبسان انسان های تنومند وصحتمند ، ادامه میدهند .

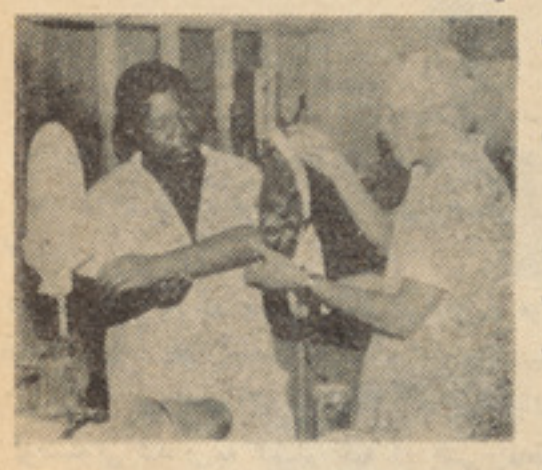

یك انگولایی تحت طبابت .

برای ویتنامی های کوچك

یکتعداد کتب وغیره لوازم درسی ، مساعدت جوانان مکتب پوتسدام که مکتب مذکوربنام «روزا لو گسمبورگ» یاد میشود در تحت نام «برای ویتنامی های کوچك» به ویتنام فرستاد شد •همچنان‌اطفال « شهر پوتسدام» در کوچه ها وبازار ها راه افتیده وبا اجرای کنسرت هابطور سیار و اجرای نمایشات و برنامه های دلچسپ همبستگی شانرا بخاطر باسواد شدن فرزندان ویتنام ابراز داشتند کتابچه هاو سایر وسایل‌درسی متذکره ارزش بیش از سه میلیون مارك را دارا بوده و بدسترس اطفال ویتنام گذاشته شد•

اخیراً یك کشتی مو توری موسوم به «لنیری لوت هرمن» آخرین بار کتابچه هارا در سرزمین دوست ویتنام انتقال داد .

برای شما برگزیده ایم :

هر هفته یکداستان از ادبیات جهان

این هفته از ادبیات لهستان

ولادیسلاو ایستانیسلاو ریمونت
برندهٔ جایزهٔ نوبل

مرگ، میراث و حرص

ولادیسلا واستا نیسلا و ریمو نت نو یسنده‌به شهرت رسیده ومحبوب کشور لهستان که در سال ۱۹۲٤ جایزه نوبل به او تعلق‌گرفت‌در سال ۱۸٦۷ مـتولد گشت و در ۱۹۲۵ درگزشت .

دوران کودکی او در تنهایی و فقر در یکی‌از مزارع لهستان تحت سلطه رو سیه دوران نزاری گذشت ، فقر موجب گردید که نتواند‌تحصیلاتش را ادامه د هد تقریبا سال های‌اوایل جوانی اش در پی کسب نان به آوارگی درشهرهای لهستان گذشت در ۱۸۹۳ متو جه‌استعدادش به نویسندگی شد و به کـار قصه نو یسی‌پرداخت که از همان آ غاز مورد تو جه مجلات ادبی قرار گرفت .

شاهکار او کتابـی است بنام « دهقانـان» که در آن فقر و بد بختی رو ستا نشینـان کشورش بخوبی تصویر شده است «کمیـدین»«ارض مـوعـد» و « خـواب بیننده» از آثـار مشهور دیگر او هستند که در سال های‌آخرعمرش به نگارش آ مده است« مرگ، میراث و حرص » که در فصل زیر عنوان « مرگ » به‌نگارش آمده و به وسیله جمال میر صادقی ومحمود کیا نوش به دری بر گردان شده‌است‌ازمجموعه ادبیات معاصر لهستان ترجمه شده وماآنرابامقداری تزئیدوتصرف برای‌شمابرگزیده‌واز نظر تان می گذرانیم .

«بابه کلان ، با به کلان ، بر خیز ، میشنوی، چرا جواب نمی د هی ؟ بابه کلان بر خیز !»

پیر مرد که به شدت میلرزید ، نالید :

« خدایا به دادم برس ، خدای بزرگ »

چهره اش از زیر پو ستین پیداشد، چهره‌یی تکیده ، خرد و بزرگ و پر چین و چروک ، همرنگ مرده و یا برنگ خاك ، خـاکی که سال های ز یادی در آن کشت و زرع‌کرده‌بود، با مو های ژو لیده و پریشان و سپید، مثـل شیار های ز مین شخم زده در فصل پا ئـیز چشم هایش بسته بود ، چنان به سختی و دشواری نفس می کشید که ز بانش از دهان نیمه باز و کبود و لبهای تر کیده‌اش بیرون می افتاد .

دخترش فریاد زد :

– بتو میگویم ، بر خیز !

دختر کوچك باناله تکرار کرد :

«بابه کلان !»

بازیر پیراهنی و پیش بندی که به روی سینه اش بسته بود ، سر پنجه پا ایستاده بود تاچهره پیر مرد را دیده بتواند :

«بابه کلان »

چشمهای آ بی او پر از اشك بود و چهره چرك پر کو چکش پر از غم ، یکبار دیگـر صداکرد :

«بابه کلان ! »

و به بالش چنگ انداخت ، مادرش فر یاد ز د:

« خفه شو »

از پشت گردنش و او را مقابـل بخاری انداخت ، پایش به سگ ماده‌ی نیمه کوری‌که بستر خواب را بو میکشید ، گیر کردوباغرغر گفت :

– گمشو سگ لعـنتی ، گمشو ، میری ، گم میشی ، لاشه سگ !؟»

باکفش تلی چو بی خود ، چنان لگدی بـه سگ زد که حیوان روی زمین غلطید و زوزه کشان به طرف در بسته خزید .

دخترك هق‌هق کنان نزدیك بخاری ایستاده بود و با دست های کو چکش بینی و چشم‌های خودرا می مالید .

زن با خشونت بیخ گوش پیر مرد بیمـار نجوا کرد :

– بابا تا اعصابم را خـراب نساخته یـی ، برخیز !

پیر مرد خا موش بود ، سرش به یکطرف افتاده بود و نفس هایش سخت و سخت تـر بیرون می آمد ، د یگر از عمر او چیزی نمانده بود :

– بر خیز ، چه فکر کرده‌یی ، گمان میکنی می‌توانی درد سر مر گت را به ما تحمیل کنی، مگر من میگذارم ؟ برو پیش « جولینا» پیـر سگ ، حالا که تمام‌ملکت را به جولینابخشیدی باید نگهداری ات را هم بکند ، حالا زودباش،

تابازبان خوش باتو صحبت میکنم ، بر خیز وبرو .

– ای پر وردگار بزرگ ، ای خدای‌بخشنده!

چهره اش که از اضطراب و عرق تر بود با تشنجی ناگهانی منقبض شد ، دخترش با تکان شدیدی لحاف پر را از روی او کنار کشید و د ستش را دور کمر پیر مرد انداخت وبا عصبانیتی فراوان او را از بستر بیرون کشید به طو ریکه فقط سر و شانه ها یش‌روی تشك ماند، او مانند یك تکه‌ی چوب بی‌حرکت بود ، تکه چوبی خشك .

به دشواری ز یر لب تکرار کرد :

– کشیش ، جناب کشیش .

ودخترش با تمسخری آ شکار جواب داد :

–برایت کشیش بیاورم ، تو مثل یك سگ باید در خوك دانی جان بد هی .

زیر بغل پیر مرد را گرفت اما و قتی دید که سایه‌یی با شتاب از پشت پنجره گذشت، بیدرنگ او را به زمین انداخت و با لحاف کاملا روی او را پو شاند ، یکنفر به طرف خانه می‌آمد ، و قت کمی داشت که پای بیمار را به بستر بکشد ، با چهره یی که از عصبانیت کبود شده بود ، لحاف را با خشونت روی او کشید ومرتب کرد ، زن د هقان همسایه وارد اتاق شد .

– حمد بر مسیح .

زن جوابداد :

– تاابد الاباد .

باید گمانی از گوشه چشم زن د هقان را نگریستن گرفت .

– چطوری، خوبی ؟

– شکر خدا ، میگذرد ، ودر حا لیکه‌برف‌را از کفش خود میتکاند پر سید :

– حال پیر مرد چطوره ، خوبه ؟

– به ، چطور میتانه خوب باشه ، آخرین نفس هایش است .

– همسایه این طور نگو ، همسایه !

روی پیر مرد خم شده بود ، پیر مردنالید:

« کشیش »

– ای وای خدایا ، مرا نمی شنا سد ، کشیش می‌خواهد ، در حال مرگه کارش تمامه، کسی را عقب عالی جناب فرستادی ؟

– مگر من کسی را داشتم که بفرستم ؟

– اما تو که نمی خواهی یکنفر مسیحی‌بدون مراسم مذهبی بمیره ؟

– نمیتانم تنهایش بگذارم و بروم . شاید هم حالش خوبا شود .

– گمان نمی‌کنم ، و ضعش خیلی خرابه ، ببین باچه مشکلی نفس میکشه ؟

– بلی همین طور است ، پس خوا هش میکنم تو این کار را انجام د هی و بری عقب کشیش .

– خیلی خوب ، و قت تنگ است ، پس من ر فتم .

پیشبندش را محکمتر دور گر دنش گره زد :

– خدا حافظ « آ نت کوا » .

– خدا به همرا هت .

وقتی که زن همسایه بیرون رفت، آنت‌کوا شروع به مر تب کردن اتاق کرد ، اتاق را گردگیری و جارو کرد ، خاکستر های اتاق را دور ریخت ، ظرفها را شست و کنار هم چید، گاه‌گاه بر میگشت و نگاه نفرت باری به پیرمرد می انداخت ، تف میکرد ، مشتهایش را گره میکرد و سرش را باپیچارگی مایو سانه یی بالا میبرد و با خود گپ میزد :

– پانزده جریب ز مین ، خوك ها، سه‌تاگاو، اسباب و لوازم خانه ، آن همه لبا سها ، حتی نصف اینها هم ثروت بزرگی است، خدای من .

مثل این بود که اندیشیدن در باره این همه ثروت نیروی تازه‌یی به او داد ، ظرف‌ها را با سر و صدا جابه جا کرد و ادامه داد :

– آن همه مرغ ، آن همه گوساله و آن همه وسایل وابزار کشت و کار همه را برای آن فاحشه گذاشت ، انشاء الله که با نکبت‌بمیری، انشاء الله کرم ها در گور ریزه ریزه‌ات‌کنند، برای اینکه در حق من این همه ظلم کردی برای اینکه و ضع من از یتیمان‌هم بدتره .

لبریز از خشم بطرف بستر بیمار د و ید وفریاد کشید:

– بر خیز !

وقتی پیر مرد حرکتی نکرد ، با مشت‌هایش او را تهدید کرد و باز بیخ گوشش فریاد کشید :

– برای این اینجا آمدی که نزد من بمیری ومجبورم کنی خرج‌وکفن و دفنت را بد هم ، یك طاقه شال برایت بخرم ، این آ رزو راباید به گور ببری ، اگر جولینا جانت اینقدربرایت عزیز است ، بهتره عجله کنی و نزد او بروی، مگر مقدر من بوده که سر پیری پیش من بمانی ، عزیز دانه‌تو جو لینا ست‌و...

وقتی صدای زنگ دروازه بلند شد ، سخنش را ناتمام گذاشت و کشیش با ظرف آب مقدس وارد شد .

بقیه صفحه ۳۷

جوانان و روابط ...

بر این عقیده اند که زن فقط برای تمتع و لذت مردان آفریده شده است و بسیار سخت و دشوار است که عقیده چنین مردانی را تغییر داد و به آنان فهماند که زنان فقط برای لذت و عشقبا زی آفریده نشده اند و بنا به مقاصد بهتر و عالیتری آنان بوجود آمده اند .

از این رو هر زن شوهر دار عاقل و فهمیده ای که مایل بخو شبختی زنا شویی میباشدخوب است با آینه حقیقت خویشتن را بنگرد و نوا قص و بدیهای خود را در نظر بگیرد و رفتار خو درا نسبت به شوهری که مایل است او را از دست ندهد وبه خوشی وسعا دت با وی زندگی کند، نیکو بسنجد .

اگر زن چنین کند و بداند تمایل و رغبات شوهرش چه چیز است به آسانی میتواند فقطشوهر ش رابرای خود نگهدارد و نگذارد عشق و علاقه هیچ زنی دیگری در قلبش رخنه کند واگر زن دراین وظیفه قصور کندو اهمیت باین موضوع ندهد ، باید بداند که زن دیگری را پیدا خواهد کرد . در زیر بعضی از اشتبا هاتی را که اغلب زنان مرتکب آن میگردند و ممکن است شوهر به اثر همین اشتبا هات اعتنایی به همسر خود نکرده و علاقمند بزنان دیگر شود. یاد آوری میکنیم .

هر مرد و هم چنین هر طفلی می داند که چه وظایفی دارد و یاد آوری این وظایف و تکرار آن نتیجه کلی میدهد ، زیرا مردان چون کود کان سر سخت و لجوج هستند و مرد طبعا مایل است وظایف خود رانسبت به خانواده خویش انجام دهد و از این روزن نباید مرتب به شوهرخود بگوید که این وظایف را انجام دهد، زیرا این امر بر شوهر گران آمده و ممکن است با علاقه ایکه به انجام آن وظایف دارد ، شانه از زیر آن وظایف خالی نماید . در این جا نا گفته نماند که زن پاکدامنی ونجابت وعدم جلفی خود ببالد ولی این امر نباید مانع از این شود که رابطه حسن خود را با شوهر ندیده بگیرد وفر- اموش کند که شوهر ش دارای قوه شهوت است وباید ازین حیث اورا راضی نگهدارد و آنچه لازمه یک زن شوهر دار است بکار برد .

اگر زن این امر را فرامو ش کند کاخ سعادت زنا شوی خود زده است و چیزی نخواهد گذشت که شوهر برای اطفای کامل حس شهوت با زن د یگری ارتباط پیدا نماید و از راه راست منحرف شود .

عدم تفاهم :

زن کاملا متوجه این نکته باشدکه مرد عقیده مند است که جنس مرداز جنس زن بهتر و بالا تر است این طرز تفکر که مال خیلی قدیم است و امروز خریداری ندارد و همین مسایل بود که بین زن و مرد عدم تفاهم را ایجاد میکرد بسیاری اززن ها با اینکه میدانند شوهرشان به چه چیز های عشق و علاقه دارند دراین باره بی جهت باآنها ضدیت ومخالفت میکنند ، مثلا اگر مرد علاقه به مطالعه داشته باشند زن همه اش از زیادی کتب و مجلا تیکه شوهر ش دارد ناله میکند و آنها را به اینطرف و آن طرف میافکند و یا عشق به ورزشی و یا جمع آوری اشیای عتیقه داشته باشد . از وی می خواهد به مسایل دیگری توجه نماید .

زن فهمیده نباید شوهرش راوادار کند از چیز هاییکه مورد اعلاقه اش میباشد دست بر دارد ، زیرا این امر سبب میشود که زن زیرك و فهمیده دیگری که پی به اخلاق ورو حیات شوهرش برده است ،او را از دست وی بر باید بلی ،زنان زیرك مترصد اولین فرصتی هستندتا چنین شوهران ناراضی را بدام بیافکنند .

اگر زن کا ملا برو حیات و اخلاق شوهر پی ببرد و بداندکه او به چه چیز ها عشق و علاقه دارد و طبق دلخواه او عمل نماید ، هرگز شوهر ش احساس تنها یی و عدم خو شبختی نمی نماید و ابدا حاضر نمیشود زن خود را ترك گوید و با زن دیگر دوست و آشنا شود ورابطه پیدا کند .

حسادت:

حسادت کور کورانه اسلحه در هم شکننده‌ای برای کاخ سعادت زنا - شویی محسوب میشود ، و اصولا این غیرت بی جا و کور کورانه بر اثر اوهام و خیلات دست میدهد. مثلا اگر زنی دید که شوهر ش با بعضی از خانمهای شیك آشنا یی پیدا کرده است دستخوش و هم و خیال گردیده و از روی ترس و نگرانی دست به کار های نابخردانه میزند .

نتیجه آزما یشهای علمی اینست که پایه حس حسادت بر روی ترس گذارده شده است و اصولا اشخاص متکبر و خود خواه که بیشتر خود را دوست میدارند ، وبه دیگران محبت ندارند دستخوش حسادت می شوند .

این چنین اشخا صی برای این مایل هستند مورد عشق و علاقه دیگری قرار گیرند تا شخصیت آن مهمتر گردد و اگرمورد علاقه شخص منظور نظر شان قرار نگر فتند احسا س به شکست می نمایند اگر چه مدعی میشوند که قلبشان زخمدار شده است ، ولی در حقیقت صدمه به شخصیت و پر ستیژآنان وارد آمده است .

حسادت به طوریکه بعضی هاتصور میکنند ، دلیل عشق ومحبت نیست وضعف و شدت آن نمی رسا ند که فردی نسبت به فرد دیگر تا چه اندازه علاقه دارد . بلکه می رساند شخصی که دراین مورد حسادت خود نشان داده است تا چه اندازه خود خواه است .

زنهای هستند که تظاهر به عشق چندین مرد که شفیته آنها هستند می نمایند اگر یکی از آن مردان به دختری علاقه پیدا کرده و روی از آن بر گرداند بر انگیخته میشود و ناسزا میگویند ، این امر نه از این لحاظ است که آن مرد را دوست میدارند ، بلکه از آن جهت است که دختری آنها را شکست داده است.

حسادت بی جا وکور کورانه بزر- گترین عامل عناد ولجبازی است و همین امر سبب میشود که مرد خود رادرآغوش زن دیگری بیا فکندتااز غرغر زن و اتها ماتی که بروی وارد می آورد آسوده شود در هر حال چه شوهر گناهکار باشد و چه گنا هی نداشته باشد ، برای اینکه از ملامت و سرز نش و بدر فتاری همسرش رهایی یابد ، مرتکب این خیانت بزرگ میگردد .

اشك:

اشك و گریه زن به طوریکه شایع است بزر گترین اسلحه او به شمار میرود ، ولی دانشمندان روان شناس بر این عقیده هستند که بکار بردن این سلاح بر ضرر زن تمام میشود و گاهی هم ممکن است اشك های زن معجزه کند زیرا چه بسا که شوهر برای ممانعت از ریختن اشك های همسر خود بهر کاری دست زند تا اینکه از احساس بگناه خود نسبت به همسرش بکاهد ...

بقیه در صفحه ۵۱

بقیه صفحه ۳۷

مسوول...

درس های را بهانه قرار داده و از همکاری با من شانه خالی میکند با اینکه دختر جوان است و این کار ها که من برایش میگویم به درد آینده- اش می خورد ولی با آنهم کوچکترین توجهی نمیکند نمیدانم با این دختر حرف ناشنو چه کنم .

خانم محترم !

شما که مسوو لیت عام و تمام دختر تان رابعهده داشتید وداریـد آیا فکر نمی کنید که دیگر حرفهای تان چندان تاثیری بر دختر تان نمی بخشد. می پرسید چرا تاثیر نمی گذارد، خدمت تان میگوییم که:اگر شما در آن وقتی که دختر جوان امروزی تان،کودك بیش نبودبرایش میگفتید که این کار را بکن و این کار رانکن وو میدا ستید که در کار های منزل با شما همکاری نما ید، امروز به این مشکل دچار نمی بودید و دختر جوان تان را بی تربیت وحرف ناشنونمی گفتیدشاید شما حق به جانب باشید که دختر تان در کار های منزل با شماهمکاری ندارد ولی آیا واقعا مشکل او راکه درس های مکتب او است درك می نمایید آیا از دختر تان توقع ندارید که در امتحا نات درجه خوب داشته باشد . پس وقتی دختر تان موضوع مشکل درسی ها را با شما در میان میگذارد شما نباید عصبا نی شوید

و توقع ما از دختر تان نیز اینست که برای مطالعه دروس خویش پرو- گرام معین تنظیم نماید و باقی وقت را با شما در کار های منزل کمك ودستیاری کندآنوقت است که خانواده خوشبخت خواهند بود و از این نوع مشکلات نخواهند داشت .

به امید زندگی بهتر از امروز تان .

به همکاری: دیپارتمنت روانشناسی پوهنځی تعلیم وتربیه

نوشتهٔ : حمیرا نگهت دستگیر زاده

عقدهٔ حقارت چیست؟

آیا عقده همیشه بد است؟

آیا عقده حقارت یك مرض بدون تداوی است؟

و آیا باور دارید هیچ انسانی بدون عقده نیست؟

در روان شناسی عقده عبارت ازیك اندیشه ویا دسته ای از اندیشه ها ست که توسط یك قید نیرومند عاطفه ای بهم پیوسته اند . هر گاه ما چیزی را به شدت احساس نمایم معمولا با عقده سروکار داریم . به عباره دیگر عقده به‌صورت عام عبارت ازیکدسته ذهنیت‌های احساساتی اند که باشی معین یا فعالیت معین در فرد مرتبط بوده وقسماغیر شعوری می‌باشد ولی قویاً وجدا سلوك فرد را متاثر میسازد . به صورت خاص عقده عبارت از وسوسه مبالغه آمیز است که ترس ها وتنفرات اغراق آمیز رادریك فرد افاده میکند .

اما باید دانست‌که ذهن هرکدام‌ماانباشته از عقده‌هاست وهریك‌ماازبدوطفولیت پیوسته بااین عقده ها در تماس هستیم و آنهارا به نحوی از انحا درذهن خود جمع آوری‌می‌نمایم که گاهی وحتی گفته می‌توانیم بیشتر اوقات به حال مامفید وسود بخش وبه ندرت و یا گاهی هم زیان بخش و مخرب بوده‌اند .

یکی از مهمترین مشخصه عقده ممکن این باشد که انسان رابه عوض برانگیختن به تفکر منطقی به تفکر عاطفه ای وادار میکند . برخی از افکار وندایشه ها موجود اند که تولید احساسات نیرو مند و مهیج نمی‌کنند مثلا موضوعاتی مانند مباحثه‌کتب‌درسی ، این گونه مسایل ممکن است با خونسردی مورد بحث قرار گیرند . اما اگر یك دسته ازشاگردان را در نظر بگیریم که راجع‌به‌امتیازات مکاتب شان باهم داخل مباحثه اندویا صحبت چند نفر تاجر رادر مورد حرفه تجارت مورد دقت قرار دهیم به ملاحظه میرسد که اوضاع به کلی فرق میکند وبحث دیگر جنبه عادی ندارد . بلکه احساس ما بیدرنگ روی دایره می‌ریزد ونه تنها افکار مارا تقویت میکند بلکه نه‌آنها تسلط نیز حاصل میدارد . مشاهده خواهم‌نمود که چه سان در این گونه موارد در بحث گرم می‌شویم و می‌کوشیم حتی المقدور مثبت‌ترین ومو ثر ترین سخن را بر زبان آریم ماندانسته طوری رفتار می‌نمایم که گویی شدت ایمان وحراست روح مان تنهاداور مباحثه است گاه اوقات ضمن تلاش عجیبی برای تحمیل عقیدهٔ خود سخت خشمناك میشویم زیرا در صورت عدم تحمیل آن به عزت نفس ما جراحتی وارد می‌آید .هر بار ایکه منطق رااز دست میدهیم باید اطمینان داشته باشیم که عقده ها برای خود نمایی میدان وسیعی می یابند تفکر عقلانی اندیشه ها مارا براصل تشابه، تضاد ، همبستگی و علیت به هم می‌پیوندد.

حالانکه تفکر غیر عقلانی افکار را وسیله احساسات و عواطف که بنابر تجربیات زندگی قبلی شخص به صور مختلف حاصل شده‌اند به هم متصل می‌کند . بنابر ین معنی تفکر غیر عقلانی تفکر عاطفه‌ای یا عقده ای است.

هر گاه روش ما نسبت به عقیده یا موضوع بیش از حد تابع عواطف باشد بدین‌نتیجه واصل می‌گردیم که یکی از عقده های ما به گردش آمده است .

فرق بین این دو نوع فکر روشن است و نتیجه هر کدام ارزش خاصی دارد بدین معنی که یکی منطقی ودیگری عاطفه ای است .

بااین هم می‌کوشیم تانتایج عاطفه ای را به عنوان نتائج‌منطقی قلمدادکنیم‌به‌خود به‌قبولانیم که باثر تفکر عاقلانه و منطقی به این نتیجه رسیده ایم . و حال آنکه چنین نیست . خوشبختانه بشر بیش از پیش‌ازین اقدام یعنی قالب زدن احساسات وعواطف به جای منطق‌احساس شرم می‌نماید.

دومین خصوصیت‌عقده‌آن است‌که‌به سهولت حیرت انگیزی دست به تداعی های ذهن‌می‌زند بدین معنی که باحرس عجیبی به کلیه جهات ذهن پراگنده شده وگاهی اوقات بدون هیچ گونه دلیل و منطقی خود رابه تداعی های‌دور ونزدیك ذهن میرساند و آنها رانیز دردایره عواطف آورده به جولان می اندازد ، بطور مثال داکتری را می شناسم که سخت دلبسته خرد سال ترین فرزندش «زمری» است محال است صحبتی پیش آید که او دامنه آنرا به سخنان آن کودك‌یعنی «زمری» نکشاند . یکروز با او سر گرم گفتگو درباره وظایف قسمت جلو مغز وتاثیر آن به عقل بودیم وتبادل افکار مادرین خصوص جریان داشت که نا گهان آقای دکتور سخنان مارا قطع کرده گفت درست است سخنان شما مرا به یاد گفته های چند روز پیش زمری انداخت وبعد باشور وهیجان خاصی شروع به سخن پردازی درباره زمری نمود که اگر ما در نخستین فرصت توجه‌اش رابه‌جای دیگر جلب نمی‌کردیم ممکن ساعت‌ها در باب سخنان زمری به ادامه سخن می‌نشست او فریفته عقده خود شده و عواطف چنان بر مغزش چیره شده بود که نزد خود به این ایمان است که بین وظایف قسمت جلومغز وسخنان زمری ارتباط نزدیك وجود دارد .

بلاخره عقده را میتوان از مداومت وابهام شگفت انگیزش شناخت به این معنی که پیوسته اصرار دارد تادر خود آگاه ماراه یابد تا به حدیکه جلوگیری از آن به مثابه جلو ـ گیری از تنفس است .

اکنون می‌توانیم به طور اجمال مشخصات عقده را تعریف نمایم : عقده عمومیت دارد، عواطف را تحریك می‌کندبه سهولت به تداعی های‌ذهن می‌پیوندد ودر خود نمائی اصراردارد باید دانست که عقده ها زمانی بدو زمانی هم خوب اند . عقده خوب آن است که مفید وسود بخش باشد هرگاه پیشرفت جهان‌تنها بسته به اصل خشك علیت وتفکر عاقلانه بود بزودی جهانیان دچار وضع تاسف انگیزی می‌شدند .

فکر عاطفه ای‌باوجود غیرمنطقی بودنش‌شور وحرارت خاصی داردکه‌آتش به جان می‌اندازد و تمدن را جلو می برد . عقده بد اثر نامطلوب دارد ودر محیط او انعکاس مضر می‌بخشد تبعیض ، زور گوئی و آزار مردم از شعبات فرعی عقده های بداست .در تظاهرات ملایم عقده بدکمترزیان‌آوراست ولی‌درتظاهرات شدید بدبختی ، بدبینی ویاس وبلا های دیگری را موجدمی‌گردد که از پیشرفت بشر جلو گیری می‌نماید . روانشناسان عقده‌های زیادی را اهم ازبد و خوب می‌شناسند چون عقده شخصیت ظاهری ، عقده اجتماعی ،عقده جنسی و غیره که عقده حقارت هم یکی از آنها ست .

عقده حقارت عبارت ازعقده ایست ازتصادم بین انگیزه هایکه در جستجوی شناخته شدن می باشند و ترس های نا شی از مایوسیت که عموما در حالات مشابه در گذشته صورت گرفته است . روی کار می آید ودرنتیجه باعث به وجود آمدن مکانیزم دفاعی جبیره ویا سلوك تهاجمی درفرد گردیده وعمومابه‌صورت

بقیه در صفحه ۵۰

از میان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت ..

باز تاب هنر

با همه کو ششش های دا منه داری که‌جهت شناخت مسایل‌هنری بعمل آمد ه است با آنهم این مباحث بسنده نبود ه و هر آن‌ایجاب آنرا نمود ه که این کاو ش ها گستر د ه تر بعمل آید و درمعر فی پدید ه ها قناعت اکثر یت، ذو ق‌مندا ن فراهم گردد .

زندگی اجتما عی ما در عصرحاضر تغییر ز یاد نمود ه و این تحو ل موجب تحو ل در و ضع خوانند ه ونو یسنده روز گار ما گر د یده است ، اگر بتاریخ بشر نظر اندازی کنیم به صرا حت ملا حظه کرد ه‌می توانیم که بشر جهت شنا خت پدید ه ها تلا ش های ذهنی فراوانی به خر ج داد ه اند و کما کا ن توانسته است در بار ه پدیده ها ی ماحو لش تصو را تی داشته باشد اما چه خو بست که در هر دورا ن تکا مل اجتما عی ما باسطح عا لی‌تر تکا مل موا جه باشیم .

نگارند ه مبحث کنو نی علا قمند است تا در بار ه شنا خت هنر و مسایل مربوط به آ ن از دید گاه فلسفه معاصر مطالبی ارائه دارد.

در بار ه تعریف هنر در گذ شته ها سخنا ن بسیار گفته اند ، و لی تا آنجا که ملا حظه شد ه د رتعریف های مذکور ، اتحاد نظر کلی موجود نبود ه و بیشتر تو جه به کیفیت کلما ت بود ه نه ذکرموضوع چنانکه عد ۀ عقید ه بر آن داشتند که پدید ه های اجتما عی چو ن‌هنر فلسفه نجو م و غیر ه تعر یف وشناخت معین و ثابت ندارند به طوری که پدیده های فوق‌را نزدیك بهم شمرد ه و به تفکیك آنا ن اهمیت نمی گذ اشتند ، چنانچه د ر ارو پا در سد ه ها ی میا نه برای هنر تعریف های اسرار آمیز ی‌قایل میشدند و آنرا از تجلیا ت رو ح مطلق و مشیت کا مله و نو عی‌کشف وشهود و الهام مر مو زو مو هبت میشمردند . دانشمند بورژ واز ی نیز از ا ین نو ع تعر یف ها فراتر نر فتند و هنر را تجلی فعا ل رو ند های نا خود آگا ه‌روانی انسان دا نستند و آنرا «تعالی» «وآلایش» غرایز مختلف غر یزه جنسی شمردند و بهر جهت برای خصلتی راز مانند قایل شدند .

چنانکه یکی از تیو ریسن ها ی معا صر چنین ابرا ز نظر میکند که: «لذا سود مند می شمریم که تحت عنوا ن « در بار ه بعضی مسایل هنر » شر حی اجما لی تدا ر ك ببینیم و آنرا مد خلی بر گفتا ر محتمل بعد ی قرار دهیم که اگر زما نه و فر صت امکا ن پدید آورد در آ ن گفتا ر به مسایل معا صر تکا مل هنر ی در کشور ما ن بپذیریم ، بحث کلی در بار ه عمده ترین تحو لات و اصطلا حا ت استه تیك و هنر از دید گا ه مار کسیستی از آنجا سود منداست که در دو را ن رژیم های قبلی هنر مندا ن واندیشه و را ن ماناچار بیشتر با تیور ی استه تیك متداو ل در غر ب سرو کا رداشته اند و ظا هرا دید و بر خو رد مار کسیستی نسبت به این مسایل از قلمرو و بر رسی های آن دوره مانده است به علاو ه‌بابیا ن این مبا حث نگارند ه با یه فلسفی و علمی خودرا به هنگا م نقد مشخص آثار اد بی معا صر رو شن می سازد .

به تایید اندیشه فو ق اضا فه میکنم که جا ی شك نیست ،انواع فعالیت های انسا نی همه درخد مت بشر یت است و جهت تسلط واستفا د ه و شنا خت انسان‌ازمحیط پیرا مو نش و مها رکرد ن‌مشکلات ونابسا مانی ها در حر کت است ولی هر عملکرد بذات خود جهات مشخصه را اختیار میکند و د ر پروسه و پیشر فت خصو صیت های را تبارز مید هد که مختص‌به آن عمل و انگیز ه است جها ن امروز پیشر فت ها ی قابل‌ملاحظه در سا حا ت مختلف بدست‌آورده است و ما شاهد شگفتی های قابل توجه در سا حا ت مختلف جها ن هستیم که نتیجه ز حمات و د ر ك انسا ن است .

علوم اجتما عی و ظیفه آنرا دارد که نو عی فعالیت های انسا ن را بشنا سد و منشا و پیدا یش آنرا مطا لعه کرد ه و پیرا مو ن آن تشریحا ت لازم را ارا ئه بدارد و واضح است که این شنا خت ، شناخت عینی بود ه و بر اسا س واقعیت های فلسفی استوا ر است .

امروز با دستیار ی کتب با ارزش علمی دانشمندا ن موفق به‌شناخت اساسی و فلسفی پدید ه ها شد ه اند طرز دید و قضاو ت در این نشر یه ها عینی بود ه‌و اساسا ت دیا لکتیکی دارد .

علم معا صر هنر را چنین‌تعریف میکند (هنر از انوا ع فعا لیت های انسا نی است که منجر به باز تاب واقعیت جها ن خار ج(اعم ازطبیعت یا جا معه) در چهر ه های هنر ی (تصاویر هنری) است .

در تعریف فو ق به مسا له سیما یاکر کتر (قهر مان) تاکید وپا فشار ی به عمل آمد ه است ود ر حقیقت فقط همین تصو یر ساز ی است که آثار هنر ی را می آفر یند وما از اینجا گفته میتوانیم که و جه مشخص هنر فقط تصو یر ساز ی و کرکتر ساز ی هنر مند است‌بدون کرکترسا ز ی اثر خصلت هنر ی خویشس را از دست میدهدو بشکل دیگر ی در می آید در شنا خت کرکتر میگو یند که کر کتر آنست که نو یسند ه ، شخص یااشخا ص را به صورت نمو نه های اجتما عی انتخا ب میکند هر قد ر تصو یرقوی وبه اصطلاح تیپك تر باشد اثر خصلت هنر ی بیشتر میدا شته‌باشد وواضح است که در آثار هنر ی تخیل وانتخاب هنر مند در در جه اول حایز اهمیت است میگو یند ، نو یسند ه های بز رگ برا ی انتخا ب تیپك ترین قهر ما ن‌برای

آوای ملکوتی

صدا ی میشنو م ....

آوای ز ند گی بخش درگوشم طنین می اندازد

از شکو ه و هیبتش و جود م می‌لرزد واز مهر بی دریغش قلبم آگنده میگردد .

صدا ی آسمانی ایست ، انگا راز ژر ف آسما ن و پهنا ی گیتی وفضا ی نا محدو د به گو شم می‌رسد و مرا با اشتیا ق به‌شنید ن ومهر و رزید ن میخواند .

این آوا ی سحر آفرین پر ا زصفا و صمیمیت ، مرا هر د م به دیار آشنا ی محبت می کشاند ، به‌من نیرو می بخشد و میل به زندگی کردنم را بیشتر میسا ز د وزندگی ام را مانند فرو غ سحر گا ها ن ، پا ك و منز ه و آگند ه ازسعا د ت میکند و مرابه سا حت پهنا و ر نیك بختی و کا م‌بخشی میطلبد این صدا و این آوای روح انگیز و دل افزا که از و جود م‌زنگ غم و اندوه را می زدا ید این‌صد ا ی فر شته و ش‌و ملکو تی‌که صفا ی سحر بهار ی و نسیم صبحگا هی را با خود دارد و هیچ‌آوای بر تر ازآن نیست .

آن‌کدام صداست ؟

زمز مه آوا ز ما در م .

نوشته هما علی زوی محصل پوهنځی حقوق

از میان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت ..

اثر خود مد ت های ز یا دی بـــه جستجو گر ی می پر دازند .

از اینجا ست که تصو یـــــر هنر ی آفرید ه میشود و ایجـــا د گر آنرا هنر مند میگو یند.هنر مند کسی است که در آثار خود تصویر یا قهر ما ن سا خته بتوا ند تما م انوا ع آثار هنر ی خا لی ازتصویر ساز ی نیست این تصو یر ها را میتوا ن در شعر ، مو سیقی، تیاتر نثر هنر ی ، مجسمه ، دیزا یـــن و دیکو ر مشاهده کرد .

در مورد خصو صیا ت اثر هنری که یکی از مسایل عمد ه بحـــث مارا تشکیل میدهد تو ضیحـــا ت چند ارا ئه میداریم واین توضیحا ت کوتا ه را مفید شمرد ه بحـــث خود را دنبا ل خواهیم کرد شکل و مضمو ن در اثر هنری دو طر ف هستند که در تعیین یکدیگر تا ثیر عمیق دارند.

مضمو ن هنر ی یعنی باز تا ب واقعیت متنو ع طبیعت در زند گی وبه ویژه انسا ن و منا سبـــا ت آنها به شکل استه تیك در یـــك اثر هنری .

شکل هنر ی ساز ما ن درو نی وساخت مشخص اثر هنری استآ ن را با کمك وسایل خاص تصویر ی وبیانی به منظور تجلی و مجســـم ساختن مضمو ن ایجاد میکنند .

شکل هنر ی اثر هنر ی بسیار گو نه گو ن است و دارا ی عنا صر مرکبه مختلفی است ، مهمتر یـــن عنا صر مر کبه شکل عبار تست از سوژه یا واقعه (بافت داستا نی) ز بـــا ن هنر ی ، تصـــو یـــر وبیا ن مانند سخن ، و زن، قیافه هم آهنگی صو تی ، رنگ ، خط ، رسم ، سایه ، بعد، ساخت (تکنو- نیك) صحنه آرا یی ، مونتا ژو غیره وغیره .

آفرینشس هنر ی ، تخیل هنر ی الها م هنر ی ، قریحه هنر ی ،نبوغ هنر ی نیز مسا یلی هستند که‌لازم به تو ضیح دارند و اجزا ی یـــك اثر هنر ی را تشکیل میدهند،ایجاد یك اثر هنر ی یك آفرینشس و یایك خلاقیت است ، خلا قیت دارا ی انوا ع مختلف است مانندخلا قیت فـــنـــی ، خلا قیـــت علمی خلاقیت هنری .

تمثیل هنر ی ، استعداد، ایجا د تصاویر نوین حسی یا فکر ی‌است در ضمیر ، بر بنیاد تاثیرا تـــــی که انسا ن از واقعیت کسب کرد ه وپس در آ ن تغییر و تبدیل ها ی پدید می آو رد .

ویژه گی های دیگر ی نیزدرمورد آثار هنری وجود دارد کـــــه در حقیقت همه آ ن باز تا ب‌هستی وواقعیت و بیا ن و شیو ه ادرا ك را ارتقا و پر هیز ی مجســـــــم میسازند .

نقشس اجتما عی هنر نیز یکی از مسایلی است که خط تعیین کننده وفا صل را برای هنر ایجاد نموده است ، این نقشس شا مل‌موضوعات مختلف از قبیل رابطه هنر باخلق مسا له طبقا تی هنر ، مسا لـــــه (هنربرای هنر) و غیر ه می‌باشد.

در عصر کنو نی که عینیـــت و واقعیت جهت مهمی را اختیارکرد ه است تو جه به واقعیت هنر ی و خلقی بوده، هنربیشتر کسب‌اهمیت نمود ه پیو ند های متقا بل بیـــن هنر و مرد م در این سخن نهفتـــه است و این خواست خوا ه به‌شکل مستقیم یا غیر مستقیم باید تجلی کند .

مرد می بود ن هنر ووا قعیت هنری رسالت تا ریخی دارد، هنر- مندا ن واقعیت گرا قهر ما ن های خودرا از میان مرد م می گیر ند و بیشتر تو جه به هنر ریا لیستیکی دارند یعنی هنر مند میکو شد که بیشتر کار هنر یشس بر اسا س واقعیت های عینی استوار با شدتا اشکا ل (شکل گرا یی و طبیعت گرایی) هنر وا قعی با ید بتواندد‌ر مرد م رخنه کند و از مرد م دو ر نماند تو جه به مسا له مرد مـــی بود ن هنر در حقیقت رسالت هنر وهنر مند را در جا معه مشخصـــ میکند .

در شرایط انقلا بات دموکرا تیك خلقی بو دن هنر بیشتر از پـیش در خور تو جه است و پیشرو ی‌در این سا حه ز مینه نشو و نمـــا انقلاب کلتور ی سالم را مهیـــا سا خته و جلو هنر به ابتـــذ ا ل کشید ه بورژواز ی گر فته مـــی شود .

پول

هفتاد، هشتاد سال پیش، گاهی‌بیچاره آدم هم مورد معاملات قـرارمیگرفت وکار پول را انجام میداد.

کلمه «پو ل » اصلا یو نانی‌است واز لغت «اوبو لوس » یو نانی‌آمده که در قدیم اسم واحد و زن و نا م پو لی بود ه است . و لی تاریـخ پول خیلی قد یمی تر است. پو ل همیشه ا ز فلز و مسکو ك نبو د ه است وبه‌شکلها و صورت هـــای زیا دی در آمد ه تا باین شکـــل امروزی رسیده ا ست . در بعضی زبا ن های بیگا نه بمزد «سالر » میگو یند و این کلمه اصلا لا تینی است و به معنی نمك بوده چو نکه در روم قد یم مزد کار گرا ن رابا نمك می پرداختند و حتی جیـر ه سپا هیا ن و حقو ق مستخد مین دولت را هم با همین نمك می‌پرداخته اند .

بد یهی است که در زمان ها ی بسیار قدیم پو ل به معنی کنو نی این لغت و جود نداشته و مرد م‌در معاملات خود که‌اساسا خیلی محدود بوده به معاو ضه اجنا س متوسل می شده اند یعنی جنسی میدادند و جنسی دیگر در عو ض می گرفتند مثلا گند م میدادند و پشم و پنبه دریافت میدا شتند و حتی هـما ن طور که هنوز هم در بعضی ممالـك مـتمـد ن د ر مـو ا رد بسیار معمو ل است بکار گر و فـــلا ح بجا ی مزد و حقو ق جنسس میدادند کم‌کم با وسعت یا فتن دا منه‌معاملات احتیا ج به یك و سیله عملـــــی تر ی محسو س گردید و مردم بـه وسایل مختلف توسل جستند وهر قوم و جما عتی با قتضا ی اوضا ع اقتصا دی و طبیعی خود جنسی را وسیله معا مله قرار داد و لی بد یهی است که در ا ختیار این جنسس‌بنابر ندرت و بهای آن بود یعنی جنسی را اختیار مینمودند که در میان آنها کمیا ب و مر غو ب و طر ف میـل و تقاضا ی افراد باشد چنانکه‌زرمنهای قدیم که اجداد آلمان های امرو زی هستند اغلب در موقع تنبیـــه و سیاست کسی که مرتکب جنا یتی شده بود عد ه ای گا و وگو سفنداز او میگر فتند .

در جا های دیگر وسیله معا ملات اجناس دیگر ی از قبیل کهر با و عاج و گرد طلا و چیز های دیگر از این قبیل بوده است . مخفی نماند که تا هفتاد ،هشتاد سا ل پیشس خود آد م هم چه بسا اتفا ق مـــی افتاد که وسیله‌معا ملات قرارمیگرفت یعنی بند ه فرو شا ن یا اشخا صی که کنیز و غلام داشتند کنـــیز و غلامی داد ه در عو ض آن جنسس دیگر ی را که بدا ن احتیـــا ج داشتند میگر فتند . خود فلزا ت هم از قدیم الا یا م در نقا ط مختلف دنیا و سیلهٔ معا ملات‌بود ه است‌و همین « اوبو لوس» یو نانیا ن که کلمهٔ «پول » چنانکه بدان اشار ه گردید از آ ن آمد ه در اصل لو لهٔ کو چکی بود ه از آهن و بجای پول روا ج داشته است . در توا ریخ مسطور است که وقتی لشکر روم بفر ما ندهی ژو ل سزا ر بر قو م بر یتانیك ها (اجداد انگلیس‌های کنو نی) دست یا فت معلو م شدکه در میا ن آنها نیز و سیله‌معا ملا ت لو له های کو چکی بود ه از آهـن و یا از مس . در همین عهد حاضر نیز در کمپو چیا پو لشا ن لو له های لوز ی شکلی‌است از آهن. رفته رفته عا دت بر آن جار ی شد که وزن و قیمت هر قطعه فلز (یا جنسس دیگری را)که و سیله معا مـــلا ت قرار گر فته بود رو ی آن بز نند یعنی در واقع پو ل را سکه بز نند وباکشف و استخرا ج معا دن فلز پو ل مسکو ك روا ج روز افزو ن یافت .

فرستنده : عبدالجبار

بقیه صفحه ٤٧

عقده حقارت...

غیر شعوری می‌باشد پیدایش عقده حقارت را اکثر روانشناسان در دوره طفولیت جستجو می‌نمایند عقیده دارند که علت پیدایش عقده حقارت را رفتار خشن‌وبی رحمانه ایست که در مورد بعضی کودکان اعمال می‌گردد آنان از طرف والدین ودر مجموع از طرف اقوام واقارب به نظر حقارت دیده میشود اطفالی‌که در موقع طفولیت لت وکوب میشوند بدون شك در ردیف خطر ناك ترین دشمنان جامعه قرار خواهند گرفت یکی دیگر از روانشناسان داکتر ماك دوگال در باره می‌گوید «تقریباتمام اطفال بدون استثنا بیش از تنبیه و خشونت به تشویق وبرانگیختن حس‌اعتماد به نفس احتیاج دارد چه بسیاری از اطفا ل در اثر فقدان شوق ومحرك ازاستعداد خلاقه خودبی‌خبر مانده‌اند وفقط یك تذکر کوچك باعث ظاهر گشتن‌آن‌شده است علایم‌عمده‌وغیرعمده‌می‌باشد در زمره علایم غیر عمده می‌توان چنین ابراز نظر کرد : علایم غیر عمده مولود روش های تربیتی غلط دوران طفولیت است که‌به ترتیب می توان از مشخصات آن اسم گرفت .

١ـ فعالیت های بی آرام که هیچ نوع هدف اساسی و مثبت ندارد .

٢ـ فرار از مردم و اجتماع.

٣ ـ حساسیت و شکسته نفسی .

٤ ـ منفی بودن .

٥ـ کم حرفی .

٦ـ خرده‌گیری وبدبینی افراطی .

١ـ فعالیت های بی آرام نشانه این است که شخص احساس نارسائی وکمبودی می‌نماید و برای جبران آن بیش از دیگران به اجرای‌وظیفه می‌پردازد و وظیفه بیش از دیگران انجام‌می‌دهد.تمام فعالیت هاومجاهدات بی هدف نتیجه این عقده می باشد .

٢ـ گریز از اجتماع بیشتر زائیده این است که شخص در ایام کودکی مورد تحقیر قرار گرفته که‌در نتیجه میان‌جمع ودر حضور مردم نسبت به خود احساس حقارت نموده و خود را بی ارزشی می داند .

٣ـ حساسیت زیاد وشکسته نفسی ، علت این است که شخص از یك خاطره نفرت‌انگیز رنج می‌برد .

٤ـ منفی بودن : این خصوصیت رامی توان در اشخاص ناراحت دید ، عکس العمل آنها معمولا به صورت بی قیدی ـ بی‌طرفی ومنفی‌ـ بودن تجلی می‌نماید .

٥ـ اشخاص مبتلا به کم حرفی ممکن است ساعتها خاموش بنشینند .

٦ـ خورده گیری : نتیجه ناکامی بوده‌است. علایم و مشخصات عمده عقده حقارت که برـ خلاف علایم غیر عمده ، زائیده تجربیات و خاطرات گذشته می باشد قرار ذیل است :

١ـ ترس سدرین حالت روحی ، کشمکش روحی انسان به درجهٔ می‌رسدکه دیگر اعصاب تاب تحمل آنرا ندارد ومقاومت تمام نیروها به انتها می‌رسد .

٢ـ فرار از زندگی : در دنیای امروزی که فقدان دلبستگی های عاطفی موجودیت عقده حقارت وماجراجوئی وغیره حاکم است بعضی از انسانهامبتلا به عقده دست به قمار زدن ، شراب نوشی ، پناه بردن به مخدرات وغیره می‌زنند تااز ین راه عقده های خویش رابه فراموشی سپارند .

بر علاوه علایمی که ذکر گردید مشخصات فوق نیز در زمره علایم عقده حقارت شامل است .

١ـ فقدان آرامش در مجالس .

٢ـ انتقاد کردن بی جا از دیگران

٣ـ ترس از پذیرش انتقاد

٤ـ اجتناب از پند واندرز دادن

٥ـ میل به جبران بیشتر ولاف زدن .

٦ـ موجودیت حس حسادت .

این را باید دانست که عقده حقارت درد بی درمانی نیست وبرای رفع این دردراه های گوناگون وجود داردکه مهمترین اش روانکاوی است‌یعنی تجزیه وتحلیل‌افکار درونی اشخاص برای این کار به وسیله خواب مصنوعی مصاحبه ورجوع به سابقه بیمار، تعبیروتفسیر رؤیا هااقدام میشود برای رفع نقیصه جسمی وبدنی باید استعداد وشایستگی هائیکه در نهاد ما پنهان اند ظاهر ساخته شوند تادر نظر خود ودیگران باعث جبران کمبودش گردد .

اگر شخصی در طفولیت تحقیر شده و آنرا خاطرات تلخ طفولیت رنج می‌دهد باید کاری کند که مورد ستایش و تمجید قرار بگیرد هرـ چند وصول به این هدف دور باشد ویا به‌طول انجامد. ولی‌بالاخره‌نتیجه‌خودراداده وجای‌شخص را میان اجتماع واطرافیانش باز خواهد کرد.

برای غلبه براحساس حقارت باید هدف نیك انتخاب شود ودر راه رسیدن آن موانع و هراس دردل راه داده نشود اکثرا همینکه به مانع برخوردمی نمایند ویااندکی دررسیدن به هدف به موانع بر می‌خورند نا امید شده واحساس حقارت بر آنها غلبه می‌نماید ، در حالیکه سعی و مجاهدت درراه وصول به‌یك هدف طبیعی‌وواقعی هرگزمنتج به‌ناامیدی‌نمیشود زیرا چنین هدفی چه‌به‌مرحله عمل برسد یا نه همان‌کوشش‌که صرف‌آن شده بزرگترین پاداش وبهترین وسیله ونحوه نی انسان است .

کسیکه هدف ناممکن رادر دورنمای آرزوهای خود قرار میدهد اگر در اثر تعمق از آن عدول نماید احساس حقارت اش کم‌کم روبه زوال خواهد نهاد برای مبارزه با احساس حقارت باید خود پسندی و بدبینی را کنار گذاشت روان شناسان موارد ذیل را جهت مبارزه به عقده حقارت توصیه می نمایند .

١ـ شخص باید از وجود حس حقارت خود آگاه باشد .

٢ـ سعی نماید تا علل عقده حقارت راـ دریابد .

٣ـ بکوشد تالیاقت خودرا بروز داده و توانایی اش را به اثبات برساند .

٤ـ به دیگران بدبین نباشد .

٥ـ به خصلت های پسندیده پی ببرد .

٦ـ قیودات اجتماعی را در نظر گیرد.

٧ـ کودکان راباید به سخن گویی ، حرکت وکار واداشت تا ازاحساس مسخره شدن و تردید رهائی یابند .

بقیه صفحه ٢٠

من هم یك...

ایالت وا شنگتن که (شصت و شش) فیصد نفو س آنرا سیا ه پوست تشکیل میدهد در آشو ب های تابستا ن گذ شته شهر ها ی دیگر حصه نگر فته بود و لی به مجرد شنید ن قتل کنگ دور هم جمع شد ه و جمعیت غم ز د ه و غضب آلود را که سخت ازاحساسات بخود می پیچیدند متشکل ساختند مرد م زیر تاثیر بیانیه (چارمیکال) رهبر جنبش قدر ت سیا هان قرار گر فته بودند .

چار میکا ل فر یاد بر آو ر د «بخا نه های تا ن برو ید و تفنگ های خودرا بگیر ید سفیدپوستا ن به کشتن شما می آیند » من نمی خواهم خو ن سیا هان بروی‌کو چه ها بریزد بخانه های خود برو ید وتفنگ های خودرا بدست خودآماده وعیار سازید .

آشوب تا سپیده دم دوام داشت. بلوا برای چند ی آرا م شد و لی چند سا عت بعد تر دوبار ه ازسر گرفته شد . آتش سوز ی وچورو چپاو ل در روز جمعه بسیار شد ید بود . مغا ز ه‌ها تما ما از موادغذایی خا لی شد ه بود .

در هفته بعد از قتل کنگ (یکصد و شصت) شهر و قصبه امریکا در آتش نا آرا می می سو خت و در حدو د (هفتادوسه) هزاز نفر عسکر و قوا ی گا ردملی در سرا سر کشور به خد مت گرفته شد ه بود درین ما جرا (بیست‌و چار) هزار نفر محبو س ومصرف (چهل‌و سه) نفر کشته شد و چنا ن می نمود که با و جود تحریك یك عد ه ر هبرا ن سیا ه پوست امریکا از یك جنگ سراسری نژاد ی نجا ت یافته بود .

در اکثر شهر ها ما مورین عالی رتبه شخصا برای بر چیدن‌آشو ب در محضر عا م ظا هر می شدند بناروا ل های (نیو یارك) و (کلیو لند) در محلات آشو ب زده بقد م ز د ن می پردا ختند وتاثر شانرا ازین جر م به سیاه‌پوستان اظهار میکردند و جوانا ن ر اتشویق می نمودند به آشو ب پایا ن‌دهند .

در شهر های دیگر امریکاجوانان سیا ه پوست تحت نا مها ی جدا گا نه‌مرد م را به ایجاد امن و آرا مش تشو یق میکردند . همچنان اطفا ل انز جا ر شا نرا از بلو ا و آشوب باکشید ن رسم هاو اظهار عقاید تبار ز میدادند .

کور تیا کنگ روز جمعه بین قتل و دفن شو هرش یك‌کنفرانس مطبو عا تی تشکیل داد ه گفت :

«امیدوار م شما دوستا ن‌و ستایشگرا ن کنگ با ما در تحقق رویا های اوسهم بگیر ید» وی گفت روز دو شنبه یك روز قبل از مراسم تدفین کنگ باسه پسر کلان خود به ممفیس پرواز کر ده بود م تا در مار ش خا کرو ب‌هاکه شو هر م پلان آنرا قبل ازقتلش چیده بود حصه گیرد. این مارش عظیم طور ی که کنگ آرزو داشت دریك فضا ی صلح آمیز صور ت گرفته بود . کور تیا در حالیکه لباس سیا ه به تن کرده بود به انبو ه عظیم مار ش کنندگا ن گفت ... چند نفر دیگر باید جا ن خودرا از دست بدهد تا صا حب یك اجتما ع صلح‌آمیز واقعی شد ه بتوا نیم و بر ای رسیدن باین هد ف‌مهم چقد ر و قت لاز م خواهد بود . اگر واقعا رو حیه و معنا ی واقعی این جنبش را به تجر به پیاده نماییم من مطمئن هستم که این ملت به یك اجتما ع آگند ه از محبت و دوستی ، عدالت ، صلح وبرادر ی مبد ل خواهد شد .

باقیدارد

بقیه صفحه ۱۱

خون من فدایت

در آن شب فاضله همه چیز خودرا ازدست داد ، پدر ، مادر ، خواهر و کاشانه یی راکه در آن ز ندگی داشت .

از صبح فر دا فاضله در همان رو ستا در خانه یکی از خویشاوندان خود زندگی میکرد.

• • •

مدتی گذشت وانقلاب وارد مر حله نوین‌خود گردید، در وازه های زندان ها گشوده گردید هزاران محبوس سیاسی آزاد گشتند و به‌میان خانواده های خود بر گشتند ، مختار برا در فاضله‌هم‌دراین‌میان بود که به زودی بـرای ایفای و ظایف تازه حزبی و دو لتی خود عازم هرات گردید و چون از آنچه برای خانواده او اتفاق افتیده بودآگاهی یافت . مصرانه‌خواست که خواهرش نزد او رود تا هم به درس خود ادامه دهد و هم درد و غصه‌اش را از یاد برد واینك فاضله در راه هرات بود ، همراه بـا مسافرانی دیگر و غرق در اندیشه های‌خود.

• • •

فاضله کوچك همه چیز رابه برادر بازگفت، در آغوش او گریست واز غصه مرگ پدر ودرد کشته شدن مادر سخن ها گفت ، قلب‌کوچکش آکنده از درد بود، درد هایی که روی هم انبار شده بودند و راه فرار می جستند و اکنون‌این راه را یافته بودند .

– چرا آنها چنین کردند ، چرا مادرش ر ا کشتند ، پدرش را در خو نش غو طه و ر گردانیدند و خانهٔ شان را طعمه آ تش‌ساختند؟

وبرادر باز بانی ساده به بیان علت هـــا پرداخت تا آنجا که فاضله سو گند خورد انتقام بگیرد و تاپایان ز ندگی با ضد انقلاب‌بجنگد، راه او تعیین شده بود .

ازهمان روز با عضویت حـزب درآمـــد و درسش رانیز دو باره دنبال کرد .

مبارزه او قاطعانه و آشتی ناپذیـر بود ، به زودی اسلحه گرفت و در مبارزات بـا ضد انقلاب در هرات سهمی موثر گرفت ، هنـــوز مدتی از ورود او به این شهر نگذشته بود که چهرهٔ آ شنا برای همه بود .

• • •

قریه شالبا فان در آن صبح آ خرین روزهای زمستان در آتش جنگ میسوخت ، عده‌یی از عمال ضد انقلاب که در این رو ستا جا یگزین شده بودند ، از مدتی بود که نگرانی هایی را بار آورده و آ شوب هایی را بر پا میکردند.

در آن صبح حمله شدیدی به قصد پاکسازی آغاز گردید، فیر ها بی آنکه لحظه‌یی قطـــع گردد از هر دو سوی ادامه داشت و فا ضله نیز در این عملیات سهم گرفته بود وشجا عانه می رزمید ، می رزمید تا دیگر حوادثی از آن مانند که بر او گذشته بود به و جود نیا ید . وقتی صدای فیر را می شنید چهره پدرش در آخرین لحظات ز ندگی اش ، قیافه مادرش در حالیکه در خون خود شناور بود ، منظره خانهٔ شان که آ تش آنرا در کام خود فروبرده بود پیش چشمانش میرقصید و و قتی لحظه‌یی از فیر کردن باز می ایستاد دو ران کو دکی‌اش به یادش می آمد ، گریه های شبانگاهی مادرش که به خاطر قرض هایی که هیچ و قت مجال پرداخت شدن را نمی یافت اشك می ریخت ، وقامت خمیده پدر سالخورده اش که از نماز صبح تا شام روی ز مینی کار میکردکه‌هرگز از او نبود و حتی نیم محصول آن هم به‌خودش تعلق‌نمی گرفت . اشك در چشمش لانه میکرد وخودش رابه یاد می آورد که چگونه در پنـــج سالگی مجبور بود باآن دست های کوچك‌وبی رمقش در زمین ار باب به‌کارپردازدتاشاید محصول بیشتر گردد ودر همین حال بود که فیر می‌کرد ، بی پروا فیر می کرد ، بی ترس وهراس در سنگر جا به جا می شد و هر گز به مرگ نمی اندیشید .

• • •

ودر آن با مداد ، در آن سپیده دم روز ۲۲ حوت سال ۱۳۵۹ هم همین طور بود ، محـل مبارزه قریه شالبافان هرات بود واوهم چنا ن می جنگید ، تا اینکه در تیر رس دشمن قرار گرفت مرمی یی فیر شد و درست در قلب او نشست قلبی که به خاطر مردم و به خاطـــر پیروزی می تپید و چه حیف شد که این قلب، این‌قلب حساس از حرکت باز ایستاد، روحش شاد باد فاضله دختری که هنوز شانزد همین بهارزندگی را ندیده گل ز ندگی اش پژمرده وبرای همیشه پژمرد . او د ختری بودحماسه آفرین و زندگی او خود حماسه یی بود شور انگیز .

بقیه صفحه ٤٦

جوانان وروابط خانوادگی

و این احساس در نفس او تاثیر بسزایی دارد و او را ازخو یشتن متنفر و بیزار میکند و به طور یکه علم روان شناسی ثابت کرده است هر یك از ماسعی و کوشش داریـم گناه را بگردن دیگری گذاریم و اگر شوهر اندیشه را در این باره زیاد ادامه دهد احساس نفرت بزوجه‌خود می نماید ، زیرا زن مایل است بـا فرو ریختن اشك شوهر را مقصـر قلمداد کند .

بعضی ها را عقیده بر این است که‌اگر زن باخوش رفتاری با خنده و عشوه بجای بد رفتاری و گریه و زاری در خواستی از شوهر نماید ، زود تر خوا ستش قبول میشود ، بدون آنکه تاثر وانفعالی بطر فیـن دست دهد و در این حالت شوهر از ته دل و در کمال رضایت خواهشات او را بر آورده خواهد سا خت .

محرومیت از نوازش :

علت بیشتر زنا شوی های که با شکست رو برو میشود این است که زن عقیده ندارد که شوهـــر ش را نوازش کند و اظهار محبت بـــوی بنماید و در حقیقت شوهران اطفال بزرگ میبا شد . و دلیل این امـر این است که بسیاری از شو هران از بی مهری همسر ان شان نـــزد اطفال خود شکایت میکند و بیشتر طلاقها پس از تولد طفل اول اتـفاق میافتد ، زیرا اغلب دیده شده کـه اظهار محبت و نوازش از طرف مادر فقط نسبت به طفل میشود و پـــدر طفل را فراموش میکند .

زن دانا و فهمیده با ید پس‌از وضع حمل شوهر خودرا ازمحبت‌و نوازش محروم نکند.

مرد همیشه منتظر آن است کـه زوجه اش نسبت به وی علاقمنـــد باشد و اظهار محبت باو کند و از حیث جنسی رضا یتش را بدســت آورد .

طبعا اگر شوهر محبت کافـی از جانب زوجه ندید و رضایت جنسی او بدست نیامد به انحراف کشانیده میشود .

کمی ذوق:

بسیاری از زنان عادت بر ایـــن دارند که قدر و قیمت شوهر خود را کم کنند و در باره تنبلی و بـــی اعتنایی اوداد سخن میدهند واشتبا- هات شوهر را برای هر کس تعریف میکنند. و مثـلا میگو یند اگر یـك روز خانه راترك گفته و آن‌را بدست شوهر شان بسپارند همه چیز خانه درهم و بر هم شده و خانه خـــراب خواهند شد .

چنین زنی با گفتن این سخنـان حس خود خواهی و تکبر خو یش‌را فرو مینشا نند ولی در عوض حـس نفرت وانزجار شوهر رابر میا نگیز- انند زیراشوهر هرقدر هم‌ابله‌وخو- نسرد باشد حاضر نمیشود آن همه ملامت واهانت را از زوجـه خـــود بشنود .

ممکن است در موقع که زوجه از روی خود خواهی و نادانی یـکی از اشتبا هات یا کار های خـــنده آور شوهر را برای دیگران تعریف کند همگی و حتی شوهر بنای خندیدن‌را بگذارند ولی شوهر کینه‌زن‌را دردن خواهد گرفت .

پس زن‌دانا و فهمیده باید احترام شوهر را نزد دیگران مرعی دارد و از کوچك کردن وی بپرهیزد تا کاخ سعادت زندگی زنا شوی آنها پایدار بماند .

و نا گفته نباید گذشت که عیبـن مساله اگر از طرف شوهر در مورد زن بکارگرفته میشود، مردمسوولیت عام و تمام دارد .

پس بهترین روش و یگانه عامل خوشبختی در زندگی خانواد گـــی همانا داشتن روحیه متقابل همکاری محبت ، یك رنگی و ... میباشد .

بقیه صفحه ۱۳

مساله‌محو تهدید

طی این جنگ عا شق زندگی وحفظ حیا ت بوده ایم . خو شی ماهنگا می بود که می توانستیم نور زند گی را به چشما ن یك مجرو ح و بیمار باز گر دانیم . ا یـن یـك واقعیت انکار ناپذیر است که مرد م اتحا د شورو ی‌از صلح بشد ت دفا ع‌کرده ومی نمایند . چه صلح بحیث یـك گنجینه گرا نبها نزد همه مرد م‌همه ملل صلحدو ست و تر قی خـــواه قابل قدر است .

ما دکتورا ن یك و ظیفه مقد س راپیش می بریم که عبار ت ازمبارزه علیه مرگ و تحدید حیات ا فـراد است .

ما باید حقیقت را در مـــو رد عواقب ممکنه جنگ ذرو ی اظها ر کنیم و صدا ی خو یش را هر چه بلند در دفاع از صلح بروی زمین بمرد م جهان بشنوانیم .

این بود اظهارا ت عد ه یی ا ز دانشمندا ن اتحاد شورو ی‌را جـع به اثرا ت ناگوار سلاح ذرو ی .

حقیقت این است که امپریا لیز م امریکا با متحد ین ناتو ی خویش به طر ح های جنگی گسـتر د ه بشمو ل تو لید بم مهلك نیو ترو ن دست میز ند که باید جهانیا ن صلح خوا ه و نیرو ها ی متر قی درسرا- سر جها ن علیه این پلان ها ی‌شوم برز مند .

بقیه صفحه ۷

می آموزیم و کار میکنیم . . .

هزار و دوصد نفر کود ك ونوجوان از گو شه های مختلف کشو ر و، نمو نه های دیگر از فعالیت ها ی ساز ما ن پیشس آ هنگا ن افغانستان که بنا بر تو جه جد ی حـــز ب دمو کراتیك خلق افغا نستان‌ودولت جمهور ی دموکرا تیك افغانستا ن به جنبشس پیشس آهنگی در کشور صورت گر فته است .

ـ درسالیکه گذشت بچه تعداد دختر و پسر ز حمتکشا ن‌افغانستان در ساز ما ن پیشس آ هنگا ن افغا- نستا ن جذب شده اند و بچـــه تعداد ی از آن ها به ساز مـــا ن دموکرا تیك جوانا ن افغا نستا ن ارتقا نمود ه اند ؟

ـدرسا ل گذ شته بیشس ازبیست ویك هزار کود ك و نو جوا ن د ر دسته ها و جو قه های پیشس‌آهنگی تنظیم گردید ه و آنانیکه ســـن پانزد ه را تکمیل نمود ه اند بـــه کمیته های سازمان‌د مـــو کراتیك جوانا ن افغا نستا ن معر فی شده اند .

ـپیشس آهنگا ن افغا نستـــا ن‌در ساز ما ن مربو ط خود برای چه‌مدتی تحت تر بیه گر فته می شو نـــد وبعد از طی چه مرا حلی می توانند عضو یت ساز ما ن دموکرا تیـــك جوانا ن افغانستا ن را حا صـــل کنند ؟

ـساز ما ن پیشس آ هنگـــا ن افغانستا ن در بین کود کـــا ن و نوجوانا ن دارا ی سن ده تا پانز ده سالگی کار می کند ، هر پیشـــس آهنگ بعد ا ز تکمیل سن پانزد ه سالگی و گذ شتا نـد ن دو ر ه آما دگی کو تا ه مد ت به کمیته‌های ساز ما ن دموکرا تیك جوا نـــا ن افغا نستان معرفی می شود.

ـشرایط شمو ل در ساز ما ن پیشس آ هنگا ن افغا نستا ن از چه قرار است ؟

ـساز ما ن پیشس آ هنگـــا ن افغانستا ن و ظیفه دارد تا تمـــا م کود کا ن و نو جوانا ن بین سن ده تا پانزد ه سالگی را در دستـــه ها وجوقه های پیش آهنگی تنظیم پرورش و تر بیت سالم نماید . هر کود ك ونو جوا ن بین سن د ه تا پانزد ه سالگی که علاقه منـــد شمو ل در ساز ما ن پیشـــس آهنگا ن افغانستا ن بود ه حا ضر باشد در دسته های پیشس آهنگـی تنظیم گردد میتواند با یاد نمود ن سو گند رسمی ساز مان پیشـــس آهنگا ن افغانستا ن در حضـو ر رفقا ی جو قه اش عضو یـــت ساز مان پیشس آ هنگا ن افغانستان راکسب نماید .

ـنظر به سا ل گذشته چـــه تغییرا تی در کار و فعالیت‌سازمان پیشس آهنگا ن افغانستا ن رو نمـا گردید ه است ؟

ـدر سالیکه گذ شت پس ا ز تشکیل رسمی ساز ما ن پیشس - آهنگان افغا نستان که ما درمیـان کمیت نا چیز ی از کود کـــا ن و نوجوانا ن کا ر می نمودیم و لـــی اکنو ن در مرکز و تمام ولا یـا ت کشور شورا های قو ی و مستحکـم پیشس آهنگی موجود اند که‌در میا ن کمیت قابل ملاحظه ای از کود کان ونوجوانا ن با کیفیت بهتر کار مـا جریا ن دارد . شورا های رهبر ی پیشس آهنگا ن تجر به و معلو ما ت بیشتر ی در کار با اطفا ل ونـــو جوانا ن کسب نمود ه اند . کارموثر ومفید ی در امر تر بیت‌و پرور ش کودکا ن و نو جوانا ن درسازما ن پیشس آهنگا ن افغانستا ن صور ت گرفته و روز تا رو ز گستر شـــس می یابد .

یکتن از پیش آهنگان هنگام بجاآوردن مراسم احترام به بیرق

بقیه صفحه ۲۵

فریاد کودك...

فریاد خفه شده ی همه اطفـــا ل جوامع از انکشا ف بدور نگهداشته شده است که به ساز ما ن ها ی گو ناگو ن هو شدار میدهنـــد، هو شدار بر اینکه اگر تا مینـــا ت صحی بیشس ا زاین باشد ، اگـــر مادرا نی در دورا ن بار دا ر ی و شیر دهی از غذا ی بهتر بهره مند گردند، اگر پیشگیر ی امرا ضـــ سار ی در سطح ملی میسر شود ، اگر جا معه بتواند همه ی زدو بند ها ی استثمار گرانه را بدور ریزد وتعلیم و تر بیه را تعمیم دهد ،اگر خانوا ده به مرکز پرو رش ذ هنی بدل‌گردد، اگر قوانین تازه، انسان سالار ی را جا یگزین هر نـــو ع سالا ر منشی دیگر گرداند ، اگـــر تجاو یز ی گر فته شود که طـلاق وجدا یی و یا اختلا فا ت‌همیشگی زن و شو هر روا ن کود ك رابیمار گون پرو رش ندهد و اگر جا معه دشوار ی ها و نیاز مندی های کودك را نادید ه نگیرد بدو ن شك‌آنوقت با فا جعه ها یی از این مانند کـــه بیشس از چهل در صد کود کا ن‌مـا پیشس از سن مکتب بمیرند و بقیه نیز بیمار گو ن ، بیسواد ، فقر زده ومایوس بار آیند رو برو نخوا هیم بود و آنو قت اطفا ل صحت منـد امروز مردا ن نیرو مند فر داخواهند بود که روز ن های تاز ه یی ازامید رابرو ی تود ه های میلیو نـی و محرو م خواهند گشود .

«سیمینا ر ملی در مورد طفل و قانو ن در افغانستا ن » که به مدت سه روز از پانزد ه تا هفـــد ه سنبله به ابتکا ر وزار ت عد لیه و به‌همکاری اداره یو نیسف در کابل وباشر کت نمایند گا ن وزا ر ت ها وساز ما ن های عدلیه ، صحـــت عا مه ، تجار ت ، کمیته دو لتـــی پلان گذ ار ی ، معا دن و صنایع ،آب وبرق ، تعلیم و تربیه ، اطلاعا ت وکلتور ، صدار ت ، ادار ه مرکزی احصا ئیه پو هنتو ن کابل، ستر ه محکمه ، یو نیسف‌انجمن ر هنما ی خانواد ه ، ساز مان صحی جها ن ، صحت طفل ، ساز مان هـــا ی

دموکرا تیك زنا ن و جوانا ن وسره میاشت در تالار ریاست طب‌وقایوی دایر گردید موید ی است بر این نکته که فرا هم آور ی ز مینه های تاز ه برا ی بهبود ز ندگی کود ك برای اولین بار در کشور ما به گو نه جدی و عمیق به طر ح می‌آید واین خود نشاند ه این واقعیت است که دایر کنندگا ن سیمینا ر بادر ك و شنا خت عوا مل‌دشواری ها ی زندگی طفل خوا هان آنند که با به و جود آور ی شرایط وضوابطی تاز ه‌بر مشکلات فایق آیند وتامینات بیشتر ی در سا حه ها ی زندگی اجتما عی به کود ك تدار ك ببینند.

با آنکه سیمینار کو تا ه مد ت بود و بیش از چند جلسه دایر نتوانست و از این رو ی امکا ن شتابزد گی در اخذ تصمیم و توصیه های ضرور ی آ ن و جود داشته است در کیفیت نکا تی بسیا ر اسا سی به طر ح و تحلیل آمد که اگر به سخنرا نی های صر ف بسند ه و اکتفا نگردد و پیشنها د ها ی به طر ح آمد ه هر یك به صورت جدا گا نه مورد بررسی عمیق تر و دقیق تر قرار گیرد ارگا ن ها وساز ما ن های شر کت کننده در آ ن نیز هریك در بخش خود به فرا هم آور ی ز مینه ها ی مسا عد عمل کرد بر تو صیه ها بپر دازند و همکار ی چند جانبه‌نیز همچنا ن حفظ گردد بدو ن شك آنچه در گرو پ ها ی جدا گا نه رفاه اجتما عی طفل ، صحت طفل ، کار و استخدا م طفل و تعلیم‌وتربیه طفل سیمینا ر طفل و قانو ن به‌طرح آمد ه است میتواند از مفید یت و موثر یت کیفی بر خور دار باشد و فعالیت های مشا به دیگر ی رانیز در پی داشته باشد که در مجمو ع در از میا ن بر دا شتن‌نا هنجا ری های کنو نی ز ندگی کود ك کمك کند .

بقیه صفحه ۱۹

زندگانی سیاسی...

زد وده نمی شود . سر ا نجام کو شش‌های مذبو حا نه حسودا ن بی ثمر می ماند . در تاریخ نمو نه های فراوا ن در دست است که دشمن متفکران و اند یشمندان، شایستگی ،لیاقت و دانش شا ن بود ه است به گفته مولا ناجلال ـ الدین دشمن طا وو س آمد پراو..» فصل چها ر و پنجم کتا ب به رو ز های از نظر افتاد گی علی شیر اختصا ص یا فته ، روز ها یی که رابطه اش با کار های دو لتی‌تقریبا قطع میشود. اما چه فرق می کند او تنها دولت مرد . نیست اوشاعر محقق ، دانشمند و نو یسنده‌است در روز های دور ی از دربار اند ك ترین خستگی و ملال به او دست‌نمی دهد .

همچنا ن به مطالعه ، تحقیق وآفرینش آثار ی می پر دازد وشعر می سراید بسیار ی از شعر ها ی شاعران متقدم را جواب می گو ید و آنها را پد ید می آ و رد ه‌مانند لیلی و مجنو ن ، شیرین و فر ها د حیرت الا برار ،-که پا سخی است مخزن الا سرار نظا می را، آخرین بخش کتا ب جستجو یی است در آخرین سا ل ها ی زندگا نی میر علی شیر نوا یی که با و جود همه حساد ت ها ، تو طئه ها و کار شکنی ها ی گرو هی از حسودا ن کار خودرا همچنا ن با متا نت‌دنبال کرده است دچا ر تردید نشد ه تا توا نسته به یار ی تهی دستا ن شتا فته . بر معلو ما ت ، تجر به ودانش خود افزو د ه به کار ها ی اجتما عی و خیر یه پردا خته است در غنا مند ی ز با ن وادبیا ت‌تر کی ودر ی کو شش ها یی فراوا نی به خرج داد ه است اینکه ما نا م او را پس از گذ شت سد ه‌ها گرا می گرا می می داریم و این گرا میداشت را سزا وار است که چراغی فراراه توده ها افرو خته است کتا ب زندگا نی سیاسی علی شیر نوا یی دارا ی ضمیمه ای از فهر ست نا م های مردا ن ، ز نا ن ، اماکن، موسسا ت ، قبایل و زبا ن هاست که کو شش آیخا ن بیانی با این ارتباط قابل تذکر است . اگر از چند مورد غلطی طبا عتی کتا ب که اند ك شمار است بگذ اریم . قطع صحا فت ، و چا پ کتا ب قابل پذیر ش است . و همچنا ن ترجمهٔ این کتا ب روا ن و قابل استفا د ه است فقط باین یاد آور ی که واژه های عر بی به فراوا نی بکا ر گرفته شده است .

د ۲۱ مخ پاتی

غلاشوی مغزونه..

پانگه وال لویدیز ذهنیتونه په دغه برخه کی په کلی تو گه مختلف دی . او نوی استعمار چیان خپلو پر نسیبو نو ته پوره وفادار دی : هغوی د هغو ستونزو اوخنډونو څخه بهره برداری او گټه اخلی ، چی‌دودی په حال کی هیوادو نه ورسره مخامخ دی ، کوم وخت چی د لوړ مهارت لرونکی افریقا یان او آسیا یی متخصصان وروزل شی ، نو نوی استعمار چیان دغه پر مختگ اودی ته د خپل اسلوب او چال چلندسره سم ښه راغلی وایی : هغوی دغه متخصصان د فریب او غولولو له لاری د خپلو هیوادو نو په تر ك کولو او پ ر یښود لو سره تشویق کوی . دمغزونو غلاکولو په دغو نږدی‌وختونو کی ډیر عمومیت او زیاتوالی موندلی دی . د ملگرو ملتونو احصا ئیی څرگنده وی چی له ۴۰۰۰۰۰ څخه زیاتو لایقو او مستعدو متخصصا نو د ۱۹۶۱ـ۱۹۷۶ کلو نو په موده کی دودی په حال کی هیوادو نو څخه مهاجرت او کوچ کړی وی. امپریا- لستی قوتونو د غه ښه وبلله،بیله دی چی د هغوی په ښوونه او روزنه باندی پیسی مصرف کړی ، دسمند- رو نو څخه د هغی خوا متخصصا ن استخدام او په کار واچوی .

په لویدیز کپیتا لستی سیستم‌کی داسی نما یندگی‌شته‌دی چی د هغوی مشخصه دنده داده ، چی په آسیا کی متخصصین‌اوکارپوهان استخدام کړی . خصوصا د بین المللی سترو شرکتونو څانگی او ښاخونه په‌دغه برخه کی مهم رول لوبوی .او عموما دهغوی د خوښی او پا ملرنی وړ تر زیاتی اندازی متجربه انجنیرا ن،د طب ډاکټران او سا ینس پو هان دی .

راځی د مثال په تو گه هندو ستان په نظر کی ونیسو .د هند ۱۵۰۰۰ ډاکټران د باندی په خارج کی کار کوی . په داسی حال کی چی په‌خپله دهند د سختی اړتیاله‌کبله‌په کلیوالی سیمو کی چی شمیر یی په سلو کی ۸۰ ته رسیږی د هرو لسو زرو تنو لپاره یو اخی یو تن ډاکټر لری. او که چیری دغه رقم د بریتا نیا سره انډول‌شی ، نو هلته د هرو ۷۶۰ اوسیدونکو لپاره یو تن ډاکټر په کار بو خت دی.هند همدا رنگه دساینس او تکنا لوجی په مهمو څانگو کی دریسرچ یا څیړنی د کار کوو نکواو متخصصینو د کموا لی سره مخامخ دی. په داسی حال کی چی د ۸۰۰۰ په شاو خوا کی ریا ضی پوهان، فزیك پوهان کیمیاپوهان او بیو لو- جستان یی د امریکی متحده ایالاتو، دفیدرالی آلمان جمهوریت، بریتانیا اوداسی نورو لو ید یځو هیوادونو ته تللی دی .

په پنځو تیرو کلونو کی په هر کال کی د طب فارغ التحصیلان په سلو کی ۷۰ له پاکستان څخه‌وتلی دی. په سر یلانکا ،فیلپین او ځینو نورو آسیا یی هیوادونوکی هم‌وضعه او حالت په همدغه شکل دی .

هغه اخلاقی او اقتصادی خساره یاکمزورتیا چی له دغه کبله دودی په حال کی هیوادو نو لپاره رسیدلی ده ډیره لویه اوپراخه ده ،دمطبوعاتی راپور و نو له مخی د مغزو نو وچ والی یا په بله ژبه د مغزو نو غلاکولو همدا اوس د غو هیوادو نو ته ۵۰ ملیونه ډالره خساره یا تاوان رسولی دی .

ددغو پیسو شمیر په مجمو عی ډول په بی ساری توگه د هغوپیسو دشمیر څخه ډیر زیات دی ، کوم‌چی دنوموړو هیوادو نو په وسیله روزل شوی متخصصین او کار پو هان یی بیا خپلو کورو نو ته استوی .

مدیر مسوول: راحله راسخ خرمی
معاون : محمد ز مان نیکرای
آدرس : انصاری واټ‌جوارریاست مطابع‌دولتی- کابل
تیلفون مدیرمسوول: ۲۶۸۴۹
تیلفون توزیع‌وشکایات ۲۶۸۵۹
سوچبورد مطابع‌دولتی ۲۶۸۵۱
تیلفون ارتباطی ژوندون ۲۱

بقیه صفحه ۲۹

استادمیرزا ترسون...

در آغو ش و طن‌فضل‌وکما ل نو به نو یابم .
جهان داند که بی ظلم واسار ت من‌جها ن دار م.
سرود این دل‌شاد مراهیچ انتها یی نیست ،
بوصف کشور آزاد صدها داستا ن دار م :
زمین تا جیکا ن‌گل کرد،باغ تاجیکان گل کرد ،
دل خر م ، سر سبز ازبهار تا جیکا ن دار م .
به قانو ن نا مه خود پرتیه باخط زر بنو شت ،
حقوق خلقها را بین چه‌بخت جاو دا ن دا ر م .

تره چندر ی

به آب و رنگ نو بید ل چوآمد در جها ن نظم ،
زرو حسن دگر آمو خت‌با غ و بو ستا ن نظم .
سخن میراند سر بستـــه‌نهان می داشت معنی را،
به مثل دانهٔ گو هر که پنهان‌است در دریـــا ،
نه مفتی بود، نـه ملا نـه‌بیتو فق رو حا نـــی ،
فقط میکرد بر دنیا نگـــه بـاچشـــم انسا نـــی .
ثنا بر کا مد ی گو یا ن سرودی از مد ن خوا نـا ن ،
به تار نظم خود آو رد ه عشق‌پـا ك ایـــن یارا ن .
برقص کا مدی شیدا ، بـــه‌آواز مد ن مفتـــو ن ،
نو شت این نا مه عشـــا ق‌شا عر با د ل پر خـــو ن
بمثل کا مد ی در حسن و د رصنعـــت جها نگیر ی ،
توای رقاصه دوران تـره‌جندا ی ـتر ه چند ر ی .
دل تا جیك و هند و چـو ن‌دو شمع انجمن افرو خت ،
به داغ این دو شمع انجمـن‌افرو ز بید ل سو خـت .
چو د یدم در د یـار تـوخزا ن بو ستا نـی را ،
نمود م جستجو از کا مـد ی تو نبشسته غبار ی ر ا،
در آن از کا مد ی جستـــم نشا ن یاد کـار ی را ،
بو قت ر قص موزو نت ، به‌چشما ن پر افسو نـت ،
کبو تر در هوا ، آهو بصحر اگشتـــه مجنو نـت ،
بو قت چر خ گر دا نـــت‌بگرد پا ی پیچا نـت ،
نماید جلو ه در چشمم پـــرطاو س بـدا مانـــت ،
بز یر عنبر ي ز لف سیـــاهست چو ن قمر دید م ،
در آ ن از آفتا ب کا مد ی‌گویـــا اثر دیـــد م .
اگر خور شید بود کا مـد ی‌تو مانند مه بـــد ر ی ،
برو ی آسما ن خود تـــر ه‌چندری ـ تره چـندری ،
غزل میگفت و در می سفـت‌حا فظ ـ شا عر شیرا ز،
سخن را داد ه در وصف شماجا دو گرا ن پـــر دا ز .
دل تا جیك و ایرا نـــی‌محبتگا ه حا فظ شـــد ،
سرود عا شقا ن همصحبـت‌دلخوا ه حا فـــظ شد .
دل و جا ن را فدا کرد ا وبرای‌چشـــم جا دو یـــی ،
بز لفا ن سمن بو یی ، بخا ل‌و خـــط هندو یـــی ،
«اگر آ ن تر ك شیر ا ز ی‌بدست آ رد د ل مـــا را ،
بخا ل هندو یش بخشـــم‌سمر قند و بخـــا را را ».
بگو ما ه نو هند و چسا ن‌چون ذر ه پیدا شـــد ،
هما ن خالی که دار ی در میان‌ابـــر و ا ن خـــو د ؟
نیا و رد م نه دا م و دانهٔ‌جا و دو گرا ن تـــو ،
نه زلفا ن سیا ه تـو ، نه‌خا ل ابـــر وا ن تو .
مرا آو رد در پیشس تـــویاد دوستا ن مـــن ،
خیا ل دوستا ن دو لـــت‌پر شا ن و شا ن مـــن .
من از ملك سعا دتمنـد ـملك تا جیکا ن آ یـــم ،
به مثل او لین بو ی بها راز ب وستـــا ن آیـــم .
من از رقص تو مفتو نـم ،زحا لت لیك محزو نـم ،
تره چندر ی ... تره چندری ... مکن اینقد ر افسونم.
چه حا ل است آن که‌درطاق‌دو ابر ویت که با ز ی ،
چه حا ل است اینکه حا فظشدبه هر قربانی‌ای راضی؟
مگر در آسما ن حسـن‌ماه تیر ه د ا ر ی
مگر خود زهر ه و چـون‌مشتر ی همشیر ه دا ر ی؟
مگر در خانهٔ ابرو ی خـودگنج نهـــا ن دا ر ی ،
که مثل ما ر زلفـــا ن‌به‌گرد ش پاسبا ن دا ر ی ؟
مرم از دو ست چو ن آ هـوبمن سر دلت را گـــو ،
تره چندر ی ـتره چند ری،تو ای با زیگر هنـــدو .
اگر با رقص بر خیز ی ،هوا ی فار م انگیـــز ی ،
زباغ صنعت خلقت به گردخویشس گـــل ریـــز ی.
به جنبشس مو ج در یایی ،به لرزش ریگ صحرا یـی
هنر مندو هنر پیشه زسرتا نا خـــن پا یـــی .
سبك چو ن پر نیا نی تو،به از آ ب روا نی تـــو ،
بکف در گرانی تو ، بـه‌تن‌جا نی تو ، جا نی تـــو .
متـــر س از شعله هـــای‌او لین صبح آز ا د ی ،
ملرز از باد دهشتناك‌طوفا ن مثل شمشـــا دی .
امید و آرزو ی خلق خو درا در دلت جا کـــن ،
دل پر حسر ت آ ن را به‌مثل غنچه ای وا کـــن
تو ای فر زند محبو ب دیارو کشـــو ر بی بخـــت
سیه چشم و سیه ابر و ،سیه مو ،دختر سر سخت.

بقیه صفحه ۹

دیگرفریادزن...

راه حز ب و راه انقـلاب ، راه رهایی ز نا ن ، یاد داشت مد یـر مسوو ل ، در راه ایفا ی تعهدا ت بمرد م ، خطوط اساسی فعا لیت های ساز ما ن دموکرا تیك ز نـــا ن افغانستا ن ، کلا راز تکین بنیـا ن گذ ار روز جها نی ز ن ، گرا می باد خاطر ه نخستین کنفر انس سر تا سری زنا ن افغانستا ن ، بنخه د سولی به خد مت کی ، شهید زنده است ، امروز برا ی بشر یـــت داعیه جدیتر ی از صلح و جـــود ندارد ، گزار ش فعالیت های کمیته ملی به پیشوا ز کنفر انس جهانی زن و هشتمین کنگر ه فدرا سیو ن دموکرا تیك بین المللی ز نا ن ، فدراسیو ن دموکرا تیك بین‌المللی زنا ن ، مدافع را ستین حقـــو ق سیاسی ، اقتصا د ی و اجتما عی زنا ن جها ن ، حل مسا له ز ن‌در اتحاد شورو ی ، استثمار و بهره کشی بیر حما نه ز نا ن در جها ن آزاد ، به پر مختا یی هیواد و کی دبنخو مبارز ی ، ز نان قهر ما ن فلسطین میرز مند ، شعر ی ا ز مشیر ی ، صفحا ت شعر ، یـــك داستا ن کو تا ه زیر عنوا ن بـــی تفنگ و باتفنگ در جنگ با یانکیها واز جها ن ز ن عنا و ینی است که هریك خوانند ه را به مطا لعه‌دعوت میدارد و در محتوای خود در عین‌حال که ذوق اجتما عی ، سیاســـی و فر هنگی را ار ضا میدارد سطـــح آگا هی و دانشس خوانند ه را نیـز افزا یشس میدهد .

از نظر فو رم و شکل نیـــز تلاش به عمل آمد ه تا مجله بـــر خور دار از زیبا یی بـود ه و در دیزاین و تز یین صفحا ت دیدهنر ی بکار گر فته شود .

هفتگی نا مه ژو ندو ن آغـــا ز نشرا ت مجله ز نا ن افغا نستا ن را به دکتور انا هیتا را تب ز ا د بنیا ن گذ ار ساز مان دموکرا تیك زنا ن افغانستا ن ، کر یمه‌کشتمند منشی ساز مان ، هیا ت تحریرمجله عظیم شهبا ل مدیر مسوو ل‌نشریه وتمام خانواد ه ها و زنا ن‌روشنگر کشور تهنیت میگو ید و امید وا ر است مجله ز نا ن افغا نستا ن در راه تحقق آر مان ها ی ساز ما ن و در راه بر آو رد ن نیاز هـــا ی فر هنگی ز نا ن کشور و آگا هـــی دهی به خوانند گانشس موفق تر از این باشد و با استـــو ار ی روی اهدا ف نشرا تی خود نقشـــ فر هنگی خودرا به عنوا ن یـــك وسیله ارتبا ط جمعی در شر ایـط دشوار کنو نی به ایفا گیـــر د و تا آنجا در ارضا ی ذو ق خوانند ه وبرآور ی نیاز ها ی دا نستنی و ی موفق با شد که دیگر مجـــلا ت کهنه خار جی را هی در میـــا ن خانواد ه های ما ندا شته باشد .

آغا ز نشرا ت ما هنا مه زنا ن افغانستا ن را گا می در جهت رشد وبا رو ر ی فر هنگ ملی‌و تو جه به نیاز های فر هنگی ز نا ن کشو ر میدانیم ودر آرزو ی آنیم تا ایـــن ما هنا مه مورد پذیر ش‌واستقبا ل واقع شود و به زود ی نشر یه‌های دیگر نیز با اهدا فی مشا به د ر کنار خود داشته باشد تا ز نـا ن کشور ما به هر سو یه یی کـــه هستند مطا بق ذو ق و خوا ســـت خود نشر یه یی برای خوا نـــد ن داشته با شند به امید آن‌روز.

ژوندون

بقیه صفحه ۱۷

انقلاب، مردم، وطن...

«اکنو ن درین لحظا ت که بـــر اساس ارا ده اکثریت مردم وار د مر حله نوین از انقلاب ملی و دمو- کرا تیك کبیر ثور می شویم .دورا ن تا خت و تاز و حا کمیت امین ودار ودسته ی محدو د ش این مستکبرین وخاینا ن به خلق وو طن به پایا ن رسید وجبهه ملی پدر وطن بـــه رهبری حز ب دموکرا تیك خلـــق افغانستا ن با اتکا به اراد ه اکثریت عظیم تود ه های مرد م کشور وبه کمك ار دوی آزاد ی بخشی افغا - نستا ن بخا طر دفا ع از دست‌آو رد ها ی انقلاب کبیر و پر جلال ثـور قدر ت حا کمه را بدست گر فت .

اکنو ن ما ایمان راسخ داریم کـــه انقلاب ما از عهد ه دشوار ی ها ی عظیم فعلی بدر خواهد آمد . »

حزب بعدا در راه عملی تشکیل جبهه پدر وطن گا م های عملی و مثبت را یکی پی دیگر بر داشت‌که جبهه‌بز رگترین منبع تجلی قد ر ت زحمت کشا ن و تمام ملیت ها و اقوا م ساکن سر زمین و احد ما شناخته شد ، که بر این مسا له‌در تمام اسناد رسمی حز بی ودو لتی تکیه شده است . مثلا مادر اصول اساسی جمهور ی دمو کرا تیـــك افغانستا ن که بعد از پـیرو ز ی مرحله نوین انقلاب به تصو یـــب رسید و منحیث قانو ن اسا ســی مو قت دو لت جمهور ی دموکراتیك افغانستا ن شنا خته شده و مر عی الاجرا است می خوانیم که :

قدرت ز حمت کشا ن در جمهور ی دموکراتیك افغانستا ن متکی بـــر جبهه وسیع ملی پدر وطن اســـت که کلیه کار گرا ن ، دهقانا ن،کسبه کارا ن ، کو چیا ن ،روشنفکر ا ن زنا ن ، جوانا ن و نمایند گـــا ن تما م ملیت ها و اقوا م دموکراتیك ووطن پرست و ساز ما ن هـــا ی اجتما عی و سیاسی کشور راتحت ر هبر ی حزب دمو کرا تیـــك خلق افغانستا ن وبر اسا ســـی برنا مه عمو می اعمار جا معه نوین آزاد و دموکرا تیك متحد می سازد دولت‌جمهو ر ی دموکرا تیك افغا - نستا ن به تاریخ شش جد ی‌سا ل گذشته کنفر انس نیرو های ملی ووطن پرست را که همانا پا یه‌های اساسی جبهه ملی پدر وطن را می سازند ، تشکیل و کار تـــدا ر ك جبهه نیرو مند را رسما آغاز نمود، که بالاخر ه نتیجه ثمربخش ایـــن تدارك تشکیل کنگر ه جبهه ملی پدر وطن درسا ل جار ی گردید . بدین گو نه و ظایف عمده جبهه ملی پدر وطن و خطو ط کلی وظا یف آن که عبار ت از تحکیم حا کمیـــت زحمت کشا ن در جمهور ی دمو - کرا تیك افغانستا ن و متحدساختن همه نیرو ها ی ملی وو طن پرست کشور در امر شگوفا یی افغانستان واعمار جا معه نوین است . تعییـــن وتثبیت گردید. بـد ین تـرتیـب «جبهه که مولود انقلاب ثـــور و مخصو صا مر حله نو ین تکا ملی آنست خود به عا مل تعمیق و رشد بیشتر آن مبد ل میگردد . »

ولی باید درنظر داشت کـــه وحد ت تمام نیرو ها ی وطن‌پرست که بزرگترین ضا من گستر شـــن وپیروز ی نها یی وکامل‌انقلاب‌است کار آسان و ساده یی نیست ،زیرا میدانیم که ارتجاع و امپر یالیزم‌قرن ها در سر زمین ما حکومت کرده و تسلط داشته اند درین مدت تاتوا - نسته اند در میان مردم ما تخم نفاق بد بینی و عدم اعتماد به‌همدیگر را کاشته اند ،لذا کار متحد ساختـــن همیشه مردم ، کار آسانی نیست و نمی‌تواند خود بخودی صورت‌گیرد. ببرك کار مل منشی عمومی کمیتـه مرکزی ح.د.خ.ا و رئیس شـــورای انقلابی ج.د.ا در بیانیه‌یی اساســی شان در کنگره موسس‌جبهه ملی پدر وطن درین مورد فرمودند که :(... اما این وحدت ، وحدت غیر آگاها نه و خود به خودی نه بلکه در نتیجه همکاری حکومت مرده‌ی وتمام وطن- پرستان افغانستان بدورحزب ودولت انقلابی پایه گذاری میشود. ما بالای درس های تاریخ خویش و تجـــارب عظیم تاریخی‌مبارزات مردم‌افغانستان به خاطر آزادی ، استقلال ، حاکمیت ملی ، تمامیت ارضی و ترقی اتکـاء داریم. با اطمینان کامل میتوان گفت: یکی از درس های عمده سیا ســـی تاریخ ما عبارت از آنست‌که‌وطنپر- ستان افغانستان در صورت اتحـاد وحدت و همکاری به پیروزی رسیده و به‌اهداف مطروحه دست یافته اند به مثابه شایسته ترین وارث بهترین سنن مبارزات آزادی بخش و ضد امپر یالیستی نیرو های وطنپر ست کشور با طرح و حل مسله اتحـــاد نیرو های ملی ودمو کراتیك آرما ن ه ی توده های عظیم را منعکس می سازد ...)

جبهه ملی پدر وطن درین مرحلـه تاریخی کشور ما ، مرحله‌ی که بر حق نقطه چرخش و سر نوشت ساز کشور است و انقلاب ملی و دمو - کراتیك ماو دولت جمهوری دموکرا- نیك افغا نستان و بالا خـره انسان رزمنده سر زمین ما همراه با ما در وطن افتخار آفرین ما افغا نستـان آزاد و سر بلند مورد حمـــلات و تجاوز نیروهای اهریمنی واستعمار امپر یالیزم و هژمو نیسم بین المللی و عناصر خود فروخته‌ی وابستـــه به‌نیو دالیزم قرار گرفته‌است‌دارای اهمیت تاریخی بس سترگ وعـظیم است .

شمه‌ی ازین ارزشمندی ها را میتوان چنین جمع بندی نمود :

اولتر از همه آنکه این جبهه باعث متحد گردیدن تمام مردم ما و پایان بخشیدن به سیاست های استعماری که در گذشته میان مردم ما نفاق و بی اعتمادی را خلق کرده بودند ، می گردد .

دوم- در اثر متحد شدن تمـام اقشار و طبقات انقلابی در یك صف واحد و بالاخره دراثر مبارزه‌مشترك ایشان شعور طبقا تی و سیـا سی مردم ما بلند رفته و بدین ترتیـب جبهـه برای کل ملت به بهتر یـن آموز شگاه سیاسی مبدل میشود .

سوم - جبهه ملی پدر وطن پایه های اجتماعی انقلاب را گستر ش داده و به خصایل توده‌ی انقلاب هر چه بیشتر می افزا ید .

چهارم - در اثر وجود این جبهه برای فرد،فرد مردم ماامکان مبارزه‌ی فعال با ضد انقلاب و همچنان امکان سهمگیری هرچه بیشتر در امرسا- ختمان جامعه نوین میسر می گردد.

پنجم- جبهه امکانات وسیع‌توده‌ی را برای محو کامل ضد انقلاب فراهم می نماید .

ششم - جبهه اهداف انقلاب رادر همه اطراف و اکناف وطن رسا نیده و آنها را بیشتر توضیح میدهد .

هفتم - در اثر فعالیت همکانی و مبارزه‌ی مشترك درین جبهه وسیع توده ها به این امر کاملاباور حاصل می کنند که انقلاب از ایشان و دولت جمهوری دمو کراتیك افغا نستان در خدمت آنهاست .

هشتم - با همکار ی همگانی در جهت شگو فانی کشور -زمینه های مادی و تخنیکی گذار به جامعه نوین فراهم میگردد .

چنین است برخی از ارزشمند ی های جبهه ملی پدر وطن و همچنان صد ها ارزشمندی دیگر . ولـی از نقطه نظر سیاسی بیش از همه ارز- شمندی مسله دراین است‌که تشکیل جبهه وسیع ملی پدر وطن جواب‌قانع کننده‌ی ازنیرو مندی انقلاب گسترش آن در بین تود ه‌ها، باز گشت‌شرایط عادی زندگی در کشور و شکســـت قطعی و کامل ضد انقلاب است.

در مدت کمی که از تشکیل جبهه وسیع ملی پدر وطن می گذرد مـــا شاهد پیروز های شگرف نیرو های انقلاب و از هم پاشیدن و نابـــودی باندیست های ضد انقلاب بوده ایم. انقلاب بیش از پیش در میان تـوده ها گستر ش می یابد و با گسترش نفوذ انقلاب ضدانقلاب محکوم به‌سر نوشت محتوم خود یـعنـی زوال‌و نابودی می گردد.

اگر مابه پروسه انقلاب و مخصو- صا بعداز پیروزی مرحله نوین‌انقلاب نظر اندازیم و باز اگر از فـــراز و نشیب هایی که به صورت طبیعـی انقلاب با خود دارد بگذاریـــم ، در مجموع اوضاع به نفع انقلاب تغییر یافته و ضد انقلاب یا تار و مـــار گردیده و یا مجبور به عقب نیشی همیشگی شده ا ست. حـالا کـــه پروسه‌ی تکامل بزر گترین دســـت آورد مرحله‌ی نوین انقلاب (جبهه‌ملی پدر وطن) در حال اکمال است ، ما ایمان راسخ داریم که دیری نخواهد گذشت که ضد انقلاب به سر نو - شت محتوم تاریخی خود محکـــوم خواهد گردید و آنگاه این مردم دلیر افغا نستان خواهند بود که بر اشك های تمساح گونه‌ای امپر یالیزم که برلاش نو کران شان میریزند ،خوا- هند خندید .

مطبعه دولتی

شماره (۲۵ـ ۲۶)
سال ۳۳
قیمت یك شماره ـ۱۳ـ افغانی